

انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام

پاسخ‌های روشنگر

بر بستر امواج

(جلد اول)

سید احمد الحسن علیه السلام

گردآوری و تنظیم

هیأت علمی انصار امام مهدی علیه السلام

مترجم

گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام

نام کتاب	پاسخ‌های روشنگر بر بستر امواج (جلد اول)
نویسنده	احمد الحسن <small>رحمته</small>
گردآوری و تنظیم	هیأت علمی انصار امام مهدی <small>علیه</small>
مترجم	گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی <small>علیه</small>
نوبت انتشار	دوم
تاریخ انتشار	۱۳۹۴
کد کتاب	۱۲۰/۲
ویرایش ترجمه	دوم

جهت کسب اطلاعات بیشتر در خصوص دعوت مبارک سید احمد الحسن علیه به
تارهای زیر مراجعه نمایید.

www.almahdyoon.co/ir

www.almahdyoon.co

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست

پیش‌گفتار..... ۷

- پرسش ۱: چگونه می‌توانم سید احمد الحسن (علیه السلام) را تصدیق نمایم ۹
- پرسش ۲: مضمون دعوت شما و اهدافش چیست؟ ۹
- پرسش ۳: چگونه عیسی (علیه السلام) پشت غیرپیامبر نماز می‌خواند؟! ۱۰
- پرسش ۴: مفهوم عبارت: «اما خمس، برای شیعیان ما مباح شد...» ۱۱
- پرسش ۵: منظور از سگ اصحاب کهف چیست؟ ۱۲
- پرسش ۶: تفسیر رویای رسیدن به حضور امیر المومنین (علیه السلام) ۱۳
- پرسش ۷: تفسیر رؤیا در مورد پشت بام و باغ سرسبز ۱۴
- پرسش ۸: آیا میوه چیدن آدم (علیه السلام) روی درخت تأثیر داشت؟ ۱۴
- پرسش ۹: چگونه به عوام ثابت می‌کنی که چنین هستی؟! ۱۵
- پرسش ۱۰: چگونه عمل به علم حروف ۱۶
- پرسش ۱۱: آیا زمان مرگ‌تان را می‌دانید؟ ۱۶
- پرسش ۱۲: ویژگی‌هایی که شما را شایسته‌ی این مهم نموده، کدام است؟ ۱۷
- پرسش ۱۳: آیا شما از محتومات و تمثیل کدام شخصیت می‌باشی؟ ۱۷
- پرسش ۱۴: سخن خداوند متعال: «و اذ قال موسى لقومه... التواب الرحيم» ۱۹
- پرسش ۱۵: چگونه با دلایل عقلی و نقلی ثابت می‌کنید که شما سفیر پنجم هستید ۲۵
- پرسش ۱۶: آیا ممکن است بر شما نیرویی مسلط شده باشد؟ ۳۷
- پرسش ۱۷: این نشانه‌ی روح اخلاقی والای شما است. ۳۷
- پرسش ۱۸: چطور امام شما به شما نیاموخته من کی هستم و تحصیلاتم چقدر است؟! ۳۸
- پرسش ۱۹: آیا شما وصی امام مهدی (علیه السلام) هستی یا فرزند او؟ ۳۸
- پرسش ۲۰: نکاتی از داستان موسی (علیه السلام) در سفرش برای دیدار با حضر (علیه السلام) ۴۰
- پرسش ۲۱: زندگی‌نامه‌ی سید احمد الحسن (علیه السلام) ۴۳
- پرسش ۲۲: آیا می‌توانید از غیبیاتی که اجازه‌شان داده شده است، مرا آگاه نمایید؟ ۴۴
- پرسش ۲۳: روح القدس که در قرآن آمده است، کیست؟ ۴۵
- پرسش ۲۴: سخن خداوند متعالی: «و من یتق الله يجعل له مخرجاً...» ۴۷
- پرسش ۲۵: گروه‌هایی که شمشیر امام (علیه السلام) به سویشان کشیده می‌شود ۴۸

- پرسش ۲۶: وظیفه‌ی من در رابطه با دعوت مبارک چیست؟ ۴۸
- پرسش ۲۷: توقیع سمری ۴۹
- پرسش ۲۸: سید نزد چه کسی درس خوانده و آیا او از نسل امام (علیه السلام) است ۵۱
- پرسش ۲۹: آیا جایز است که زن بدون محرم به زیارت برود؟ ۵۲
- پرسش ۳۰: نقشه‌ی دینی که آورده‌اید چیست؟ ۵۳
- پرسش ۳۱: شناخت شجره‌نامه‌ی کامل ۵۴
- پرسش ۳۲: شناخت اصل موضوعی که به آن دعوت می‌نمایید ۵۵
- پرسش ۳۳: چطور می‌توان چنین ادعایی را تصدیق نمود؟! ۵۷
- پرسش ۳۴: ادعای قیسی و نامه‌ی تکذیبیه‌ی نامه‌ی وصایت ۵۷
- پرسش ۳۵: سؤال ماجد المهدی درباره‌ی دو اسم مخفی در سوره‌ی فاتحه ۶۲
- پرسش ۳۶: چگونه می‌توانم تصدیق کنم و حال آنکه مدعیان بسیارند ۷۷
- پرسش ۳۷: چرا قرآن بر حسب نازل شدن جمع نشده است ۷۸
- پرسش ۳۸: چرا پلیس محکوم می‌شود و حال آنکه آنها هدفشان فقط معیشتشان است ۷۸
- پرسش ۳۹: حکم تراشیدن موی گونه‌ها در آرایشگاه‌ها چیست؟ ۷۹
- پرسش ۴۰: منظور از رود، خورشیدپرستان و برائت از علی (علیه السلام) در زمان قائم چیست؟ ۸۰
- پرسش ۴۱: عم با احتیاط به رساله‌های سه‌گانه ۸۳
- پرسش ۴۲: آل فلان در صیحه‌ی جرئیل (علیه السلام) چه کسانی هستند؟ ۸۴
- پرسش ۴۳: ازدواج زن مسلمان با مرد مسیحی ۸۵
- پرسش ۴۴: چگونه شناخت احکام ممکن است در حالی که شما مرجعیت را باطل می‌دانید؟ ۸۵
- پرسش ۴۵: تهدید حمد آل ملحان ۸۶
- پرسش ۴۶: اگر مرا شفا دهی، خدمت خواهم شد ۸۸
- پرسش ۴۷: بیست سؤال متنوع ۸۹
- پرسش ۴۸: چگونگی مشاهده‌ی امام مهدی (علیه السلام) و دعوت به مناظره ۹۳
- پرسش ۴۹: چرا برای عامه‌ی مردم معجزه ظاهر نمی‌کند؟ ۹۴
- پرسش ۵۰: لطفاً تفصیل خمس و زکات را بفرمایید ۹۶
- پرسش ۵۱: چه چیزی شما را از سایر مدعیان متمایز می‌سازد؟! ۹۷

پیش‌گفتار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً

سؤال‌های دریافت شده از طریق اینترنت که ارسال‌کننده‌های آنها و همچنین ما که جاهل و تقصیرکاریم، مشتاق دریافت پاسخ‌هایشان هستیم... تا از نور شما بهره‌ای گیریم و از علم شما به ما افزوده گردد... علم محمد و آل محمد علیهم‌السلام... و از میوه‌ی محمد و آل محمد که سلام و صلوات پروردگارم بر همه‌ی ایشان باد، تناول کنیم... و افتخار ما این است که این میوه را از دست مبارک شما برگرفته‌ایم... و چه دستی! دستی که معصوم را لمس و با او مصافحه نموده است... و حتی این دست، بخشی از وجود او علیه‌السلام می‌باشد. خداوند این دست را برای یاری دینش و انتشار فضل و رحمتش حفظ فرماید... عذر تقصیر دارم!

کسی که به خدمت پروردگارش مشرف شده

أبو محمد الجابر

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش ۱: چگونه می‌توانم سید احمد الحسن (علیه السلام) را تصدیق نمایم
چگونه می‌توانم از طریق کوتاه‌ترین راه باور کنم که سید احمد الحسن، فرستاده و وصی
امام مهدی (علیه السلام) می‌باشد؟

زینب موسوی - ۱۶ صفر ۱۴۲۶ ه.ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والصمد للرب العالمين

کوتاه‌ترین راه ایمان به غیب، خود غیب است. بعد از اینکه سه روز روزه گرفتگی و به
حضرت فاطمه (علیها السلام) دخت گرامی پیامبر (صلی الله علیه و آله) متوسل شدی از خداوند بخواه که حقیقت را به
وسیله‌ی رؤیا یا مکاشفه یا به هر نشانه‌ای از نشانه‌های غیبی ملکوتی خداوند سبحان و
متعال، از سوی خداوند بشناسی.

الصمد للصالحين

پرسش ۲: مضمون دعوت شما و اهدافش چیست؟

مضمون دعوت شما و اهدافش چیست؟

Reta Jorj - زن مسیحی - ۱۶ صفر ۱۴۲۶ ه.ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والصمد للرب العالمين

حضرت عیسی (علیه السلام) فرمود: «بنی آدم فقط با غذا زنده نمی‌ماند بلکه کلام خداوند نیز انسان را
زنده نگه می‌دارد» و من بنده‌ی خداوند به شما می‌گویم که بنی آدم با غذا می‌میرد و با کلام
خداوند زنده می‌شود.

دعوت من همانند دعوت نوح (علیه السلام)، ابراهیم (علیه السلام)، موسی (علیه السلام)، عیسی (علیه السلام) و مانند دعوت
محمد (صلی الله علیه و آله) می‌باشد؛ اینکه توحید در جای جای کره‌ی زمین انتشار یابد. هدف من همان هدف
انبیاء (علیهم السلام) و امامان (علیهم السلام) است. من تورات، انجیل و قرآن و اختلافاتی را که در آن دارید را برایتان

واضح و آشکار می‌سازم و همچنین انحراف علمای یهود، مسیحی و مسلمان و خروجشان از دین الهی و مخالفت آنها را با وصیت‌های پیامبران علیهم‌السلام را!

خواست و اراده‌ی من همان خواست و اراده‌ی خداوند سبحان و متعال است؛ اینکه ساکنان کره‌ی زمین جز به آنچه خداوند اراده فرموده است، عمل نکنند، زمین پر از عدل و داد شود همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است، گرسنه‌ها سیر شوند و هیچ فقیری بی‌سرپناه نباشد، یتیم‌ها بعد از غم‌های طولانی شاد شوند و زنان بیوه نیازهای مادی خودی را با عزت و کرامت به دست آورند و.... و.... و.... اینک عدالت، رحمت و صداقت که مهم‌ترین موارد در شریعت الهی می‌باشد، فراگیر گردد.

از شما تقاضا می‌کنم اعتقادات به عیسی بن مریم علیها‌السلام را به طور واضح بیان کنی و همچنین پای‌بندی‌ات به آیات انجیل را، تا بتوانم حقیقت را برای شما و برای همه‌ی کسانی که خواهان حقیقت هستند و از دو قیامت صغری و کبری و از معاد و از خداوند سبحان و متعال می‌ترسند، بیان کنم.

صدر الصبح

پرسش ۳: چگونه عیسی علیه‌السلام پشت غیر پیامبر نماز می‌خواند؟!

چطور می‌گویید که پیامبر خدا عیسی علیه‌السلام در آخر الزمان ظهور می‌کند و پشت سر کسی که می‌گویید پیامبر نیست و نامش محمد المهدی است، نماز می‌خواند؟! آیا این عجیب نیست؟! چطور یک پیامبر پشت سر کسی که پیامبر نیست، نماز می‌خواند؟!

Reta Jorj - زن مسیحی - ۱۶ صفر ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

ای خواهر! نماز خواندن پیامبر خدا حضرت عیسی بن مریم علیها‌السلام پشت سر امام مهدی علیه‌السلام از دو احتمال خارج نیست:

اول: اینکه امام مهدی علیه‌السلام برتر از عیسی علیه‌السلام باشد و به طور طبیعی امام مهدی علیه‌السلام نمی‌تواند برتر باشد مگر اینکه مقام نبوت را نیز دارا باشد که در این صورت، جایی برای بحث درباره‌ی اشکالی که شما طرح نمودید، وجود ندارد. با وجود اینکه من به این مورد معتقدم ولی احتمال دومی را نیز مطرح می‌کنم و به آن پاسخ می‌گویم.

دوم: اینکه عیسی علیه السلام برتر از امام مهدی علیه السلام باشد؛ در این صورت اشکالی که شما مطرح نمودید، برای روشن شدن حق و حقیقت، جای بحث و بررسی دارد. پاسخ، در دو کتاب تورات و انجیل یا عهد قدیم و عهد جدید وجود دارد؛ همان طور که در قرآن نیز موجود می باشد.

از تورات یا عهد قدیم داستان شاؤول (یا طالوت) و داوود علیه السلام را برای شما انتخاب می کنم. داوود علیه السلام پیامبری از پیامبران خدا و برتر از طالوت می باشد، با این حال داوود در ابتدا، سربازی در سپاه طالوت علیه السلام بود و از دستورات وی پیروی می کرد و تابع وی بود؛ چرا که طالوت علیه السلام (شاؤول) پادشاهی بود که از جانب خداوند سبحان و متعال برگزیده شده بود. داوود علیه السلام جالوت (جلیات) که لعنت خدا بر او باد را وقتی سربازی از سربازان طالوت بود به هلاکت رسانید. ساموئیل اول، اصحاب ۱۷ را در تورات و داستان طالوت در قرآن کریم را بخوان. اما از انجیل یا عهد جدید، برای شما داستان عیسی علیه السلام و یحیی علیه السلام (یا یوحنا) را انتخاب می کنم. عیسی علیه السلام برتر از یحیی علیه السلام بود ولی با این حال عیسی علیه السلام آمد تا از یوحنا یا یحیی علیه السلام غسل تعمید بگیرد. این عمل، تمثیلی از تقدیس و تطهیر و تزکیه می باشد و در این مقام، یحیی علیه السلام (یوحنا) تمثیل حجت الهی بر عیسی علیه السلام می باشد. در انجیل متی اصحاب سوم آمده است: «هنگامی که یسوع از جلیل به اردن به سوی یوحنا آمد تا از او تعمید یابد ۱۳ یوحنا در حالی که می گفت «من باید از شما تعمید یابم و حال آنکه شما به سوی من می آید؟!» او را منع نمود ۱۴ یسوع پاسخ داد و به او گفت: گوش فرا گیر؛ اکنون شایسته است که ما تمام نیکی را به کمال برسانیم. پس در این هنگام به او اجازه داد ۱۵ هنگامی که عیسی تعمید یافت فوراً از آب بیرون آمد و در ساعت، آسمان برای او گشوده شد؛ پس دید که روح خدا چونان کبوتری فرود و به سویش آمد ۱۶»^۱

در هر دو مورد، داوود و عیسی علیه السلام از یحیی و طالوت علیه السلام برتر بودند. والحمد لله وحده.

اصحاح الصغیر

پرسش ۴: مفهوم عبارت: «اما خمس، برای شیعیان ما مباح شد....»
 اما در رابطه با خمس که بر شیعه های ما تا روز ظهور مباح شد؛ چگونه بفهمم این عبارت شریف از آقا و مولایمان امام زمان علیه السلام است؟

علاء رزاق - ۱۳ ربیع الأول ۱۴۲۶ هـ ق^۱

پاسخ:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ، وَالصَّلٰوةِ لِلرَّبِّ الْعَالِیْنِ

تا فرزندانشان سالم و پاک بمانند، و انصار ایشان از فرزندان حلال می‌باشند نه حرام که اگر نطفه و جسمشان از مال حرام پرورش یابند، مورد غضب خلیفه‌ی خدا در زمینش خواهند بود. خمس، مال خاص (امام) است؛ پس صاحبش می‌تواند آن را هر جا که بخواهد، مصرف کند و کسی نمی‌تواند به ایشان معترض شود. صاحب خمس در این زمان، امام مهدی (علیه السلام) و جانشینان او می‌باشند.

اصغر الصغیر

پرسش ۵: منظور از سگ اصحاب کهف چیست؟

ممکن است که بر ایمان توضیح دهید که منظور از سگ اصحاب کهف چیست یا چه کسی است؟ اگر یک سگ عادی است، چرا اسمش چند بار در این قصه آمده و گاهی هم با صیغه‌ی جمع (... پنجمین شان، سگشان بود)^۲ آمده است؟

علاء رزاق - ۸ ربیع الأول ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ، وَالصَّلٰوةِ لِلرَّبِّ الْعَالِیْنِ

به همراه اصحاب کهف (علیهم السلام) یک سگ عادی نیز بود ولی مسأله‌ی مهم خود این سگ نبود بلکه کسی بود که این سگ را هدایت می‌کرد و بر او احاطه داشت و او یک جن به نام قطمیر بود (جن این قدرت را دارد که حیواناتی مثل گربه و سگ را هدایت و راهنمایی کند) و

۱ - دوم اردیبهشت ۱۳۸۴ هـ ش (مترجم).

۲ - خداوند عزوجل می‌فرماید: «سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةٌ رَّابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ رَجْمًا بِالْغَيْبِ وَيَقُولُونَ سَبْعَةٌ وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ بِعَدَّتِهِمْ مَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ فَلَا تَمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاءَ ظَاهِرًا وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِمْ مِنْهُمْ أَحَدًا» (خواهند گفت: سه تن بودند و چهارمیشان، سگشان بود و می‌گویند: پنج تن بودند و ششمیشان، سگشان بود. تیر به تاریکی می‌افکنند و می‌گویند: هفت تن بودند و هشتمیشان سگشان بود. بگو: پروردگار من به تعداد آنها دانایتر است و شمار ایشان را جز اندک کسان، نمی‌دانند. پس تو درباره‌ی آنها جز به ظاهر مجادله مکن و در این خصوص از کسی نظر نخواه)

این جن (قطمیر) خواست از طریق این سگ، توجّه آنان را به وجود و قدرتش برای کمک به آنان بعد از ایمان آوردن به دعوتشان، جلب کند. قطمیر از جمله جن‌هایی است قدرت پر کردن دل‌ها از ترس و لرزاندن قلب‌های شجاعان را دارند. خداوند متعال می‌فرماید: «وَكَلِّبَهُمْ بِاسِطٍ ذِرَاعِيهِ بِالْوَصِيدِ لَوِ اطَّلَعْتَ عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتَ مِنْهُمْ فِرَارًا وَ لَمَلِيتَ مِنْهُمْ رَعْبًا»^۱ (و سگشان بر درگاه غار، دو دستش را دراز کرده بود. اگر سر وقتشان می رفتی گریزان بازمی گشتی و از آنها سخت می ترسیدی) و آن که قلب‌های کسانی که نزدیکشان می شد را آکنده از ترس و وحشت می کرد، همین جن (قطمیر) بود که حراست آنها را بر عهده داشت و قطمیر یکی از یاران قائم (علیه السلام) می باشد.^۲

اصغر الصنع

پرسش ۶: تفسیر روای رسیدن به حضور امیر المومنین (علیه السلام)

از توجّه شما به انسان گمراهی مثل خودم که به دنبال امامش هست ولی خودخواهی و حبّ دنیا مانعش می شود، بسیار سپاسگزارم. رؤیایی دیدم که مایلم با شما در میان بگذارم و تصوّر می کنم درباره‌ی موضوع سید احمد الحسن باشد. یک سال پیش من و گروهی از دوستانم درباره‌ی موضوع سید احمد الحسن و میزان

۱ - کهف: ۱۸.

۲ - سبحان الله از یمانی آل محمد (علیهم السلام) درباره‌ی سگ اصحاب کهف همان سؤالی پرسیده شد که از جدّش امیر المؤمنین (علیه السلام) پرسیده شد. گروهی از اخبار یهود نزد عمر بن خطاب رفتند و به او گفتند: «ای عمر، تو ولی امر بعد از محمد (صلی الله علیه و آله) و یار او هستی» و سؤالاتی از عمر پرسیدند. او سرش را پایین انداخت و پاسخ نگفت. پس گفتند: شهادت می دهیم که محمد پیامبر نبود و اسلام باطل است. سلمان فارسی ناگهان به سمت یهودیان رفت و به ایشان گفت که کمی صبر کنند. سپس نزد ابو الحسن علی بن ابی طالب (علیه السلام) رفت و آنها از او از بزرگ‌ترین امور سؤال کردند که از جمله، سگ اصحاب کهف بود. شیخ امینی در الغدير در ضمن حدیثی طولانی روایت می کند: یهودی ناگهان ایستاد و گفت: ای علی، اگر تو عالم هستی به ما بگو رنگ و نام سگ چیست؟ فرمود: «ای برادر یهودی، حییم (علیه السلام) محمد مرا باخبر کرد که سگ، ابلق تیره و نامش قطمیر بود. فرمود: هنگامی که جوان مردان به سگ نگاه کردند، بعضی به بعضی دیگر گفتند: می ترسیم این سگ با آوازش ما را آشکار کند، و شروع به پرتاب کردن سنگ به سوی او کردند. سگ به آنها که به سویش سنگ می انداختند و می خواستند از خود براندش نگاه کرد، روی پاهایش نشست و با زبانی گویا گفت: ای جماعت، مرا از خود نرانید و من شهادت می دهم که خدایی جز الله که یگانه است و شریکی ندارد، وجود ندارد، اجازه دهید شما را در برابر دشمنانتان محافظت کنم و از این طریق به خدای سبحان و متعال نزدیکی جویم. او را رها کردند و اجازه دادند. پس با ایشان از دامنه‌ی کوه بالا رفت و با ایشان بر بالای غار شد». الغدير: ج ۶ ص ۱۵۲.

صحت سخنانش بحث و گفت‌وگو می‌کردیم. در همان شب من در خواب دیدم که خودم و برادرم و دوستم سید غالب، جلوی دربِ مرقد امام علی علیه السلام ایستاده بودیم؛ همان دری که قبل از درِ ضریح مطهر می‌باشد و به ضریح که با نور زیادی احاطه شده بود نگاه می‌کردیم. گویا ما از درِ اول رد شدیم و فقط درِ دوم، مقابل ما باقی مانده بود. این رؤیای من بود و خداوند داناتر است.

علاء رزاق - ۷ ربیع الأول ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ، وَالصَّلٰوةُ لِلرَّبِّ الْعَلِیْمِ
 اِنْ شَاءَ اللّٰهُ کِه چنِیْنِ اسْت.

اصغر اصغری

پرسش ۷: تفسیر رؤیا در مورد پشت بام و باغ سرسبز

یک بار مولا و آقایم امام زمان علیه السلام را در خواب دیدم که از پنجره‌ی اتاق با من صحبت می‌کرد؛ در حالی که من داخل اتاق بودم. به من فرمود: من بسیار نزدیک هستم. سپس به خانه‌ی بزرگی که نزدیک آنجا بود اشاره کرد و گفت: این خانه‌ی من است، اگر به پشت بام (آن خانه) بروی باغ سرسبز بزرگی خواهی دید. سید احمد الحسن، تفسیر این خواب چیست؟ خداوند به شما خیر دهد!

علاء رزاق - ۶ ربیع الأول ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ، وَالصَّلٰوةُ لِلرَّبِّ الْعَلِیْمِ

سرسبز بودن، دین و پشت بام، بالا رفتن در ملکوت آسمان‌ها می‌باشد. این رؤیا یک صورت ساده‌ای هم دارد که پیش روی شما حاضر است: سایت انصار در اینترنت و باغ سرسبز، دانش موجود در این سایت و پشت بام، همان امواج یعنی راه اتصال به اینترنت و پنجره همان پنجره‌ی سایت و خانه‌ی بزرگ نیز خودِ سایت می‌باشد؛ چرا که پنجره در مقایسه با سایت کوچک‌تر است.

اصغر اصغری

پرسش ۸: آیا میوه چیدن آدم علیه السلام روی درخت تأثیر داشت؟

زمانی که حضرت آدم عليه السلام از آن درخت میوه چید آیا آن میوه‌ی چیده شده بر مجموعه تکالیف و واجبات مربوط به این درخت، تأثیری داشت؟
علاء رزاق - ۱۳ ربیع الأول ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والصمد للرب العالمين

آن درخت، درخت علم آل محمد عليهم السلام می‌باشد که خودش تأثیر نمی‌پذیرد ولی آدم عليه السلام از آن درخت سود نبرد؛ چرا که اجازه‌ی چیدن از آن درخت به وی داده نشده بود. خداوند متعال می‌فرماید: « وَ لَقَدْ عٰهَدْنَا اِلٰى اٰدَمَ مِنْ قَبْلِ فَنَسٰى وَ لَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا ^۱ (و ما پیش از این با آدم پیمان بستیم ولی فراموش کرد و او را استوار و ثابت‌قدم نیافتیم). حتی متضرر شد و این ضرر شامل بعضی از نسل آدم عليهم السلام نیز شد: « وَ اِذْ قُلْنَا لِلْمَلٰٓئِكَةِ اسْجُدُوْا لِاٰدَمَ فَسَجَدُوْا اِلَّا اِبْلِيسَ اَبٰى ^۲ (و آنگاه که به فرشتگان گفتیم: آدم را سجده کنید، همه سجده کردند جز ابلیس که سرپیچی نمود).

اصمد للصغ

پرسش ۹: چگونه به عوام ثابت می‌کنی که چنین هستی؟!

بعد از سلام.... می‌خواهم بدانم شما چطور به مردم ثابت کنی این گونه که اعدا می‌کنی هستی.... و نیز می‌خواهم بدانم که نظر شما درباره‌ی فقه و احکام فقهی چیست؟ آیا احکام فقهی شما همان احکامی هستند که فقهای موجود صادر کنند یا فرق دارد و اگر فرق می‌کند مثالی در این مورد بنویسید. با سپاس و تشکر.

صادق - فرق لیسانس علوم دینی - ۲۵ صفر ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والصمد للرب العالمين

من ثابت می‌کنم که چنین هستم همان طور که نوح عليه السلام، هود عليه السلام و محمد عليه السلام ثابت کردند که چنان هستند. اما در رابطه با فقه، شما باید بررسی و من جواب را برایتان می‌فرستم.

اصمد للصغ

پرسش ۱۰: چگونگی عمل به علم حروف

سلام علیکم و رحمت اللہ وبرکاتہ

خداوند شما را برای خدمت به دین حنیف اسلام و سنت رسول اکرم ﷺ و خاندان پاک و معصوم آن حضرت از هر گناه و معصیتی مصون دارد. خداوند شما را برای خدمت به مولایمان صاحب الزمان (علیه السلام) حفظ کند و ما و شما را از یاران و خادمان آن حضرت قرار دهد! سؤال ما از جناب سید گران قدر درباره‌ی علم گران سنگ حروف و تفصیل نحوه‌ی عمل به آن می‌باشد. از نعمت‌هایی که خداوند به شما داده است، نیاز مردم به شما است. خداوند شما را با عزت و وقار حفظ فرماید.

صفا الدیبسی - ۲۴ ربیع الأول ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم اللہ الرحمن الرحیم، والحمد لله رب العالمین

پاسخ برخی از سؤال‌هایت در کتاب تفسیر سوره‌ی توحید که اگر عمری باشد انشاء الله به زودی منتشر خواهد شد، موجود می‌باشد، و همه‌ی امور از ابتدا تا انتها به دست خداوند است. شاید خداوند سبحان و متعال توفیقم داد تا در آینده کتابی درباره‌ی علم حروف منتشر کنم، انشاء الله.

صدر الصغیر

پرسش ۱۱: آیا زمان مرگتان را می‌دانید؟

با سلام و تحیات پاک...

سرور من، آیا زمان مرگتان را به واسطه‌ی امام خود می‌دانید؟

Reta Jorj - زن مسیحی - ۲۵ ربیع الأول ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم اللہ الرحمن الرحیم، والحمد لله رب العالمین

علامت‌ها و نشانه‌هایی را می‌شناسم که اگر آنها را ببینم زمان نزدیک شدن بازگشتم به سوی خدای سبحان و متعال را خواهم دانست.

اصغر الصنع

پرسش ۱۲: ویژگی‌هایی که شما را شایسته‌ی این مهم نموده، کدام است؟

به سید بزرگوار احمد الحسن

با عرض سلام و تحیات پاک...

ویژگی‌هایی که شما را شایسته‌ی این مأموریت کرده یا ویژگی‌هایی که شما را از دیگر فرزندان شیعه متمایز ساخته است تا مهدی علیه السلام شما را برای جانشینی و نمایندگی خود انتخاب کند کدام‌ها هستند؟ با سپاس.

Reta Jorj - زن مسیحی - ۲۵ ربیع الأول ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

زمانی که خداوند با موسی علیه السلام سخن گفت، به او فرمود: هر وقت به مناجات آمدی با خودت کسی را بیاور که تو از او برتر باشی. موسی علیه السلام به هر کسی که برخورد می‌کرد جرأت نمی‌کرد به وی بگوید از او برتر است. پس انسان‌ها را رها کرد و سراغ حیوانات رفت تا اینکه از کنار یک سگ بیمارِ گر گذر کرد. گفت: این را می‌برم. بر گردنش ریسمانی نهاد و آن را به دنبال خود کشید. اندکی از راه را رفته بود که موسی علیه السلام نگاهی به سگ انداخت و گفت: نمی‌دانم تو با کدام زبان خداوند را تسبیح می‌گویی؛ پس چطور می‌توانم از تو برتر باشم؟ موسی علیه السلام سگ را رها کرد و به مناجات رفت. پروردگار فرمود: آنچه به تو امر کردم کجا است؟ موسی علیه السلام فرمود: پروردگارا، نیافتمش! پس پروردگار فرمود: ای پسر عمران، اگر آن سگ را رها نمی‌کردی قطعاً نامت را از دیوان پیامبران محو می‌کردم.
من بنده‌ی حقیر به فکرم خطور نمی‌کند که از سگ مریضی هم برتر باشم؛ چرا که پروردگار رؤوف رحیم مرا از گناه بزرگم در پیشگاهش آگاه ساخته است.

اصغر الصنع

پرسش ۱۳: آیا شما از محتومات هستی؟ و تمثیل کدام شخصیت می‌باشی؟

سید بزرگوار مع... سلام علیکم وورحمه و برکاته

دعوتان را از ابتدای آغاز آن شنیدیم و سعی کردیم شما را ببینیم و در رابطه با دعوتتان با شما در نجف اشرف صحبت کنیم؛ ولی به دلیل حکمتی که خداوند از آن آگاه است، موفق به این کار نشدیم.

سرورم... خداوند با شناخت اهل بیت (علیهم‌السلام) و تلاش برای کسب محبت ایشان (علیهم‌السلام) بر ما منت نهاد. ابتدا فکر می‌کردیم مرجعیت و اجتهاد راه آشکار و درست نزدیک شدن ما به اهل بیت (علیهم‌السلام) و جلب محبت آنان می‌باشد ولی خداوند بر ما منت نهاد و ما را از ناراستی و میزان ناشایستگی آن و خیانت آنها علیه ایشان (علیهم‌السلام) آگاه نمود. هر چه در این راه سیر کردیم، خود را دورتر از حق یافتیم (سرعت حرکت کردن، جز به دوری نمی‌افزود). پس سپاس خداوندی را که این شناخت را تقریباً پنج یا شش سال پیش ارزانی‌مان داشت و از آن زمان به دنبال چیزی می‌گردیم که ما را متحد کند و اساس کیان ما را که با نیت تقرب به سوی خداوند ویرانش کرده بودیم از نو بنیان کند؛ پس از آن که آن را آکنده از بت‌ها و راه‌های شیطانی یافتیم! پس حمد و ستایش مخصوص خداوند است و شکر از آن او.

آقای من! ما قضیه‌ی شما را دنبال کردیم و تقریباً از تمامی چیزهایی که ارایه نمودید اطلاع یافتیم و آشکارا و نهان به سوی شما دعوت کردیم و با تکیه بر اشارات و رؤیاهایی که خداوند با آنها بر ما منت نهاد، مردم را از شما و از حقیقتی که از آن پیروی می‌کنید آگاه ساختیم. سرورم، از اینکه کلام طولانی شد عذرخواهم؛ ولی سؤال‌هایی دارم که پاسخ‌گویی یا پاسخ ندان به آنها به اختیار شما است:

۱ - آیا شما از محتومات (علایم حتمی) هستید یا خیر؟

۲ - اگر شما از محتومات هستید، در قالب کدام شخصیت می‌باشید؟

۳ - آیا شما از شخصیت‌های اول هستید یا دوم؟

۴ - آقای من در احادیث آمده است که امیرالمؤمنین، امام حسین و سایر ائمه (علیهم‌السلام) به دنیا برمی‌گردند؛ آیا رجعت توسط خود امامان صورت می‌گیرد یا در قالب شخصیت‌های دیگر؟ و اگر رجعت در قالب شخص دیگر است شما بیانگر کدام شخص معصوم هستید؟ سپاس گزارم. فهمی صالح - ۲۷ ربیع الأول ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

۱، ۲، ۳ و ۴: من، بنده‌ی حقیر بی‌ارزش ذلیل کم‌عمل با گناهان بسیار، خود را گناهی

بزرگ در پیشگاه پروردگار رؤوف رحیم می‌بینم. پدرم و آقایم محمد بن الحسن المهدی علیه السلام به من دستور داده‌اند که این سخنان را بگویم: «من سنگی در دست امیرالمؤمنین علی علیه السلام هستم؛ روزی آن را انداخت تا به وسیله‌ی آن کشتی نوح علیه السلام را هدایت کند، و بار دیگر برای نجات ابراهیم علیه السلام از آتش نمرود و بار دیگر برای نجات یونس علیه السلام از شکم نهنگ، و موسی علیه السلام به وسیله‌ی آن در کوه طور با خداوند سخن گفت و آن را عصایی قرار داد تا دریاها را شکافت و زرهی برای داوود علیه السلام و در جنگ احد آن زره‌پوش را به تن کرد و در جنگ صفین آن را پیچید و مخفی نمود».

صدر الصحن

پرشش ۱۴: سخن خداوند متعال: «و اذ قال موسى لقومه... التواب الرحيم»

بسم الله الرحمن الرحيم: «وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجَلِ فَتُوبُوا إِلَيَّ بَارئِكُمْ فَأَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ عِنْدَ بَارئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» (و آن هنگام را که موسی به قوم خود گفت: ای قوم من، شما به آن سبب که گوساله را پرستیدید، بر خود ستم روا داشتید. اینک به درگاه آفریدگارتان توبه کنید و یکدیگر را بکشید، که چنین کاری نزد آفریدگارتان ستوده‌تر است. پس خدا توبه‌ی شما را پذیرفت؛ زیرا او توبه‌پذیر و مهربان است).

به جناب سید احمد الحسن، وصی و فرستاده‌ی امام مهدی علیه السلام سلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

من یک شهروند مسلمان شیعه هستم که دعوتتان را شنیدم و وقت زیادی صرف دعوت شما کردم؛ نه از این رو که به دعوت شما یا به خود شما ایمان دارم بلکه از این جهت که شاید خداوند سبحان دیدارم با امام زمان را به دست شما مقرر فرماید. ای سرورم، من از عبادت بت‌های انسانی یعنی کسانی که خودشان را مراجع عظام می‌نامند در حالی که استخوان‌های پوسیده‌ای بیش نیستند، خسته شدم و چقدر خوشحال شدم وقتی بیانات شما را شنیدم و اینکه شما آن بت‌هایی را که بر صدر امت یعنی امت محمد صلی الله علیه و آله تکیه زده‌اند را از بین خواهید برد. چیزی که من از شما می‌خواهم این است که اگر شما از ذریه‌ی رسول اکرم صلی الله علیه و آله هستید به حق جدّت مرا به دیدار امام زمان علیه السلام دعا کنید؛ حتی اگر در خواب نایل شوم.

سرورم، من به خاطر دروی ایشان از ما، یا بهتر بگویم به خاطر دوری‌ام از ایشان بسیار ناراحت و نگرانم و هیچ چیز جز دیدارم با ایشان علیه السلام برایم مهم نیست. می‌خواهم کسی باشم که مورد پسند خداوند و رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌باشد. از اینکه وقتتان را گرفتم بسیار متأسفم ولی من شما را نور امیدی می‌بینم که از دور می‌درخشید، با سپاس. سلام بر شما... برادر دینی شما... ابو مریم.

توجه: اگر قرار است جوابی به این نامه داده شود می‌خواهم که خود سید احمد الحسن جواب دهد نه انصار وی؛ و تصور نمی‌کنم از پاسخ دادن به آن صرف نظر کنند زیرا این نامه متوجه خود ایشان می‌باشد.

ابو مریم - ۲۳ ربیع الأول ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

برادر، ابو مریم... من و پناه می‌برم به خدا از منیت، بنده‌ی فقیر مسکین درمانده در پیشگاه پروردگارش، به خداوند پناه می‌برم.

شما و همه‌ی کسانی که در جست‌وجوی حق هستند را دعوت می‌کنم به اینکه مثل ابراهیم علیه السلام تبری بردارند و همه‌ی بت‌هایی را که به جای خداوند پرستیده می‌شوند، نابود کنند؛ از جمله بتی که در بین دو پهلوی شما قرار دارد که همان منیت می‌باشد. بسیار خداوند را یاد کنید و بدان، هر قدر خداوند را یاد کنید باز هم از غافلین می‌باشی تا ولی خدا را پیروی کنی و از سجده‌کننده‌ها باشی.

میل به دنیا را کم کن و بدان که هر قدر زهد پیشه کنی باز هم طمع‌ی به دنیا هست تا اینکه از آن گردنه عبور کنی و خود را از آتش دنیا و آخرت، رهایی بخشی.

ابان بن تغلب می‌گوید: به ابو عبد الله علیه السلام عرض کردم: فدایتان شوم، معنای آیه‌ی: «فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ» (و از آن گردنه عبور نکرد) چیست؟ ایشان علیه السلام فرمودند: «کسی که خداوند او را به ولایت ما گرامی بدارد از این گردنه عبور می‌کند. ما همان گردنه‌ای هستیم که هر کس بتواند از آن بگذرد نجات یافته است». ابان می‌گوید: سکوت کرد و بعد به من فرمود: «آیا سخنی را به تو بیاموزم که از دنیا و هر آنچه در آن است برایتان ارزشمندتر و بهتر است؟». گفتم: بله فدایتان کردم. ایشان علیه السلام فرمودند: «خداوند فرموده است: «فَكُ رَقَبَةً» (آزاد کردن بنده‌ای)» سپس فرمود: «همه‌ی مردم برده و بنده‌ی آتش‌اند غیر از تو و یارانت؛ چرا که خداوند شما را به خاطر

ولایت ما اهل بیت علیهم السلام از آتش جهنم رها ساخته است»^۱ و عیسی علیه السلام فرمود: «خوش به حال کسی که علیه من بر نمی خیزد».

خودت را در پیشگاه پروردگارت قربانی کن تا امروز و فردا به جامی برسی که پس از نوشیدن آن، دیگر هرگز تشنه نخواهی شد. بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ * فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَ انْحَرْ * إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» (ما کوثر را به تو عطا کردیم * پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن * که بدخواه تو، خود، ابتر است). امام رضا علیه السلام فرمود: «از پدرم موسی بن جعفر شنیدم که فرمود: از پدرم جعفر بن محمد شنیدم که فرمود: از پدرم محمد بن علی شنیدم که فرمود: از پدرم علی بن حسین شنیدم که فرمود: از پدرم حسین بن علی شنیدم که فرمود: از پدرم علی بن ابی طالب علیه السلام شنیدم که فرمود: شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: شنیدم خداوند عزوجل می فرماید: لا اله الا الله دژ و قلعه‌ی استوار من است، هر کس وارد این قلعه شود از عذاب من در امان خواهد بود». هنگامی که شتر به راه افتاد، امام رضا علیه السلام به ما فرمود: «با شرایطی، و من از شرایط آن هستم».

و حق را به شما می گویم: و من از شرایط آن هستم.

به نام امام مهدی علیه السلام به سوی شما آمده‌ام و خواهان اراده و خواست خود نیستم بلکه خواهان اراده و خواست کسی هستم که مرا فرستاده است... پس کسی که مرا قبول نکند، پدری که مرا فرستاده را قبول نکرده است، و حقیقت این است: کسی که پسر را اکرام نکند پدری که او را فرستاده اکرام نکرده است.

از شما به خداوند شکایت نخواهم کرد بلکه جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله از شما شکایت خواهد کرد؛ چرا که او مرا در وصیت خود ذکر کرده است و اسم و نسب و ویژگی‌هایم را بیان فرموده است.

پدرانم ائمه علیهم السلام از شما شکایت خواهند کرد چون آنها مرا به اسم، نسب، خصوصیات و محل سکونتم ذکر کرده‌اند.

خون امام حسین علیه السلام که در کربلا که به خاطر خداوند و برای پدرم علیه السلام و به خاطر من جاری شد، از شما شکایت خواهد کرد.

و اشعیا، ارمیا، دانیال و یوحنا ی بربری علیهم السلام از شما شکایت خواهند کرد؛ چرا که آنها

موضوع مرا از سال‌های طولانی پیش از این، برای اهل زمین روشن کرده‌اند. با همه‌ی اینها باز شما مرا تنها می‌گذارید؟!

من خواهان زندگی و نجات شما هستم، پس به خاطر خودتان مرا یاری کنید. خوش به حال کسی که خود را قربانی پروردگارش کند و خوش به حال کسی که علیه من برنخیزد و خوش به حال غریب‌های دیوانه از دید اهل زمین، که در پیشگاه اهل آسمان، عاقلان‌اند. اگر می‌خواهی امام زمان (علیه السلام) را رؤیت کنی، چهل شب بعد از نیمه شب این دعا را بخوان:

بسم الله الرحمن الرحيم

اللَّهُمَّ أَنْتَ دَلِيلُ الْمُتَحِيرِينَ وَ مَفْرَعُ الْمَكْرُوبِينَ وَ غِيَاثُ الْمُسْتَعِيثِينَ مَا لِي إِلَهَ غَيْرَكَ فَأَدْعُوكَ وَ لَا شَرِيكَ لَكَ فَأَرْجُوهُ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي فَرْجًا وَ اِهْدِنِي لِأَقْرَبِ مِنْ هَذَا رَشِيدًا قَرَعْتُ بَابَكَ وَ أَنْجَيْتَ رَجُلِي بِسَاحَةِ فُؤَادِكَ وَ جَنَابِكَ طَالِبًا شَهَادَتِكَ وَ أَنَا الْعَبْدُ الْخَسِيسُ الدَّلِيلُ وَ أَنْتَ الرَّبُّ الْعَزِيزُ الْجَلِيلُ ، بَيْنَ لِي أَمْرُ أَحْمَدَ الْحَسَنِ بِأَوْصَحِ بَيَانٍ وَ أَفْصَحِ لِسَانٍ قَانَ كَانُ وَلِيكَ صِدْقُهُ وَ بَايَعْتَهُ وَ نَصَرْتَهُ وَ إِنْ كَانُ عَدُوُّكَ كَذَّبْتَهُ وَ حَارَبْتَهُ يَا مَنْ أَوْحَى لِلْحَوَارِيِّينَ وَ شَهِدَ لَهُمْ بِأَنَّ عِيسَى - عَلَيْهِ السَّلَامُ - رَسُولُهُ «وَإِذْ أَوْحَيْتُ إِلَى الْحَوَارِيِّينَ أَنْ آمِنُوا بِي وَ بِرَسُولِي قَالُوا آمَنَّا وَ اشْهَدْ بِأَنَّنَا مُسْلِمُونَ»^۱ ، اشْهَدْ لِي وَ بَيْنَ لِي هَذَا الْأَمْرُ فَقَدْ شَهِدَ شَعْرِي وَ بَشْرِي وَ لَحْمِي وَ دَمِي وَ عَظْمِي وَ مَا أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنِّي وَ رُوحِي إِنَّ شَهَادَتَكَ أَكْبَرُ شَهَادَةٍ «قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ»^۲ ، يَا مَنْ عَرَضَ نَفْسَهُ لِلْكَافِرِينَ بِرِسَالَةِ مُحَمَّدٍ ﷺ شَاهِدًا فَقَالَ «وَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ»^۳ ، «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنْ افْتَرَيْتُهُ فَلَا تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللَّهِ شَيْئًا هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِ كَفَى بِهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ هُوَ الْعَفْوَورُ الرَّحِيمُ»^۴ ، «قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا»^۵ ، فَزَهْدُوا بِشَهَادَتِكَ، اشْهَدْ لِي يَا رَبِّ فَإِنِّي لَا أَرْهَدُ بِشَهَادَتِكَ، وَ اشْهَدْ أَنَّ الرَّؤْيَا حَقٌّ مِنْ عِنْدِكَ وَ طَلَاتِعٌ وَ حَيَاةٌ وَ كَلِمَاتِكَ الَّتِي تَقْضَلَّتْ بِهَا عَلَى الْعَالَمِينَ يَا مَنْ مَدَحَ إِبْرَاهِيمَ وَ جَعَلَ النَّبُوَّةَ فِي ذُرِّيَّتِهِ لِأَنَّهُ صَدَّقَ الرَّؤْيَا فَقُلْتَ سُبْحَانَكَ «وَ نَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ * قَدْ صَدَّقْتَ الرَّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ»^۶ ، وَ مَدَحْتَ مَرْيَمَ فَقُلْتَ «وَ مَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ

۱ - مائده: ۱۱۱.

۲ - انعام: ۱۹.

۳ - رعد: ۴۳.

۴ - احقاف: ۸.

۵ - اسراء: ۹۶.

۶ - صافات: ۱۰۴ و ۱۰۵.

فَرَجَهَا فَفَقَّحْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَ صَدَقْتَ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا»^۱، يَا مَنْ خَاطَبَ مُحَمَّدٌ ﷺ فَقَالَ «نَحْنُ نَقْصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ مَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ وَ إِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الْعَافِلِينَ * إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ»^۲، فَسَمَّيْتَ الرَّؤْيَا أَحْسَنَ الْقَصَصِ فِي كِتَابِكَ الْكَرِيمِ وَ مَدَحْتَ مَنْ صَدَقَ بِهَا مِنْ أَوْلِيَائِكَ وَ أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ دَمَمْتَ مَنْ كَذَّبَ بِهَا وَ سَمَّاهَا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ فَقُلْتَ وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ «افْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُعْرِضُونَ * مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرِ مِنْ رَبِّهِمْ مُحَدَّثٌ إِلَّا اسْتَمَعُوهُ وَهُمْ يَلْعَبُونَ * لَاهِيَةً فُلُوبُهُمْ وَ أَسْرُوا النَّجْوَى الَّذِينَ ظَلَمُوا هَلْ هَذَا إِلَّا بَشْرٌ مِثْلُكُمْ أَفَتَأْتُونَ السَّحْرَ وَأَنْتُمْ تُبْصِرُونَ * قَالَ رَبِّي يَعْلَمُ الْقَوْلَ فِي السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ * بَلْ قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ بَلْ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأَوْلُونَ»^۳، وَ قَالَ مَلَأَ فِرْعَوْنَ وَ زبَانِيَّتِهِ «أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَامِ بِعَالِمِينَ»^۴، وَ صَدَقَ يُوسُفُ بِالرُّؤْيَا وَ أَوْلَهَا قَمَدَحَتَهُ وَ قُلْتَ سُبْحَانَكَ «يُوسُفُ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ»^۵، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي كَأَوْلِيَائِكَ وَ أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ أَصْدَقِ بِالرُّؤْيَا طَلَائِعَ وَحْيِكَ وَ كَلِمَاتِكَ الَّتِي تَقْضَلْتُ بِهَا عَلَى الْعَالَمِينَ وَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ فِي كِتَابِكَ وَ لَا أَخْلُفُ وَعْدَكَ.

ثم تقول: اَعْثِنِي يَا رَبِّ بِحَقِّ فَاطِمَةَ، اِرْحَمْنِي يَا رَبِّ بِحَقِّ فَاطِمَةَ، اِهْدِنِي يَا رَبِّ بِحَقِّ فَاطِمَةَ

به نام خداوند بخشاینده‌ی بخشایش‌گر

خداوند!! تویی راهنمای سرگستگان و پناهگاه درمندان و یاری‌گر یاری‌طلبان، جز تو خدای من ندارم که بخوانمش و هیچ شریکی نداری که چشم امید به او داشته باشم، بر محمد و آل محمد درود فرست و گشایشی برای مشکل من فراهم فرما و مرا به نزدیک‌ترین راه رشد هدایت فرما، درب سرای تو را کوبیدم و بازم را مقابل ساحت مقدس تو و در جنب تو بر زمین گذاشتم در حالی که خواهان گواهی و شهادت تو می‌باشم. من بنده‌ی خوارِ ذلیل هستم و تو پروردگار عزیز بزرگوار. مسأله‌ی احمد الحسن را برای من با واضح‌ترین بیان و گویاترین زبان، روشن فرما؛ که اگر از اولیای تو باشی او را تصدیق و با او بیعت و او را یاری می‌کنم ولی اگر دشمن تو باشی او را تکذیب می‌کنم و با او می‌جنگم. ای کسی که به حواریون وحی فرمود و برای آنها گواهی داد که عیسی علیه السلام فرستاده‌اش است: «و به حواریون وحی کردم: به من و به پیامبر من ایمان بیاورید. گفتند: ایمان آوردیم، گواه باشی که ما تسلیم‌شدگانیم.» برای من هم گواهی ده و این مسأله را برایم روشن فرما،

۱ - تحریر: ۱۲.

۲ - یوسف: ۳ و ۴.

۳ - انبیاء: ۱ تا ۵.

۴ - یوسف: ۴۴.

۵ - یوسف: ۶۴.

پوست و مو و گوشت و خون و استخوانم و هر چه از روح و جسم من در زمین هست، شهادت می‌دهد که گواهی تو بزرگ‌ترین گواهی است: «بگو: شهادت چه کسی از هر شهادتی بزرگ‌تر است؟ بگو: خدا میان من و شما شهادت می‌دهد». ای کسی که خودش را برای کافرین برای رسالت محمد ﷺ شاهد قرار داد و فرمود: «و کافران می‌گویند که تو پیامبر نیستی. بگو: خدا برای شهادت میان من و شما کافی است»، «یا می‌گویند: این کتاب، دروغی است که خود بافته است. بگو: اگر من آن را چون دروغی به هم بافته باشم، شما نمی‌توانید خشم خدا را از من باز دارید. خدا از آن طعن‌ها که به آن می‌زنید آگاه‌تر است و شهادت او میان من و شما کافی است و او است آمرزنده‌ی مهربان»، «بگو شهادت خدا میان من و شما کافی است؛ زیرا او به بندگانش آگاه و بینا است؛ آنها گواهی تو را نادیده گرفتند. پروردگارا، به من گواهی ده که من گواه و شهادت تو را نادیده نمی‌گیرم و گواهی می‌دهم که رؤیا، واقعیت و حقی است از جانب تو و نشانه‌های وحیت و کلماتی است که بر جهانیان تفضل فرمودی. ای کسی که ابراهیم (علیه السلام) را مدح کردی و پیامبری را در نسل ایشان قرار دادی؛ چرا که ایشان رؤیا را تصدیق نمود و تو خدای سبحان فرمودی: «ما ندایش دادیم: ای ابراهیم * رؤیا را تصدیق کردی و ما این چنین نیکوکاران را پاداش می‌دهیم» و مریم را مدح کردی و فرمودی: «و مریم دختر عمران را که شرمگاه خویش را از زنا نگه داشت و ما از روح خود در آن دمیدیم و او کلمات پروردگارش را تصدیق کرد». ای کسی که محمد ﷺ را خطاب قرار دادی و فرمودی: «با این قرآن که به تو وحی کرده‌ایم، بهترین داستان را برایت حکایت می‌کنیم، که تو پیش از این از بی‌خبران بودی * آنگاه که یوسف به پدرش گفت: ای پدر، در خواب یازده ستاره و خورشید و ماه را دیدم، دیدم که سجده‌ام می‌کنند». پس رؤیا را در کتاب گران‌قدرت بهترین حکایت نامیدی و هر کس از اولیایت و پیامبران و فرستادگانت که رؤیا را باور و تصدیق کرد، مدح فرمودی و کسانی که آن را تکذیب کردند و آن را خواب و خیالی پریشان و بی‌اساس نامیدند، سرزنش نمودی و در حالی که سخن تو حق است، فرمودی: «روز حساب مردم نزدیک شد و آنان همچنان در غفلت روی گردانند * از سوی پروردگارشان برایشان هیچ اندرز تازه‌ای نیامد، جز آنکه آن را شنیدند و سرگرم بازیچه بودند * دل‌های‌شان به لهو خو گرفته است و آن ستمگران سر در گوش یکدیگر نهادند و گفتند: آیا این مرد جز این است که انسانی همانند شما است؟ آیا با آنکه به چشم خود می‌بینید، همچنان از پی جادو می‌روید؟ * گفت: پروردگار من از هر سخنی در آسمان و زمین آگاه است و او شنوا و دانا است * گفتند: نه، خواب‌های پریشان است، یا دروغی است که به هم می‌بافد یا شاعری است؛ پس برای ما از آن گونه که به پیامبران پیشین داده شده بود، معجزه‌ای بیاورد» و فرعون و یارانش گفتند: «اینها خواب‌های آسفته است و ما را به تعبیر این خواب‌ها، آگاهی نیست». یوسف رؤیا را تصدیق و آن را تأویل نمود و تو ای خدای سبحان او را ستودی و فرمودی: «ای یوسف، ای مرد راست‌گوی». خداوند! مرا همانند اولیایت و پیامبران و فرستادگانت قرار ده تا رؤیا که شعاعی از وحیت و کلماتی است که بر جهانیان تفضل فرمودی و آن

را بهترین حکایت در کتابت قرار دادی، باور کنم و عهد و پیمانم را با تو نشکنم و وعدهات را فراموش نکنم.

سپس می‌گویی: پروردگارا! به حق حضرت فاطمه علیها السلام یاریم کن، پروردگارا! به حق حضرت فاطمه علیها السلام به من رحم کن، پروردگارا! به حق حضرت فاطمه علیها السلام مرا هدایت فرما!

اصغر الصنع

پرشش ۱۵: چگونه با دلایل عقلی و نقلی ثابت می‌کنید که شما سفیر پنجم هستید
شما شیعیان معتقدید که سفرای امام زمان چهار نفر هستند و بعد از آن، سفارت قطع شده است. چطور با دلیل عقلی و نقلی از قرآن، تورات و انجیل ثابت می‌کنید که شما سفیر پنجم هستید؟!

Reta Jorz - زن مسیحی - ۲۵ ربیع الأول ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والاصغر للرب العالمين

در تورات دومین سفر پادشاهان اصحاب دوم آمده است: «۱ و چون پروردگار اراده نمود تا ایلیا را در گردباد به آسمان برد... ۸ و ایلیا ردایش را گرفت و آن را پیچاند و آن را به آب زد و آب به این سو و آن سو شکافته شد و هر دویشان به خشکی عبور نمودند ۹ و هنگامی که عبور کردند، ایلیا به یسع گفت: قبل از اینکه از تو گرفته شوم آنچه را می‌خواهی برایت انجام دهم، بخواه. پس یسع گفت: نصیب مضاعف روح تو بر من شود ۱۰ پس ایلیا گفت: درخواست بزرگی طلب نمودی! پس اگر هنگامی که من از نزد تو گرفته می‌شوم، مرا ببینی، برای تو چنین خواهد شد وگرنه نخواهد شد. ۱۱ و چون این دو راه می‌رفتند و صحبت می‌کردند، ناگهان ارابه‌ی آتشین و اسبان نزول کردند و پیشان جدایی انداخت. پس ایلیا در گردباد به آسمان بالا رفت ۱۲ و یسع این صحنه را می‌دید و او فریاد می‌زد: پدر! پدر! ارابه‌ی اسرائیل و سوارانش! و دیگر او را ندیدم...».

این وضعیت پیامبر خدا و فرستاده‌اش ایلیا علیه السلام است که مرفوع می‌باشد و تا حالا نمرده است و در زمین کارهای زیادی را برای خداوند سبحان و تعال انجام می‌دهد؛ ولی ساکنان زمین او را نمی‌بینند، چون کور هستند اگر چه چشمانشان باز است و نیز مانند ایلیا علیه السلام خضر علیه السلام می‌باشد که او نیز مرفوع است و به دستور خداوند سبحان وظایفی در زمین دارد و همچنین عیسی علیه السلام که مرفوع است و اعمالی به امر خداوند سبحان در زمین دارد و امام مهدی علیه السلام محمد بن الحسن علیه السلام که او نیز مرفوع است و به امر خداوند سبحان، وظایفی در

زمین دارد.

در آغاز غیبت عیسی علیه السلام، جانشینان و فرستادگان وی فرستاده شدند تا حقیقتی را که عیسی علیه السلام از جانب خداوند آورده بود تثبیت کند و دین خداوند را روی زمین منتشر نمایند. از جمله‌ی ایشان، «شمعون صفا» یا آن گونه که در انجیل نامیده شده است «سمعان پطرس» و همچنین «یوحنا بربری» که اسمش در انجیل «یوحنا لاهوتی» است، می‌باشند.

سپس رسالت عیسی علیه السلام متوقف شد؛ ولی اینکه مدتی رسالت ایشان متوقف شود به این معنی نیست که تا ابد خاتمه یافته است. هیچ دلیل عقلی و نقلی وجود ندارد که این موضوع را تأیید کند بلکه دلایلی وجود دارد که عکس این قضیه را ثابت می‌نماید؛ از جمله اینکه عیسی علیه السلام هنگام بازگشتش و نزدیک شدن قیامت صغری، کسی را که تمثیلی از او است، ارسال می‌کند؛ که انشاء الله دلیلش را خواهیم آورد.

اما در خصوص امام مهدی علیه السلام سفرای چهارگانه‌اش را در مدت غیبت صغری فرستاد؛ غیبتی که نزدیک هفتاد سال طول کشید. سپس سفارت و ارسال از جانب امام مهدی علیه السلام متوقف شد و در اینجا هم توقف برای مدتی به معنای خاتمه یافتن آن برای همیشه نیست؛ بلکه دلیلی وجود دارد که وقتی قیام امام مهدی علیه السلام نزدیک شود و هنگامه‌ی قیامت صغری برسد، فرستاده‌ای از جانب که خود تمثیلی از او می‌باشد، می‌فرستد، که انشاء الله دلیل را خواهیم آورد.

حال قبل از اینکه دلیل ارسال فرستاده‌ای از سوی ایشان که تمثیلی از این چهار نفر یعنی خضر، ایلیا، عیسی و محمد بن الحسن المهدی علیه السلام باشد را بیاورم، باید ببینیم که آیا مأموریت آنها یکی است یا با هم فرق می‌کند؟

حقیقت این است که مأموریت اینان یکی است و آنها متحد هستند و هیچ اختلافی بین آنها وجود ندارد؛ چرا که پروردگارشان یکی و دینشان نیز یکی است؛ یعنی تسلیم شدن در برابر خداوند سبحان و متعال. همه‌ی آنها به سوی خداوند فرامی‌خوانند و به دستور و فرمان او عمل می‌کنند. حقیقتی که به آن فرا می‌خوانند یکی است و غایت آنها که همان قیامت صغری می‌باشد نیز یکسان است و هدفشان نیز یکی است؛ یعنی نشر عدالت و توحید و بندگی خداوند در روی زمین آن گونه که مورد پسند خداوند سبحان و متعال است. پس اینان متحدند و هیچ اختلافی بینشان نیست، غایت و هدف یکسانی را طلب می‌کنند و پروردگار و

خدایشان نیز، یکی است، پس باید فرستاده‌ی همگی‌شان نیز یکی باشد و در عین حال، او فرستاده‌ای از جانب خداوند نیز می‌باشد؛ چرا که ایشان به فرمان خداوند عمل می‌کنند و نماینده‌ی آنها، نماینده‌ی خداوند و جانشین آنها روی زمین، جانشین خداوند می‌باشد؛ چرا که آنها، جانشینان خداوند در روی زمین می‌باشند.

حال دلایلی را ارایه می‌نماییم که هنگام قیامت صغری و برپایی دولت عدل الهی، آنها فرستاده‌ای را از جانب خود می‌فرستند؛ فقط چند دلیل می‌آوریم و تفصیل مطلب در این مقام نمی‌گنجد.

اول: در قرآن، احادیث پیامبر ﷺ و احادیث ائمه علیهم السلام:

الف - در قرآن:

۱ - خداوند متعال می‌فرماید: «ارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ * يُغشى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ * رَبَّنَا اكشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ * أَتَى لَهُمُ الدَّكْرَى وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِينٌ * ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَ قَالُوا مُعَلِّمٌ مَّجْنُونٌ * إِنَّا كَاشِفُوا الْعَذَابَ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ * يَوْمَ نَبِطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَى إِنَّا مُنتَقِمُونَ»^۱ (چشم انتظار روزی باش که آسمان دودی آشکارا بیاورد * و آن دود مردم را در خود فرو پوشد و این عذابی است دردآور * ای پروردگار ما، این عذاب را از ما دورگردان که ما ایمان آورده‌ایم * کجا پند می‌پذیرند؟ حال آنکه چون فرستاده‌ای روشنگر بر آنها مبعوث شد * سپس از او رویگردان شدند و گفتند: دیوانه‌ای است تعلیم یافته * عذاب را اندکی برمی‌داریم و شما باز به آیین خویش باز می‌گردید * روزی آنها را به صولتی سخت فرو گیریم که ما انتقام گیرنده‌ایم).

این دود، عذابی است و عذاب بعد از فرستاده شدن فرستاده‌ای واقع می‌شود. خداوند متعال می‌فرماید: «وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا»^۲ (و ما هیچ قومی را عذاب نمی‌کنیم تا آنگاه که برایشان فرستاده‌ای بفرستیم).

همچنین این دود یا عذاب، مجازات تکذیب کردن فرستاده‌ای است که برای آنها فرستاده شده در حالی که فرستاده، در میانشان است، همان طور که به وضوح در آیه قرآن مشخص می‌باشد: «ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَ قَالُوا مُعَلِّمٌ مَّجْنُونٌ» (سپس از او رویگردان شدند و گفتند: دیوانه‌ای است تعلیم یافته).

۱ - دخان: ۱۰ تا ۱۶.

۲ - اسراء: ۱۵.

و نیز این دود یا عذاب پس از سایه افکندن، ایمان ساکنان زمین را به این فرستاده آشکار می‌کند همان طور که عذاب بر قوم یونس (علیه السلام) یا یونان سایه افکند.

همچنین این دود یا عذاب، مقارن با قیامت صغری می‌باشد و همان گونه که در آیه واضح است، همان حمله‌ی کوچک (بطشه صغری) می‌باشد و پس از آن چیزی جز حمله‌ی بزرگ (بطشه کبری) و انتقام از ظالمین نخواهد بود.

بنابراین دود (دخان) از نشانه‌های قیام قائم (علیه السلام) که در سخنان ائمه (علیهم السلام) نقل شده است و هم‌زمان با آمدن فرستاده‌ای می‌باشد؛ بلکه به دلیل تکذیب این فرستاده از سوی ساکنان زمین واقع می‌شود. پس عقوبتی برای آنها می‌باشد: «أَنَّى لَهُمُ الذِّكْرَىٰ وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِينٌ» (کجا پند می‌پذیرند؟ حال آنکه چون فرستاده‌ای روشن‌گر بر آنها مبعوث شد).

این فرستاده کیست؟ ارسال‌کننده‌ی این فرستاده کیست؟

۲ - خداوند متعال می‌فرماید: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَسْبَحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ * هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ * وَأَخْرَجَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ * ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» (به نام خدای بخشاینده‌ی مهربان. خدا را تسبیح می‌گویند هر چه در آسمان‌ها و هر چه در زمین است، آن فرمانروای پاک پیروزمند حکیم را * او است خدایی که میان مردمی بی‌کتاب، پیامبری از خودشان مبعوث داشت تا آیاتش را بر آنها بخواند و کتاب و حکمتشان بیاموزد اگر چه پیش از آن در گمراهی آشکار بودند * و بر گروهی دیگر که هنوز به آنها نپیوسته‌اند و پیروزمند حکیم است * این نعمت خداوند است که به هر که خواهد ارزانش دارد و خدا را بخشایشی است بزرگ).

یعنی بر گروهی دیگر که هنوز به آنها نپیوسته‌اند، در بینشان فرستاده‌ای از خودشان خواهد فرستاد تا آیات خداوند را بر آنان بخواند و آنها را پاک سازد و به آنان کتاب الهی و حکمت خداوند را بیاموزد.

به طور قطع امکان ندارد حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) بعد از رحلتش به سوی خداوند آیات خداوند را بر دیگران (نسل‌های بعدی) بخواند، پس باید بعد از او فرستاده‌ای باشد؛ فرستاده‌ای از امیین یعنی ام القرای زمان خودش و این صفات را داشته باشد که آیات خداوند را تلاوت کند و مردم را پاک سازد؛ یعنی آنها را پاکیزه گرداند تا در ملکوت آسمان‌ها نظاره کنند، و به آنها

کتاب و حکمت بیاموزد.

۳ - خداوند می‌فرماید: « وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يَظْلَمُونَ »^۱
(و هر امتی فرستاده‌ای دارد و چون فرستاده‌شان بیامد، کارها میان‌شان به عدالت فیصله یافت و مورد ستم واقع نشدند).

جابر از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند: از تفسیر این آیه پرسیدم: « وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يَظْلَمُونَ ». فرمود: «تفسیر باطنی آن این است که در هر قرنی برای این امت، فرستاده‌ای از خاندان محمد صلی الله علیه و آله به سوی قرنی که او فرستاده‌ی آن است، خروج می‌کند. آنها اولیا و فرستادگان اند و اما این سخن خداوند « إِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ » این است که فرستادگان با قسط و عدالت قضاوت و رهبری می‌کنند و همان‌طور که خداوند می‌فرماید، آنها مورد ظلم واقع نمی‌شوند»^۲.

این موارد به اختصار، کفایت می‌کند و اگر بخواهیم دلایل قرآنی را بر شمریم مطلب به درازا خواهد کشید.

ب - از حضرت محمد صلی الله علیه و آله احادیث زیادی از طریق شیعه و سنی نقل شده است که دلالت بر وجود یک مهدی و قائم قبل از امام مهدی علیه السلام می‌نمایند؛ او با امام زمان در ارتباط است و فرستاده‌ی وی علیه السلام و دست راستش و وصیّش می‌باشد.

وصیّ رسول اکرم صلی الله علیه و آله به این شخص با اسم و صفت هدایت می‌کند؛ اینکه او مهدی اول است، نامش احمد و از نسل امام مهدی علیه السلام می‌باشد.

ائمه علیهم السلام نیز این شخصی که امام مهدی علیه السلام او را می‌فرستد با اسم، محل سکونت و ویژگی‌هایش توصیف کرده‌اند؛ نامش احمد است، از بصره و... و... به جهت اختصار، از نقل احادیث معذورم، برای اطلاعات بیشتر به کتاب‌های منتشر شده‌ی انصار امام مهدی علیه السلام مراجعه کنید مانند «البلاغ المبین»، «الرد الحاسم» و «الرد القاصم» و بعضی از بیانیه‌هایی که در آنها به برخی از این روایات اشاره شده است؛ روایاتی که بزرگان علمای شیعه از صدها سال پیش از رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام روایت می‌کنند و بعضی از این روایات را علمای سنی نیز در کتاب‌هایشان روایت نموده‌اند.

۱ - یونس: ۴۷.

۲ - تفسیر عیاشی: ص ۱۱۹ ؛ بحار الانوار: ج ۲۴ ص ۳۰۶.

دوم: در تورات

۱ - **سِفرِ اِشعیا:** «۲۶ پس پرچمی برای امت‌های دور دست برپا می‌شود و از جای جای زمین برایشان فریاد خواهد زد ۲۷ ناگهان آنان به سرعت می‌آیند در حالی که در میان آنها شخص از پا افتاده‌ای وجود ندارد، نه چرت می‌زند و نه می‌خوابند نه کمربندشان و نه بند کفششان پاره نمی‌شود ۲۸ کسانی که نوک تیرهایشان تیز و سم اسب‌هایشان چون سنگ خارا است و چرخ‌هایشان مثل طوفان شمرده خواهد شد ۲۹ جوانانشان مثل طوفان هستند. مثل بچه شیر می‌غرند و به سرعت شکار خود را به چنگ می‌آورند و به سلامت می‌برند و رهاننده‌ای نخواهد بود ۳۰ و در آن روز بر ایشان چون دریا شورش خواهند کرد...»^۱.

این ویژگی‌ها یعنی نمی‌خوابند و... و... و... خصوصیات اصحاب قائم (علیهم‌السلام) می‌باشد همان گونه که در روایات از آل محمد (علیهم‌السلام) نقل شده است.^۲ حال برپا کننده‌ی پرچم کیست؟ (پرچم را برای امت‌ها برخواهد افراشت)؛ یعنی کسی که از مردم بیعت می‌خواهد و انصار و یاران را برای امام مهدی (علیهم‌السلام) و عیسی و ایلیا و خضر (علیهم‌السلام) گرد خواهد آورد.

اصحاح یازدهم: «۱ و از تنه‌ی یسی شاخه‌ای خارج می‌شود و شاخه‌ای از ریشه‌هایش خواهد شکفت ۲ و روح پروردگار بر او قرار خواهد گرفت، روح حکمت و فهم، روح مشورت و قدرت، روح معرفت و ترس از خداوند ۳ و خوشی او در ترس از پروردگار خواهد بود، صرفاً بر وفق مشاهده‌ی چشمش قضاوت نمی‌کند و موافق سمع گوش‌هایش حکم نمی‌دهد ۴ بلکه مسکینان را با عدالت داوری خواهد کرد و در میان بی‌نویان زمین با انصاف حکم خواهد راند. زمین را با عصای دهانش می‌زند و منافق با نفس لب‌هایش خواهد مرد ۵ کمربند کمرش، عدالت و کمربند میانش، امانت خواهد بود ۶ پس گرج با گوسفندان سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله با شیر... ۹ و در تمام کوه مقدس من، فساد نمی‌کنند و کار زشتی انجام نمی‌دهند زیرا زمین از معرفت پروردگار پر می‌شود همان طور که آب، دریا را می‌پوشاند ۱۰ و در آن روز ریشه‌ی یسی به عنوان پرچمی برای مردم برپا خواهد شد و امت‌ها

۱ - اصحاح پنجم: ۶ تا ۳۰.

۲ - در مورد فضایل یاران قائم (علیهم‌السلام) روایاتی وارد شده است؛ از جمله روایتی که صدوق از ابو بصیر نقل کرده است که گفت: ابو عبدالله (علیهم‌السلام) فرمود: «این سخن لوط به قومش «لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةٌ أَوْ آوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ» (کاش در برابر شما قدرتی می‌داشتم یا می‌توانستم به رکن شدید پناه ببرم) نبود مگر آرزوی او بر داشتن نیروی قائم (علیهم‌السلام) و ذکر بر شدت یاران او؛ هر مردی از ایشان نیروی چهل مرد را خواهد داشت، قلبش از زبردت سخت‌تر است، اگر بر کوه‌های آهن عبور کنند، ریشه‌کن‌شان کنند و شمشیرهای خود را بر زمین نگذارند تا خداوند عزوجل راضی شود» کمال الدین و تمام النعمة: ص ۶۷۳.

فقط او را طلب خواهند کرد و او با جلال خواهد بود»^۱.

تمام این حوادث با قیامت صغری مناسبت دارد و در گذشته اتفاق نیفتاده است و جز در دولت عدالت الهی اتفاق نمی‌افتد.

اما یسّی در تورات شناخته شده است؛ او پدر پیامبر خدا داوود علیه السلام است و مادر امام مهدی علیه السلام از نسل داوود علیه السلام می‌باشد.

داستان آن به صورت کاملاً خلاصه به شرح زیر می‌باشد: «او ملکه‌ای است که جدش قیصر روم می‌باشد. در خواب، عیسی علیه السلام و جانشین وی یعنی شمعون صفا و محمد صلی الله علیه و آله را می‌بیند و حضرت محمد صلی الله علیه و آله او را از حضرت عیسی علیه السلام برای فرزندش امام حسن عسکری علیه السلام خواستگاری می‌کند. عیسی علیه السلام به شمعون صفا (سمعان بطرس) می‌گوید: افتخار بزرگی نصیب شده است؛ چرا که وی (مادر امام زمان علیه السلام) از نوادگان شمعون صفا (سمعان بطرس)، وصی و جانشین عیسی علیه السلام می‌باشد. بعد از این رؤیا، رؤیاهای زیادی می‌بیند، خودش را اسیر می‌کند و معجزه‌های زیادی برایش اتفاق می‌افتد تا به خانه‌ی امام علی هادی علیه السلام می‌رسد و آن حضرت وی را به همسری فرزندش امام حسن عسکری علیه السلام درمی‌آورد و از او امام محمد بن الحسن المهدی علیه السلام متولد می‌شود»^۲.

پس امام مهدی محمد بن الحسن العسکری علیه السلام از ناحیه‌ی مادری جزو نوادگان اسرائیل (یعقوب علیه السلام) و از ناحیه‌ی پدری از نوادگان محمد صلی الله علیه و آله به شمار می‌رود.

پس اینکه حضرت مهدی علیه السلام شاخه‌ای از تنه‌ی یسّی است، بر او صدق می‌کند.

همان گونه که این مورد بر مهدی اول از مهدیون دوازده‌گانه نیز صدق می‌کند؛ چرا که او نیز شاخه‌ای است که از شاخه‌ای از تنه‌ی یسّی بیرون می‌آید؛ چرا که او از نسل امام مهدی علیه السلام است.

مهدی اول که طبق روایات رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام نامش احمد است، فرستاده‌ی امام مهدی علیه السلام و وصی و نیز دست راست وی می‌باشد و اولین کسی است که در آغاز ظهورش، قبل از اینکه با شمشیر قیام کند به وی ایمان می‌آورد. به جهت اختصار، به این مقدار بسنده

۱ - اصحاح یازدهم: ۱ تا ۱۰.

۲ - رجوع نمایید به کمال الدین: ص ۴۱۷ باب «آنچه درباره‌ی سیده نرجس مادر قائم علیه السلام روایت شده است».

می‌کنم. اگر خواستار توضیحات بیشتر هستی به تورات سفر اشعیا، اصحاح‌های سیزدهم، چهل و دوم، چهل و سوم، چهل و چهارم، چل و نهم، شصت و سوم، شصت و پنجم و شصت و ششم مراجعه نما و در آنها به خوبی تدبّر کن.

۲ - سفر دانیال اصحاح دوم: «... ۳۱ ای پادشاه تو در خواب مجسمه‌ی بزرگی دیدی... ۳۴ وقتی تو به آن نگاه می‌کردی، سنگی بدون این که کسی به آن دست بزند، به پای‌های گلی و آهنین آن مجسمه اصابت کرد و آن مجسمه را درهم شکست. ۳۵ آن‌گاه آهن، گل، برنج، نقره و طلا همه با هم خرد شدند و باد ذرات آن را همچون گرد و غباری که در تابستان از کاه خرمن برمی‌خیزد چنان پراکند که دیگر اثری از آن بر جای نماند. اما آن سنگی که به مجسمه برخورد کرد آن قدر بزرگ شد که مانند کوه بزرگی گردید و سراسر روی زمین را پوشانید...»^۱.

این سنگی که حکومت طاغوت و شیطان را از بین می‌برد، فرستاده‌ای از سوی امام مهدی علیه السلام و عیسی و ایلیا و خضر علیهم السلام می‌باشد.

اصحاح هفتم: «۲» دانیال پاسخ داد و گفت: شبگاهان در عالم رؤیا دیدم که ناگاه چهار باد آسمان بر دریای عظیم تاختند ۳ و چهار حیوان بزرگ که با هم فرق داشتند از دریا بیرون آمدند ۴ اولین آنها مثل شیر بود و بال‌های عقاب داشت و من نظر کردم تا بال‌هایش کنده شد و بر زمین برخاست و بر پایهای خود مثل انسان قرار گرفت و قلب انسان به او داده شد ۵ و اینک حیوان دوم مثل خرس بود و بر یک طرف خود بلند شد و در دهانش در میان دندان‌هایش سه دنده بود و وی را چنین گفتند: برخیز و گوشت بسیار بخور ۶ بعد از آن نگریستم و اینک مثل پلنگ بود که بر پشتش چهار بال پرند داشت و این حیوان وحشی چهار سر داشت و سلطنت به او داده شد ۷ بعد از آن در رؤیاهای شب نظر کردم و اینک وحش چهارم که هولناک و مهیب و بسیار زورآور بود و دندان‌های بزرگ آهنین داشت و باقی‌مانده را می‌خورد و پاره پاره می‌کرد و با پایهای پامال می‌نمود و با همه‌ی وحوشی که قبل از او بودند، فرق داشت و او ده شاخ داشت ۸ پس در این شاخ‌ها تأمل می‌نمودم که اینک از میان آنها شاخ کوچک دیگری برآمد و پیش رویش سه شاخ از آن شاخ‌های اول از ریشه کنده شد و اینک این شاخ، چشمانی مانند چشم انسان و دهانی که به سخنان تکبرآمیز متکلم بود، داشت ۹ و نظر می‌کردم تا کرسی‌ها برقرار شد و قدیم‌الایام جلوس فرمود. لباسش مثل برف سفید و موی سرش مثل پشم پاک و عرش او شعله‌های آتش و چرخ‌های آتش ملتهب بود ۱۰ نهری از آتش جاری شده، از پیش روی او بیرون آمد. هزاران هزار او را خدمت می‌کردند و کروورها کروور به حضور وی ایستاده بودند. دیوان برپا شد و دفترها گشوده گردید ۱۱ آنگاه نظر کردم به سبب سخنان تکبرآمیزی که آن شاخ می‌گفت. پس نگریستم تا آن وحش کشته شد و جسد او

هلاک گردیده، به آتش مشتعل تسلیم شد ۱۲ اما سایر وحوش، سلطنت از ایشان گرفته شد، لکن درازی عمر به ایشان داده شد، تا زمانی و وقتی ۱۳ در رؤیای شب نگریستم و اینک مثل پسر انسان با ابرهای آسمان آمد و نزد قدیم الایام رسید و او را به حضور وی آوردند ۱۴ و سلطنت و جلال و ملکوت به او داده شد تا جمیع قومها و امتها و زبانها او را خدمت نمایند. سلطنت او سلطنت جاودانی و بی‌زوال است و ملکوت او زایل نخواهد شد ۱۵ اما روح من دانیال در جسد مدهوش شد و رؤیاهای سرم مرا مضطرب ساخت ۱۶ و به یکی از حاضرین نزدیک شده، حقیقت این همه امور را از وی پرسیدم. او به من تکلم نموده، تفسیر امور را برایم بیان کرد ۱۷ که این وحوش عظیمی که عدد ایشان چهار است، چهار پادشاه می‌باشند که از زمین خواهند برخاست ۱۸ اما مقدسان حضرت اعلی سلطنت را خواهند گرفت و مملکت را تا به ابد و تا ابدالابدین متصرف خواهند بود ۱۹ آنگاه آرزو داشتم که حقیقت امر را درباره‌ی وحش چهارم که مخالف همه‌ی دیگران و بسیار هولناک بود و دندان‌های آهنین و چنگال‌های برنجین داشت و سایرین را می‌خورد و پاره پاره می‌کرد و با پاهایش پامال می‌نمود، بدانم ۲۰ و کیفیت ده شاخ را که بر سر او بود و آن دیگری را که برآمد و پیش روی او سه شاخ افتاد، یعنی آن شاخی که چشمان و دهانی را که سخنان تکبرآمیز می‌گفت داشت و نمایش او از رفقای سخت‌تر بود ۲۱ پس ملاحظه کردم و این شاخ با مقدسان جنگ کرده، بر ایشان استیلا یافت ۲۲ تا حینی که قدیم الایام آمد و داوری به مقدسان حضرت اعلی تسلیم شد و زمانی رسید که مقدسان ملکوت را به تصرف آوردند ۲۳ پس او چنین گفت: اما وحش چهارم، چهارمین سلطنت بر زمین خواهد بود و با همه‌ی سلطنت‌ها متفاوت خواهد بود و تمامی جهان را خواهد خورد و آن را پامال نموده، پاره پاره خواهد کرد ۲۴ و ده شاخ این مملکت، ده پادشاه می‌باشند که خواهند برخاست و دیگری بعد از ایشان خواهد برخاست و او مخالف اولین خواهد بود و سه پادشاه را به زیر خواهد افکند ۲۵ و سخنان بر ضد حضرت اعلی خواهد گفت و مقدسان حضرت اعلی را ذلیل خواهد ساخت و قصد تبدیل نمودن زمانها و شرایع خواهد نمود و ایشان تا زمانی و دو زمان و نصف زمان به دست او تسلیم خواهند شد ۲۶ پس دیوان برپا خواهد شد و سلطنت او را از او گرفته، آن را تا به انتها تباہ و تلف خواهند نمود ۲۷ و ملکوت و سلطنت و حشمت مملکتی که زیر تمامی آسمانها است به قوم مقدسان حضرت اعلی داده خواهد شد که ملکوت او ملکوت جاودانی است و جمیع ممالکت فقط او را عبادت و اطاعت خواهند نمود ۲۸ انتهای امر تا به اینجا است...»^۱.

شیری با دو بال اشاره به امپراطوری انگلستان دارد که در اروپا قد علم کرد و سمبلش شیری با دو بال می‌باشد. اما خرس نماد شوروی است که گوشت زیادی می‌خورد یعنی مردمان زیادی را کشته است... ولی حیوان چهارم که از آهن است، امپراطوری آمریکا

می‌باشد که با اسلحه و ثروت به همه جای این دنیا تسلط پیدا کرده است و آن را لگد کوب می‌کند.

قدیم‌الایام همان امام مهدی (علیه السلام) است و همان طور که دانیال گفته است، در نهایت آمریکا در آتش خواهد سوخت، ان شاء الله.

امام مهدی (علیه السلام) و عیسی و ایلیا و خضر (علیهم السلام) در قیامت صغری می‌آیند؛ قیامتی که حساب، عذاب و نعمتی است برای ظالمان. آیا عذاب و نعمت قبل از هشدار دادن، درست است؟ پس بیم‌دهنده کیست؟

پس باید فرستاده‌ای قبل از ظهور ایشان (علیهم السلام) باشد تا مردم را بیم و بشارت دهد. این مقدار به اختصار از تورات کافی است.

سوره: در انجیل

انجیل متی اصحاب بیست و چهارم: «و ... ۶ و جنگ‌ها و اخبار جنگ‌ها را خواهید شنید... ۱۵ پس چون مکروه ویرانی را که به زبان دانیال نبی گفته شده و در مکان مقدس موجود است ببینید... ۲۲ ولی به خاطر برگزیدگان آن روزها کوتاه خواهد شد... زیرا همچنان که برق از مشرق‌ها ساطع شده تا به مغرب‌ها ظاهر می‌شود آمدن پسر-انسان نیز اینچنین خواهد بود... و بعد از مصیبت آن ایام آفتاب تاریک گردد و ماه نور خود را ندهد...».

در این اصحاب، عیسی (علیه السلام) نشانه‌های قیامت صغری را ذکر می‌کند همان طور که رسول خدا حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) ذکر کرده‌اند، جنگ‌ها، خورشید گرفتگی، ماه‌گرفتگی^۱ و مکروه ویرانی (آمریکا).... مهم این است که وی در آغاز ظهورش از مشرق به سمت مغرب حرکت می‌کند و مشرق نسبت به مکان عیسی (علیه السلام) در آن زمان عراق می‌باشد، و نوری که از مشرق خارج و در مغرب ظاهر شده ابراهیم است که از عراق خارج و در سرزمین مقدس ظاهر شده است.

و عیسی (علیه السلام) درباره‌ی یوحنا (یحیی) گفته که او ایلیا یا مثل ایلیا است؛ «ولی اکنون به شما می‌گویم که ایلیا آمده است و او را نشناختند بلکه آنچه خواستند با وی انجام دادند. به همین صورت پسر انسان نیز از ایشان آزار و اذیت خواهد دید. گویا شاگردان دریافتند که

۱ - به علامت‌های ظهور که پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت طاهر او (علیهم السلام) در منابع مسلمانان مراجعه نمایند. سید احمد الحسن (علیه السلام) بسیاری از آنها را در کتاب فتنه‌ی گوساله جلد ۲ توضیح داده‌اند.

درباره‌ی یحیی تعمید دهنده به ایشان سخن می‌گفت...»^۱.

عیسی علیه السلام درباره‌ی یوحنا می‌فرماید: «اگر خواستید قبول کنید این همان ایلیا است که انتظار آمدنش وجود دارد، هر که گوش شنوا دارد بیاید و بشنود»^۲.

بنابراین خروج فرستاده‌ای که امام مهدی علیه السلام و کسانی که با او هستند یعنی عیسی و ایلیا و خضر علیهم السلام می‌فرستند، از عراق خواهد بود، و می‌توان به این معنی، خروج او را خروج عیسی علیه السلام دانست، همان گونه که خروج یوحنا در یک مرحله‌ی مشخص بیانگر خروج ایلیا بود و ممکن است این فرستاده از ملت دیگری باشد همانطور که عیسی علیه السلام می‌فرماید: «از این رو به شما می‌گویم که ملکوت خداوند از شما گرفته می‌شود و به امتی که به ثمره‌اش عمل می‌کند، عطا خواهد شد»^۳.

و عیسی علیه السلام فرمود: «پس شما نیز آماده باشید؛ زیرا در ساعتی که گمان نمی‌برید پسر-انسان می‌آید. پس آن غلام امین دانا کیست که آقایش او را تعیین کرده است تا بر بنده‌هایش طعام (یا همان علم و معرفت و حکمت) دهد. در این حال خوشا به حال آن غلامی که چون آقایش آید او را در چنین کاری مشغول یابد»^۴.

این غلام امین دانا کیست؟ جز فرستاده‌ای از جانب امام مهدی، عیسی، ایلیا و خضر علیهم السلام؟

و عیسی علیه السلام فرمود: «**۵** اما الآن نزد فرستنده‌ی خود می‌روم و کسی از شما از من نپرسد به کجا می‌روی **۶** ولیکن چون این را به شما گفتم، دل شما از غم پر شده است **۷** و من به شما راست می‌گویم که رفتن من برای شما بهتر است؛ زیرا اگر نرم تسلّی دهنده نزد شما نخواهد آمد. اما اگر بروم او را نزد شما می‌فرستم **۸** و چون او آید، جهان را بر گناه و عدالت و داوری ملزم خواهد نمود **۹** اما بر گناه؛ زیرا آنها به من ایمان نمی‌آورند **۱۰** و اما بر عدالت، از آن سبب که نزد پدر خود می‌روم و دیگر مرا نخواهید دید **۱۱** و اما بر داوری، از آن رو که بر رئیس این جهان حکم شده است»^۵.

این تسلّی دهنده که فرستاده می‌شود کیست؟ و این فردی که اهل جهان را به جهت گناهانشان و تکذیب انبیا و رسولان و قتل آنان و نپذیرفتن حقیقت انبیا و وصیت‌هایشان و

۱ - انجیل متی اصحاح هفدهم.

۲ - اصحاح یازدهم.

۳ - متی: اصحاح بیست و یکم.

۴ - اصحاح بیست و یکم.

۵ - انجیل یوحنا اصحاح شانزدهم.

برای ضایع کردن بهره‌ی آنها در قیامت صغری و بی‌حرمتی‌شان به رئیس این جهان یعنی امام مهدی علیه السلام سرزنش و توبیخ می‌کند، کیست؟ عیسی علیه السلام می‌فرماید: «۱۲ و بسیار چیزهای دیگر نیز دارم که به شما بگویم، ولی الآن طاقت تحمل‌شان را ندارید ۱۳ ولی هنگامی که او یعنی روح راستی آید، شما را به جمیع راستی هدایت خواهد کرد زیرا که از خود تگلم نمی‌کند بلکه فقط به آنچه شنیده است سخن خواهد گفت و از امور بسیاری به شما خبر خواهد داد ۱۴ او مرا جلال خواهد داد زیرا آنچه از آن من است خواهد گرفت و به شما خبر خواهد داد»^۱.

از ابو عبد الله علیه السلام روایت شده است که فرمود: «علم بیست و هفت حرف دارد و همه‌ی آن چیزی که انبیا آورده‌اند دو حرف است، مردم تا امروز جز این دو حرف از علم چیزی نمی‌دانند. پس اگر قائم، ظهور کند بیست و پنج حرف دیگر علم را نیز خارج می‌کند و آن را بین مردم منتشر می‌کند و این دو حرف را نیز به آن می‌پیوندد تا بیست و هفت حرف علم بین مردم منتشر شود»^۲.

فکر می‌کنم توضیحاتی که دادم هر چند مختصر بود ولی برای کسی که طالب حق و حقیقت است کافی باشد. اگر توضیحات بیشتری خواستید در رؤیای یوحنا لاهوتی مطالب بسیاری برای کسی که طالب حقیقت است وجود دارد و من جهت اختصار از آوردن‌شان صرف نظر می‌کنم.

یادآور می‌شوم هنگامی که عیسی علیه السلام مبعوث شد، یهود گفتند: «آیا از ناصره چیز صالحی خارج می‌شود؟»^۳ و گفتند: «تحقیق کنید و ببینید که هیچ پیغمبری از جلیل نبوده است»^۴ و گفتند: «و آیا مسیح از جلیل می‌آید؟ آیا کتاب نگفت که او از نسل داوود از بیت لحم است؟ مسیح از روستایی که داوود در آن بوده است، می‌آید؟»^۵.

و در انتها نصیحت من به شما این است که در این سخنان نیک بیندیشی.... در تورات آمده است: «با تمام قلبت به من توکل کن و به فهم و اندیشه‌ی خود اعتماد مکن. در همه‌ی راه‌ها مرا بشناس و من راه را به تو نشان خواهم داد. خود را حکیم مپندار، مرا گرامی بدار و خودت را با سخن من تأدیب نما».

۱ - انجیل یوحنا اصحاح شانزدهم.

۲ - مختصر بصائر الدرجات: ص ۱۱۷ ؛ بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۳۶.

۳ - یوحنا اصحاح اول - آیه: ۴۶.

۴ - یوحنا اصحاح هفتم - آیه: ۵۲.

۵ - یوحنا اصحاح هفتم - آیه: ۴۱ و ۴۲.

اصغر الصنع

پرسش ۱۶: آیا ممکن است بر شما نیرویی مسلط شده باشد؟

آیا ممکن است که در وجود شما نیرویی بر قدرت ذهن شما تسلط پیدا کرده و در شما چنین احساسی به وجود آورده باشد؟

Reta Jorj - زن مسیحی - ۲۵ ربیع الأول ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم و الصبر لله رب العالمين

عیسی (علیه السلام) فرمود: «۴۷ کسی که از خدا باشد، کلام خدا را می‌شنود. شما از این رو کلام خدا را نمی‌شنوید که از خدا نیستید. ۴۸ قوم یهود در پاسخ گفتند: آیا خوب نگفتیم که تو سامری هستی و یک دیو داری. ۴۹ یسوع در پاسخ گفت: من دیو ندارم، لکن پدر خود را حرمت می‌دارم و شما مرا بی‌حرمت می‌سازید. ۵۰ من مجد خودم را طالب نیستم ولی کسی هست که می‌طلبد و داوری می‌کند. ۵۱ حقیقت، حقیقت را به شما می‌گویم که اگر کسی کلام مرا حفظ کند تا ابد مرگ را نخواهد دید!».

اصغر الصنع

پرسش ۱۷: این نشانه‌ی روح اخلاقی والای شما است.

امیدوارم از سخنان من ناراحت نشده باشید و از اینکه در سؤال‌هایم جانب ادب رعایت نشده است، متأسفم. مجدداً از شما سپاس‌گزارم که بر من منت گذاشتید و عنایت فرمودید و این نشانه‌ی روح اخلاقی والای شما است. در پناه پدر، پسر و روح القدس!

Reta Jorj - زن مسیحی - ۲۵ ربیع الأول ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم و الصبر لله رب العالمين

ناراحت نمی‌شوم.... ولی ناراحتی من به خاطر شما است؛ زیرا شما ای اهل زمین در صحرای مادیات سرگردان شده‌اید همان گونه که قوم بنی‌اسرائیل در صحرای سینا سرگردان شده بودند.

صدر الصغ

پرسش ۱۸: چطور امام شما به شما نیاموخته من کی هستم و تحصیلاتم چقدر است؟!

درود بر سید احمد الحسن... سلام علیکم

تمام پاسخ‌هایتان را دریافت کردم، متشکر و ممنونم از اینکه به من توجه فرمودید... ولی موضوع مهمی باعث تعجب من شده است؛ اینکه شما می‌خواهید سطح تحصیلات و میزان پابندی من به دین را بدانید در حالی که شما می‌گویید «من بهتر از مسیحیان، انجیل می‌دانم و همچنین تورات و قرآن را از شما بهتر می‌دانم...» چگونه است که امام شما به شما نیاموخته است...؟ تا بدانی که من چه کسی هستم و تحصیلاتم چقدر است تا حقیقت آنچه را که می‌گویید به امثال من نشان دهید؟! پاسختان چیست؟ با تشکر فراوان و احترام و تقدیم دوستی من به شما. در امان خدا باشید.

reta Jorj - زن مسیحی - ۲۳ ربیع الأول ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم والحمد لله رب العالمين

«و همچنین رؤسای کاهنان به همراه کاتبان و شیوخ با مسخرگی گفتند، دیگران را نجات داد ولی قادر نبود خود را نجات دهد؛ اگر او پادشاه یهود است، باید حالا از صلیب پایین بیاید تا به او ایمان بیاوریم. به خدا توکل کرد، اگر از او بخواهد باید او را نجات دهد.»

اگر کسی موسی علیه السلام را ببیند آیا نمی‌داند در دستش عصا دارد؟ خداوند سبحان چطور؟

پس چرا پرسید: در دست چه داری، ای موسی؟

صدر الصغ

پرسش ۱۹: آیا شما وصی امام مهدی علیه السلام هستی یا فرزند او؟

سلام علیکم ورحمة الله تعالى وبرکاته

امیدوارم لطف بفرمایید و این مسأله را واضح‌تر بیان نمایید: آیا شما وصی و جانشین امام

هستید یا فرزند او؟

فايز العراقي - ۲۲ صفر ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم والحمد لله رب العالمين، والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته

سید احمد الحسن فرستاده‌ی امام مهدی محمد بن الحسن علیه السلام به سوی همه‌ی مردم و همچنین اولین وصی از اوصیای دوازده‌گانه‌ی امام مهدی علیه السلام بعد از وفاتش می‌باشد؛ همان گونه که در خبر آمده است که بعد از حضرت مهدی علیه السلام دوازده مهدی می‌باشند. سید احمد الحسن از نوادگان امام مهدی علیه السلام نیز هست؛ یعنی امام مهدی جد او می‌باشد. این درست است که گفته می‌شود سید احمد الحسن فرزند امام مهدی علیه السلام است ولی منظور، فرزند بلاواسطه نیست بلکه از نسل امام مهدی علیه السلام می‌باشد؛ همان طور که کسی که منتسب به رسول الله صلی الله علیه و آله باشد گفته می‌شود فرزند او است. اجداد سید احمد الحسن تا امام مهدی علیه السلام همگی وفات یافته‌اند غیر از امام مهدی علیه السلام که خداوند در زمین تمکینش دهد.

همانگونه که امام مهدی علیه السلام بارها هنگام سخن گفتن با سید احمد الحسن عبارت «بُنَىَّ» (پسرکم) را به زبان می‌آورده است؛ همان گونه که در یکی از بیانات ایشان این گونه روایت شده است: «**پسرم فدایت شوم عجله کن....**». می‌توانی از طریق نوار صوتی آن بررسی نمایید.^۲

او اولین مهدی از مهدیون دوازده‌گانه و اولین ایمان آورنده به دعوت امام مهدی علیه السلام می‌باشد.

انصار امام مودر

که خداوند در زمین تکمینش دهد

پرسش ۲۰: نکاتی از داستان موسی علیه السلام در سفرش برای دیدار با حضر علیه السلام

۱ - شیخ طوسی با سند خودش از امام صادق علیه السلام از پدرش باقر علیه السلام از پدرش زین العابدین علیه السلام از پدرش حسین شهید علیه السلام از پدرش امیر المومنین علیه السلام از رسول خدا روایت کرده است که فرمود: «... ای علی! بعد از من دوازده امام خواهد بود و بعد از ایشان، دوازده مهدی...». غیبت طوسی: ص ۱۵۰؛ مختصر بصائر الدرجات: ص ۱۵۹. قاضی نعمان مغربی در شرح الاخبار از علی بن الحسین علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: «**قائم از ما قیام می‌کند (یعنی مهدی) سپس بعد از او دوازده مهدی خواهد بود (یعنی ائمه از فرزندانش)...**». شرح الاخبار: ج ۳ ص ۴۰۰. جهت کسب اطلاعات بیشتر به کتاب‌های مهدی و مهدیین در قرآن و سنت، مهدیون در حدیث اهل بیت علیهم السلام، و سایر انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام مراجعه نمایید.

۲ - بیانی‌ای که عبارت مذکور در آن روایت شده است بیانی‌هی صادر شده در ۳ شوال ۱۲۲۴ هـ. ق. می‌باشد.

چگونه می‌توانم از داستان موسی (علیه السلام) در سفرش برای دیدار با خضر (علیه السلام) در سفر دیدارمان با امام مهدی (علیه السلام) بهره‌مند شویم؟

علاء رزاق - ۴ ربیع الأول ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

پاسخ در سایت مکتب موجود است: کتاب متشابهات جلد سوم برگرفته از پاسخ سؤال چهارم که سید احمد الحسن در ذیل آن پاسخ داده است.

انصار امام مه‌ر

که خداوند در زمین تکفیر دهد

اما داستان عالم (علیه السلام) با موسی (علیه السلام)....

در زمان قائم (علیه السلام) نیز کشتی، پسر و دیواری که زیرش گنج بود نیز وجود خواهد داشت. کشتی که متعلق به اصحاب قائم (علیه السلام) است، معیوب می‌شود تا از گزند طاغوتیان در امان بماند: «يُظْهِرُ فِي شِبْهِهِ لَيْسَتَيْنِ» (با شبهه آشکار می‌گردد تا آشکار گردد)، یعنی قائم (علیه السلام) که این معنا در روایات ائمه (علیهم السلام) آمده است.^۱ اما پسر، کشته می‌شود زیرا باطنی سیاه دارد و به درد ابلیس لعنت الله گرفتار است: «أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ» (من از او بهترم)؛^۲ از ائمه (علیهم السلام) روایت شده است که

۱ - اشاره می‌فرمایند به آنچه از ابو عبدالله امام صادق (علیه السلام) در حدیث مفضل روایت شده است: «إِي مَفْضَلُ، دَر شِبْهِهِ ظَاهِرٌ مِي گَرْدَد تَا أَشْكَارٌ شُود. پَس ذَكَرْش بَلَنْد مِي شُود وَ اَمْرُش أَشْكَارٌ مِي گَرْدَد وَ بَه نَام وَ كَنِيَه وَ نَسَبِش نَدَا دَادَه مِي شُود. نَام عَزِيْزِش دَر مَحَافِل دُوسْت وَ دَشْمَن وَ مَرْدَم بَا اِيْمَان وَ بِي اِيْمَان نَقْل مِي گَرْدَد تَا حِجَّت بَر هَمْكَان تَمَام شُود وَ جَامِعَه او رَا بِشْنَانَسَد وَ مَا بِيُوسْتَه نَام وَ نِشَان وَ نَسَب او رَا اِعْلَام كَرْدَه اِيْم وَ كَفْتَه اِيْم كِه او هَم نَام جَدِّش خَاتَمِ الْاَنْبِيَاءِ (علیهم السلام) وَ هَم كَنِيَه‌ی او اَسْت تَا كَسِي نَكُوِيْد كِه مَن نَام وَ نَسَب وَ كَنِيَه‌ی او رَا نَمِي دَانَسْتَم. بَه خُدا سُو كَنْد اَنْقَدْر نَام وَ نَسَب وَ كَنِيَه‌ی او بَر زَبَان مَرْدَم جَارِي مِي شُود تَا دِيگَر بَرای كَسِي اِبْهَامِي نَمَانَد. تَمَام اِيْنَهَا بَرای اِيْن اَسْت كِه حِجَّت بَر هَمْكَان تَمَام شُود. اَنْگَاه خُداوَنْد هَمَان گُونَه كِه بَه جَدِّش وَعْدَه دَادَه اَسْت، اَمْر بَه ظَهْوَرش مِي فَرْمَايَد: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (او كَسِي اَسْت كِه فَرَسْتَا دَه اَش رَا بَا هِدَايَت وَ دِين حَق فَرَسْتَا تَا اَنْ دِين رَا بَر هَمَه‌ی اِدِيَان بِيُورُز گَرْدَانَد حَتِي اِگَر مُشْرِكَان رَا خُوش نِيَايَد). مَخْتَصَر بَصَائِر الدَّرَجَات: ص ۱۷۹ ؛ بَحَارِ الْاَنْوَار: ج ۵۳ ص ۳.

۲ - اشاره می‌فرماید به داستانی که خداوند متعال از زبان ابلیس بیان فرموده است آن هنگام که خودش را با آدم (علیه السلام) قیاس نمود: «قَالَ مَا مَنَّكَ اَلَا تَسْجُدُ لِذِي اَمْرُكَ قَالَ اَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ» (خداوند گفت: وقتی تو را به سجده فرمان دادم، چه چیز تو را از آن بازداشت؟ گفت: من از او بهترم، مرا از آتش آفریدی و او را از گل)

قائم عليه السلام یکی از کسانی که در کنار او کار می‌کند و از مقرّبین حضرتش است را می‌کشد.^۱ اما گنج، علم آل محمد علیهم السلام است که از زیر دیوار بیرون کشیده و بین مردم نشر داده می‌شود. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «علم بیست و هفت حرف است و همه‌ی آنچه پیامبران آورده‌اند تنها دو حرف است و مردم تا امروز جز آن دو حرف را نمی‌شناسند. هنگامی که قائم ما قیام کند، بیست و پنج حرف دیگر را بیرون می‌آورد و آن را بین مردم نشر می‌دهد، و آن دو حرف را نیز ضمیمه می‌کند و بیست و هفت حرف را منتشر می‌سازد».^۲

و سخن امیر المؤمنین علیه السلام در میان شما شبیه او (ذو القرنین) وجود دارد؛^۳ یعنی قائم علیه السلام که مردم را دعوت می‌کند و مردم به او می‌گویند: ای پسر فاطمه برگرد. برای بار دوم مردم را دعوت می‌کند و مردم به او می‌گویند: ای پسر فاطمه، برگرد.^۴ اما در مرتبه‌ی سوم خداوند وی را بر آنها چیره می‌سازد و آنقدر از آنها می‌کشد تا خداوند سبحان و متعال خوشنود گردد؛

اعراف: ۱۲.

۱ - از ابو عبدالله امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مردی که بالای سر قائم به او امر و نهی می‌کند. ناگهان می‌فرماید: بیاوریدش. او را پیش پاهایش می‌آورند و امر می‌کند گردنش را بزنند، و کسی باقی نمی‌ماند مگر اینکه از او ترسان و خاشع باشد». غیبت نعمانی: ص ۲۴۵؛ بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۵۵.

۲ - مختصر بصائر الدرجات: ص ۱۱۷؛ بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۳۶؛ جرائح و جرائح: ج ۲ ص ۸۴۱.

۳ - کلینی با سند خودش از حرمان بن اعین روایت می‌کند که گفت: ابو جعفر علیه السلام فرمود: «علی علیه السلام محدث بود (به او وحی می‌شد)». به سوی یارانش رفت و گفت: چیزی عجیبی برایتان آوردم. گفتند: چیست؟ شنیدم ابو جعفر علیه السلام می‌فرماید: «علی علیه السلام محدث بود». گفتند: چیز عجیبی نگفتی مگر اینکه از او به پرسشی که کسی به او وحی می‌کرد. به سوی او بازگشتم و گفتم: آنچه شما فرمودید به یارانم گفتم و آنها گفتند: چیز عجیبی نگفتی مگر اینکه از او پرسشی که کسی به او وحی می‌کرد؟ به من فرمود: «ملکی به او وحی می‌کرد». گفتم: آیا می‌فرمایی او پیامبر بود؟ در حالی که دستش را این گونه حرکت می‌داد، فرمود: «مثل یار سلیمان یا یار موسی یا مثل ذوالقرنین، یا آنچه به شما برسد که فرمود: و در میان شما هم نظیر او هست». کافی: ج ۱ ص ۲۷۱ ع ۴؛ بصائر الدرجات: ص ۳۴۱.

۴ - از ابو جعفر علیه السلام: «هنگامی که قائم علیه السلام به پا خیزد به سوی کوفه می‌رود. چند ده هزار نفر از بتریه که با خود سلاح دارند به او می‌گویند: به همان جا که آمده‌ای برگرد، ما به فرزندان فاطمه نیازی نداریم. پس شمشیر را در میانشان قرار می‌دهد و تا آخرینشان را می‌کشد. سپس به کوفه داخل شده، تمام منافقین شکاک را از بین می‌برد، کاخ‌هایشان را ویران می‌کند و مبارزیشان را می‌کشد تا خداوند عزوجل راضی گردد». بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۳۸.

۵ - از ابو بصیر نقل شده است: شنیدم ابو جعفر علیه السلام می‌فرماید: «در صاحب این امر، سنت چهار پیامبر وجود دارد: سنتی از موسی، سنتی از عیسی، سنتی از یوسف و سنتی از محمد صلی الله علیه و آله و سلم. گفتم: سنتی موسی چیست؟ فرمود: «ترسان

تا جایی که یکی از نزدیکان وی می‌گوید: تو مردم را به مانند گله‌ی چهارپایان فراری می‌دهی^۱ و تا جایی که مردم می‌گویند: این شخص از آل محمد علیهم‌السلام نیست؛ چرا که اگر از آل محمد علیهم‌السلام می‌بود ترخم می‌نمود؛ همان طور که در روایات از ایشان علیهم‌السلام نقل شده است.^۲

امیدوارم آنچه گفتم برای مؤمنان سودمند باشد و هر چند در این قصه‌های سه‌گانه رازهای بسیاری نهفته است که آنها را بیان ننمودهام.^۳

نتیجه‌ای که می‌خواهم بیان کنم این است که این قصه‌های سه‌گانه ارتباط تنگاتنگی با قائم علیه‌السلام و یارانش و علایم ظهورش دارد.

این پاسخ سید احمد الحسن بود.

و مراقب». گفتم: سنتی عیسی چیست؟ فرمود: «آنچه درباره‌ی عیسی گفته شد، درباره‌ی او گفته می‌شود». گفتم: سنت یوسف چیست؟ فرمود: «زندان و غیبت». گفتم: سنت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم چیست؟ فرمود: «هنگامی که قیام کند به روش رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم حرکت می‌کند با این تفاوت که او آثار محمد را آشکار می‌کند. شمشیر را هشت ماه بر دوشش حمل می‌کند و می‌کشد و می‌کشد تا خداوند راضی گردد». گفتم: چگونه رضایت خداوند را متوجه می‌شود؟ فرمود: «خداوند رحمت را در قلبش می‌اندازد». غیبت نعمانی: ص ۱۶۸ ؛ بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۴۷.

۱ - عیاشی در خبری طولانی از ابو عبدالله امام صادق علیه‌السلام روایت می‌کند تا آنجا که فرمود: «... تا به نعلبیه می‌رسد که مردی از پشت پدرش و از هم‌هی مردم نیرومندتر و شجاع‌تر است (به غیر از صاحب این امر)، در مقابلش می‌ایستد و می‌گوید: فلانی، این چه کاری است که می‌کنی؟ به خدا قسم! تو مردم را مانند چهارپایان فراری می‌دهی. آیا این کارها با عهدی از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم انجام می‌شود یا چیز دیگری؟ پس آن خدمتکاری که متصدی امر بیعت بود بر او بانگ می‌زند: در جای بنشین و گرنه به خدا سوگند سر از بدنت جدا می‌کنم. اما حضرت قائم علیه‌السلام به او می‌فرماید: فلانی ساکت باش. آری، به خدا سوگند عهدنامه‌ای از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم همراه من است! بعد صدا می‌زند: فلانی، آن خورجین یا کیف یا صندوقچه را بیاور. پس آن را می‌آورند و عهدنامه‌ی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را می‌خواند. آن مرد عرض می‌کند: خداوند مرا فدای تو گرداند، سر مبارکت را نزدیک بیاور تا بر آن بوسه زنم. پس آن جناب سر مبارک خویش را پیش می‌آورد و آن مرد میان چشمان حضرت را می‌بوسد. سپس می‌گوید: خداوند مرا فدای تو سازد، بار دیگر از ما بیعت بگیر؛ که آن حضرت بیعت خود را تجدید می‌کند». تفسیر عیاشی: ج ۲ ص ۵۸ ؛ بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۴۱.

۲ - از ابو جعفر علیه‌السلام روایت شده است که فرمود: «اگر مردم می‌دانستند قائم هنگامی که خروج کند، چه می‌کند، بیشتر مردم ترجیح می‌دادند که او را نمی‌دیدند از آنچه از مردم می‌کشد؛ او شروع نمی‌کند مگر از قریش و از آنها قبول نمی‌کند مگر شمشیر و به آنها جز شمشیر نمی‌دهد، تا آنجا که بیشتر مردم می‌گویند: او از آل محمد نیست که اگر از آل محمد می‌بود، رحم می‌کرد». غیبت نعمانی: ص ۲۳۸ ؛ بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۵۴.

۳ - جهت کسب اطلاعات بیشتر درباره‌ی داستان‌های سه‌گانه به کتاب سفر موسی علیه‌السلام به مجمع البحرین که قائم آل محمد سید احمد الحسن علیه‌السلام به نگارش درآورده است، رجوع نمایید.

پرسش ۲۱: زندگی‌نامه‌ی سید احمد الحسن (علیه السلام)

لطفاً زندگی‌نامه‌ی سید احمد الحسن را بیان نمایید؟

بکر السکینی - ۲۵ صفر ۱۴۲۶ هـ ق

بسم الله الرحمن الرحيم

از کارکنان سایت در خواست می‌شود بر ما تفضل نموده، زندگی‌نامه‌ی سید بزرگوار احمد الحسن که سایه‌اش مستدام باد و در صورت امکان همراه با عکس ایشان، در اختیار ما قرار دهند. خداوند شما را تسدید فرماید!

طالب خیری - ۱۶ ربیع الأول ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

۱- در بصره در عراق به دنیا آمده است.

۲- فارغ التحصیل دانشکده‌ی مهندسی / مهندسی شهرسازی است.

۳- در حوزه‌ی علمیه‌ی نجف اشرف درس خوانده است.

۴- امام مهدی (علیه السلام) حدود پنج سال پیش او را برای اصلاح حوزه‌ی علمیه‌ی نجف اشرف ارسال فرمود و کارهایی از قبیل اصلاح علمی، عملی و اقتصادی در حوزه و به طور کلی در جامعه به انجام رسانید.

الف - اصلاح علمی: از آنجا که در حوزه قرآن تدریس نمی‌شد، قرآن را در حوزه تدریس نمود و قضیه‌ی امام مهدی (علیه السلام) را انتشار داد.

ب - بعد از اینکه صدام، قرآن را با خون نجسش نوشت صریحاً اعلام کرد که صدام این کار را به قصد نزدیک شدن به شیطان رجیم انجام داده است و به جهت همین تصریح در کلام از طرف نیروهای صدام کافر مورد تعقیب قرار گرفت. او تنها کسی بود که در نجف این اقدام را با اقتدار تمام بر عهده گرفت و بیان نمود که صدام با دست خودش حکم مرگش را امضا کرده و به حکومتش پایان داده است؛ یعنی هنگامی که قرآن را با خون نجسش نوشت، و به علمای نجف و به طور کلی به همه‌ی علمای مسلمانان به خاطر سکوتشان در برابر این اقدام ناپسند صدام کافر، اعتراض نمود.

ج - اصلاح عملی: به این جهت بود که حوزه‌ی علمیه، امر به معروف و نهی از منکر و اهتمام به امور مردم را ترک کرده بود و آشکارا به همه‌ی قسمت‌ها می‌فرمود که به امور

دینی و دنیوی مردم و رفع ظلم و ستم از آنها بپردازند.

د - اصلاح اقتصادی: به آنچه به نام انقلاب علیه فساد مالی در حوزه‌ی علمیه معروف شد، اقدام نمود. در این مورد بسیاری از طلاب حوزه او را یاری کردند. روزی نزد یکی از وکلای مراجع رفت و در حالی که بیش از سی نفر از طلاب او را همراهی می‌کردند، از آن وکیل خواستند تا فساد مالی آن مرجع را منتشر کند و ضرورت اصلاح آن را یادآور شد. همچنین طلب را از حوزه‌ی علمیه به سوی مراجع فرستاد تا از آنها بخواهد فساد مالی موجود در خزینه‌هایشان را اصلاح کنند زیرا اموالشان را به وکلایشان می‌بخشیدند و فقیران و یتیمان و بیوه‌زنان که از گرسنگی به خود می‌پیچیدند را رها کرده بودند.

ه - تقریباً سه سال پیش در زمان حکومت صدام طغیان‌گر اعلام کرد که او فرستاده‌ی امام مهدی (علیه السلام) می‌باشد و در نتیجه نیروهای صدام اقدام به دستگیری او نمودند که خداوند سبحان و متعال با لطف خودش او را از چنگ این طاغوت نجات داد و اکنون او مردم را به سوی امام مهدی (علیه السلام) و ضرورت یاری و تمکین او دعوت می‌کند..... و خدا را شکر. این توضیحات بسیار خلاصه تقدیم حضورتان شد و از اینکه جزئیات را بیان نکردیم پوزش می‌خواهیم.

انصار امام مه‌ر

که خداوند در زمین تمکینش دهد

پرسش ۲۲: آیا می‌توانید از غیباتی که اجازه‌شان داده شده است، مرا آگاه نمایید؟

بسمه تعالی.... به جناب سید احمد الحسن... آیا می‌توانید از امور غیبی که اجازه‌شان به انسان‌ها داده شده است، مرا آگاه نمایید؟ والسلام علیکم.

زینب موسوی - ۱۶ صفر ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

در خصوص غیباتی که به دعوت مربوط می‌شود، به زودی کتاب غیبات مربوط به دعوت مانند رؤیا، شفا و سایر موارد، منتشر خواهد شد. سایت را دنبال کنید مخصوصاً

صفحه‌ی جدیدی که باز شده است و صفحات دیگر را نیز به اطلاع شما خواهیم رسانید.

انصار امام مبرر

که خداوند در زمین تمکینش دهد

پرسش ۲۳: روح القدسی که در قرآن آمده است، کیست؟

روح القدسی که در قرآن آمده است، کیست و بر چه کسی نازل می‌شود و میان او و حضرت فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) چه رابطه‌ای وجود دارد؟

وائل سعیده - صفر ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

پاسخ، در کتاب تشابهات موجود می‌باشد و همچنین به همراه فاطمه، پدرش، شوهرش و فرزندان، ائمه و مهدیون روح القدس اعظم هستند.

اصغر الصغیر

روح القدس همان روح پاکی و عصمت است. اگر بنده نیتش را برای خداوند سبحان و متعال خالص گرداند و خواهان وجه او باشد، خداوند او را دوست می‌دارد و ملکی را موکل او می‌کند تا او را به هر خیری وارد و از هر شری خارج کند و او را به سوی مکارم اخلاق (والاخرین خصوصیات اخلاقی) سوق می‌دهد. روح القدس واسطه‌ی انتقال دانش به انسانی که موکلش است، می‌باشد. روح القدس‌ها متعدّدند و یکی نیستند؛ روح القدسی که با حضرت عیسی (علیه السلام) و انبیا بوده است با روح القدسی که با محمد (صلی الله علیه و آله) و ائمه (علیهم السلام) است فرق می‌کند؛ این روح القدس، همان روح القدس اعظم است که فقط برای حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) نازل شد و پس از وفات او به علی (علیه السلام) منتقل شد و و پس از او به ائمه (علیهم السلام) انتقال یافت و پس از ایشان به مهدیون دوازده‌گانه منتقل می‌شود.

از ابوبصیر روایت شده است که گفت: از ابوعبدالله (علیه السلام) درباره‌ی این سخن خداوند تبارک و تعالی پرسیدم: « وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ »^۱ (و اینچنین روحی از امر خودمان را به تو وحی کردیم در حالی که تو نمی‌دانستی که کتاب چیست و ایمان کدام

است). فرمود: «مخلوقی از مخلوقات خداوند عزوجل که از جبرئیل و میکائیل بزرگ‌تر است و همراه حضرت محمد ﷺ بود و به او خبر می‌داد و راهنمایی می‌کرد و بعد از ایشان، همراه ائمه‌ی بعد از او می‌باشد»^۱.

ابو بصیر می‌گوید: از ابو عبد الله ﷺ درباره‌ی این سخن خداوند عزوجل پرسیدم: «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي»^۲ (از تو درباره‌ی روح می‌پرسند. بگو: روح از امر پروردگارم است). فرمود: «آفریده‌ای عظیم‌تر از جبرئیل و میکائیل ﷺ که همراه رسول خدا ﷺ بود و با ائمه ﷺ می‌باشد و این روح از ملکوت است»^۳.

از ابو حمزه روایت شده است که گفت: از ابو عبد الله ﷺ درباره‌ی علم پرسیدم که آیا همان علمی است که عالم از دهان دانشمندان یاد می‌گیرد یا در کتابی نزد شما است که آن را می‌خوانید و یاد می‌گیرید؟ فرمود: «مسأله بزرگ‌تر از اینها است. این سخن خداوند متعال را شنیده‌ای که می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ»^۴ (و اینچنین روحی از امر خودمان را به تو وحی کردیم در حالی که تو نمی‌دانستی که کتاب چیست و ایمان کدام است). سپس فرمود: «نظر اصحاب شما درباره‌ی این آیه چیست؟ آیا اقرار می‌کنند که پیامبر ﷺ در وضعیتی بود که نمی‌دانست کتاب چیست و ایمان کدام است؟» گفتم: فدایتان گردم، نمی‌دانم که آنها چه می‌گویند. حضرت ﷺ به من فرمود: «آری، او ﷺ در حالتی بود که نمی‌دانست کتاب و ایمان کدام است تا اینکه خداوند متعال این روح را که در قرآن ذکر شده است، فرستاد. پس زمانی که خداوند این روح را به پیامبر وحی فرمود، پیامبر به وسیله‌ی این روح، علم و فهم را دانست. این روحی است که خداوند به هر که بخواهد عطا می‌فرماید. اگر آن را به بنده‌ای عطا فرماید، علم را به او آموخته است»^۵.

بنابراین رسول خدا حضرت محمد ﷺ هنگامی که به این عالم جسمانی آمد تا بعد از امتحان اول در عالم ذر وارد امتحان دوم در این عالم که با جسم مادی پوشیده شده است، شود. زمانی که برای خداوند سبحان و متعال آنچنان که زمین، نظیرش را نشناخته بود،

۱ - بصائر الدرجات: ص ۴۷۵ ؛ ينابيع المعاجز: ص ۷۰.

۲ - اسراء: ۸۵

۳ - کافی: ج ۱ ص ۲۷۳.

۴ - شوری: ۵۲.

۵ - کافی: ج ۱ ص ۲۷۴.

اخلاص ورزید، خداوند او را به دوست برگزید و روح القدس اعظم را وکیل او نمود. به این صورت در این دنیا نیز درست مانند امتحان اول یا عالم ذر، در مسابقه پیروز گردید.

اصغر الصنع

پرسش ۲۴: سخن خداوند متعالی: «و من یتق الله يجعل له مخرجاً...»

«وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا... قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا»^۱ (و هر که از خدا بترسد، برای او راهی برای بیرون شدن قرار خواهد داد * و از جایی که گمانش را ندارد روزی اش می‌دهد و هر که بر خدا توکل کند، خدا او را کافی است. خدا کار خود را به اجرا می‌رساند و هر چیز را اندازه‌ای قرار داده است). **سؤال:** سر زهفته شده در این آیات قرآن چیست؟

وانثل سعیده

صفر ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم اللّٰه الصّٰمخ الرّصيم، والاصغر للرب العالمين

آیا تو می‌دانی سر چیست؟ این یک سؤال مغرضانه است و سؤال یک خواهان حقیقت نیست. امیر مؤمنان (علیه السلام) می‌فرماید: «اگر آسمان‌ها و زمین‌ها برای بنده‌ای سخت و غیرقابل نفوذ گردند سپس آن بنده تقوای الهی پیشه کند، خداوند برای او از آن دو، راه خروجی قرار خواهد داد». پس راه خروج (مخرج) از تقدیر الهی است؛ همان قدر و قانون و سنت خداوند است که تغییر نمی‌یابد و ملازم و همراه تقوی می‌باشد.

اصغر الصنع

پرسش ۲۵: گروه‌هایی که شمشیر امام (علیه السلام) به سویشان کشیده می‌شود

گروه‌هایی که شمشیر آقا و مولایمان امام زمان (علیه السلام) به سمتشان کشیده خواهد شد کدام‌ها هستند و برای چه علمایی که اجازه‌ی تأویل احادیث و قرآن را ندارند این روایت امام صادق (علیه السلام) را روشن نمی‌سازند: «... خیلی بیشتر از سختگیری رسول اکرم نسبت به کفار سختگیری خواهد نمود...». آیا امام زمان با کسانی که با او نمی‌جنگند ولی به وی ایمان

ندارند نیز خواهد جنگید؟ آیا زمانی که او عليه السلام قیام می‌کند مردم فقط به دو دسته تقسیم می‌شوند و یا دسته‌ی دیگر هم وجود خواهد داشت که نه از این گروه است و نه از آن گروه؟
علاء رزاق - ۲ ربیع الاول ۱۴۲۶ هـ

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

دعوت امام مهدی عليه السلام مثل هر دعوت الهی دیگری است و مردم در این دعوت به سه گروه مؤمن، منافق و کافر تقسیم می‌شوند.
رسول اکرم محمد صلى الله عليه وآله وسلم دستور دادند که منافقان را به حال خود واگذارند؛ ولی قائم عليه السلام مأمور است که ابتدا کافران و سپس منافقین را از بین ببرد. همه‌ی امور چه قبل و چه بعد از آن، به دست خداوند است و سپاس تنها سزاوار خداوند یگانه است.

صدر الصنع

پرسش ۲۶: وظیفه‌ی من در رابطه با دعوت مبارک چیست؟

سید احمد الحسن، خداوند شما را برای یاری ولی‌اش و قائم به امرش توفیق عطا فرماید....

من مردم را به مسأله‌ی شما دعوت می‌کنم و ایده و فکر حرکت انصار را برای‌شان شرح می‌دهم بدون اینکه پاسخ مثبتی از آنان دریافت نمایم. سؤال من این است که آیا تکلیف بنده در رابطه با دعوت همین است؟ یا این یک عمل ناپخته از من حقیق می‌باشد؟ آیا در این خصوص من باید موافقت مولا و آقایم امام زمان عجل الله فرجه را کسب کنم؟ خواهش می‌کنم وضعیت من در این خصوص و نظر خود امام را بیان فرمایید و اینکه ایشان چه توصیه‌هایی برای من دارند و چگونه رضایت ایشان جلب می‌شود؛ خداوند فرج ایشان را تعجیل و خروج او را آسان فرماید. خداوند یگانه آگاه است که من از این دعا شادمانم و از شما تقاضا می‌کنم برایم دعا نمایید تا به درک معانی آن و نیز استفاده از آن جهت رسیدن به یاری امام مظلوم از حش محروم شده، توفیق یابم.

علاء رزاق - ۵ ربیع ثانی ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

انصار للمهدی بلایه و عظیم نعمانه. اللهم صل على محمد و آل محمد. الاسلام عليكم ورحمة الله وبركاته... (اما بعد):
تکلیف هر شخصی که به فرستاده شدن سید احمد الحسن از جانب امام مهدی علیه السلام ایمان بیاورد، دعوت کردن مردم به این قضیه و یاری دادن آن و همراهی کردن با آن و پیروی از آن می‌باشد؛ البته طبق دستورات سید احمد الحسن یا نمایندگان تعیین شده از سوی ایشان.

اذن و اجازه‌ی سید احمد الحسن در هر موردی همان اذن و اجازه‌ی امام مهدی علیه السلام می‌باشد؛ چرا که سید احمد الحسن نماینده‌ی خاص امام زمان علیه السلام و منتقل کننده از ایشان است. از خداوند برای همه‌ی مان توفیق یاری حق و صاحب حق را مسئلت می‌نمایم...
والحمد لله وحده.

شیخ ناظم العقیل - انصار امام مهدی علیه السلام

پرسش ۲۷: توقیع سمری

سلام بر کسی که از پی هدایت گام برمی‌دارد. خبر رسالت شما به من رسید و شما به من توصیه کردید که کتاب «پاسخ کوبنده» را بخوانم. من آن را خواندم و چیز جدیدی در آن نیافتم. این کتاب فقط شامل یک سری احادیث مجمل و متشابه که همگی قابل تأویل است می‌باشد که علم آن به دست علمای متخصص در علم رجال و درایه است. من کتاب «ادعای سفارت در غیبت کبری» تألیف شیخ محمد السنند را به شما معرفی می‌کنم که در آن گذشته‌ی هر فرد منصف و عادی وجود دارد و من اکنون توقیعی از ناحیه‌ی مقدسه که هزاران تحیت و سلام بر او باد را برای شما می‌خوانم: «بسم الله الرحمن الرحيم. ای علی بن محمد سمری، خداوند پاداش برادرانت را دربارهی تو بزرگ نماید. تو در فاصله‌ی شش روز از دنیا خواهی رفت. پس، کارهای خود را انجام بده و به هیچ کس وصیت نکن که پس از تو جانشینت باشد؛ زیرا غیبت دوم کامل واقع شد و ظهوری نخواهد بود، مگر پس از اذن خداوند عزوجل و این اجازه پس از مدتی طولانی است که دل‌ها سخت شود و زمین از ستم آکنده گردد. و کسی که ادعای مشاهده می‌کند، به زودی به سراغ شیعیان من خواهد آمد. آگاه باشید! کسی که قبل از خروج سفیانی و صیحه‌ی آسمانی ادعای مشاهده کند، دروغ گو و افترازننده است و هیچ قوت و نیرویی نیست، مگر

برای خداوند بلندمرتبه‌ی بزرگ...»^۱.

محمد العقابی - العراق - بصره - ۵ ربیع الثانی ۱۴۲۶ هـ ق

این همان چیزی است که من برای او فرستادم تا کمی اعصاب خود را کنترل کند و دو کتاب «الرد الحاسم» و «الرد القاسم» را بخواند.

ابو محمد جابر

دنیال‌کننده‌ی سایت انصار امام مهدی در اینترنت

پاسخ:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ، وَالصَّلٰوةُ لِلرَّبِّ الْعَلِیِّیْنِ

الصَّلٰوةُ لِلعَدْلِیْنَ وِ الْعَظِیْمِ . اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَیْ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ . السَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ .

به برادر محمد العقابی... از خداوند برای شما توفیق درک و فهم و جست‌وجوی دقیق درباره‌ی این قضیه‌ی حق را مسئلت دارم و از خداوند می‌خواهم که شما را از تکذیب‌کنندگان قرار ندهد؛ آنهایی که با این سخنان آنان را سرزنش فرموده است: «بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ»^۲ (بلکه چیزی را دروغ شمردند که به علم آن احاطه نیافته بودند). اما در رابطه با کتاب «الرد الحاسم» این کتاب درباره‌ی نسل و ذریه‌ی امام مهدی (علیه السلام) و اثبات آن می‌باشد و به اثبات امکان مشاهده‌ی امام زمان (علیه السلام) در زمان غیبت کبری اختصاص ندارد. من موضوع امکان مشاهده‌ی امام (علیه السلام) را در کتاب «پاسخ قاطع به منکران رویت قائم» مورد بحث و بررسی قرار داده‌ام و در آن «توقیح السمری» و سایر موارد را مورد نقد و بررسی قرار دادم و در آن امکان مشاهده‌ی امام (علیه السلام) را ثابت نمودم.

امیدوارم به این کتاب مراجعه و در آن دقت‌نمایی که انشاء الله مقصود و گمشده‌ی خود را در آن خواهی یافت و نیز توصیه می‌کنم که همه‌ی کتاب‌هایی را که در این خصوص منتشر می‌شود به دقت مطالعه و در آنها تدبّر‌نمایی... و اینکه از خداوند متعال با دعا و گریه بخواهی که تو را راهنمایی کند تا بتوانی حقی را که در آن اختلاف می‌کنند تشخیص دهی. خداوند متعال می‌فرماید: «وَمَنْ لَّمْ يَجْعَلِ اللّٰهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُّورٍ»^۳ (و آن که خدا راهش را به هیچ

۱ - کمال‌الدین: ص ۵۲۶ ؛ غیبت طوسی: ص ۳۹۵.

۲ - یونس: ۳۹.

۳ - نور: ۴۰.

نوری روشن نکرده باشد، هیچ نوری فرا راه خویش نیابد). والحمد لله رب العالمین .

شیخ ناظم عقیدر - انصار الامام المهدی علیه السلام

پرسش ۲۸: سید نزد چه کسی درس خوانده و آیا او از نسل امام علیه السلام است

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمین و لعنت دایسر بر دشمنان دین!

سؤال اول: سید احمد الحسن نزد کدام یک از علمای مرجع درس خوانده است و وی از کدام کشور می باشد؟

سؤال دوم: آیا او فرزند مستقیم امام زمان علیه السلام است و امام زمان علیه السلام که جان هایمان فدای وی باد چطور ازدواج کرده اند؟ اسم مادر سید احمد الحسن چیست و از کدام کشور است؟ لطفاً با سند و مدرک به این سؤال هایمان پاسخ دهید و سؤال های دیگری نیز داریم.

صالح المیاحی - العراق

۴ ربیع الثانی ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمین

الصدر للعرب بلانہ و عظیم نعمانہ. اللہم صلبر علی مصلرہ وال مصلرہ. الاسلام علیکم ورحمہ اللہ وبرکاتہ.

جواب سؤال ۱: سید احمد الحسن نزد امام مهدی علیه السلام درس خوانده است و دروسی که مراجع داده و می دهند با وی هیچ ارتباطی ندارد. او مبلغ و نقل کننده از امام مهدی علیه السلام و زمینه ساز ظهور او است و از استان بصره در عراق می باشد.

جواب سؤال ۲: سید احمد الحسن از نسل و نوادگان امام مهدی علیه السلام است و فرزند مستقیم ایشان نمی باشد و ازدواج امام مهدی علیه السلام و نسل ایشان در کتاب «پاسخ کوبنده به منکران ذریه ی قائم» آمده است. ممکن است منظور از فرزند، فرزند مستقیم و یا مراد از آن، نسل و نواده باشد.

امام حسن و حسین و سایر ائمه علیهم السلام فرزندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله خوانده می شوند در حالی که فرزندان مستقیم آن حضرت نیستند بلکه از نسل ایشان و پاره ی تن ایشان، یعنی فاطمه ی زهرا علیها السلام می باشند. امام مهدی علیه السلام نیز در برخی روایات پسر فاطمه علیها السلام خوانده شده است در حالی که فرزند مستقیم ایشان نیست بلکه از نسل و ذریه ی ایشان می باشد.

خداوند متعال در سوره ی یوسف در حکایتی از زبان یعقوب علیه السلام به فرزندش یوسف

می‌فرماید: « وَكَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ وَيَعْلَمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَيَتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ آلِ يَعْقُوبَ كَمَا أَتَمَّهَا عَلَىٰ أَبَوَيْكَ مِنْ قَبْلُ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ »^۱ (و به این گونه پروردگارت تو را برمی‌گزیند و تعبیر خواب‌ها را به تو می‌آموزد و همچنان که نعمت خود را پیش از این بر پدران تو ابراهیم و اسحاق تمام کرده بود، بر تو و خاندان یعقوب هم تمام می‌کند، که پروردگارت دانا و حکیم است). واضح است که پیامبر خدا ابراهیم علیه السلام پدر بدون واسطه‌ی یوسف علیه السلام نیست و با این حال ابراهیم علیه السلام پدر یوسف علیه السلام توصیف شده است.... والحمد لله وحده.

شیخ ناظم عقیدر

انصار امام رضا علیه السلام

پرسش ۲۹: آیا جایز است که زن بدون محرم به زیارت برود؟

آیا جایز است زنی که ازدواج کرده است و ۳۵ سال سن دارد با موافقت همسرش و بدون به همراه داشتن محرم به زیارت امام رضا علیه السلام برود؟ خداوند پاداش نیکو به شما عنایت فرماید!

صلاح الفلاحی - ربیع الثانی ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَالصَّلَاةُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ

الصَّلَاةُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ وَتَعْلِيمِ نِعْمَتِهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

رفتن زن به زیارت امام رضا علیه السلام بدون محرم جایز است اگر همان طور که در سؤال قید شده است، با موافقت شوهرش انجام شود.... والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته. برای جواب از سید احمد الحسن کمک گرفته شده است.

شیخ ناظم عقیدر - انصار امام رضا علیه السلام

پرسش ۳۰: نقشه‌ی دینی که آورده‌اید چیست؟

بِسْمِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ

به سید احمد الحسن.... نظر تان درباره‌ی ولیّ مقدس سید محمد صادق علیه السلام چیست؟

بحث رسالت دینی که آوردید تا حجّتی بر مؤمنان باشید چیست؟
 نیازی نیست که شما برای اثبات دعوت خود نزد مراجعی که شما را تکذیب می‌کنند
 بروی؛ چرا که طبق ادعای خودتان، شما فرستاده‌ی امام (علیه السلام) می‌باشید.
 امیدوارم خودتان به سؤال‌هایم پاسخ گوید.
 توجه: من منکر وجود هر نوع ارتباطی با امام (علیه السلام) نیستم؛ چرا که امام زمان حاضر هستند
 و منتظر ظهور کبرای وی می‌باشیم.

نمیر - ۷ ربيع الثانی ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

الحمد لله رب العالمين، والحمد لله رب العالمين، والحمد لله رب العالمين، والحمد لله رب العالمين.

طبق نظر سید احمد الحسن، شهید محمد صادق صدر یکی از اصلاح‌گران و از کسانی
 می‌باشد که تلاش‌های زیادی جهت زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی (علیه السلام) انجام داده است؛
 رحمت خدا و برکاتش بر او باد!

رسالت سید احمد الحسن حجّیت وی به این صورت است که وی از جانب امام
 مهدی (علیه السلام) فرستاده شده تا امت را از اختلاف و پراکندگی که در بین‌شان حاکم است برهاند و
 آنان را زیر پرچم امام مهدی (علیه السلام) گرد آورد و با تفکر دموکراسی حزبی که مردم آن را به پا
 داشته‌اند به نبرد برخیزد، حاکمیت خداوند را در روی زمین تأیید و تصدیق کند که این
 موضوع را در کتاب خود «حاکمیت خداوند نه حاکمیت مردم» بیان فرموده است و امید
 می‌رود به این کتاب مراجعه و در آن تدبّر شود.

دلایل زیادی برای حقانیت سید احمد الحسن وجود دارد؛ امیدوارم در سایت به آنها
 مراجعه کنید. چند تا از این منابع را به اختصار ذکر می‌کنم: «بلاغ المبين ج ۱»، «پاسخ
 کوبنده» و «پاسخ قاطع» و سایر کتاب‌های انتشارات انصار امام مهدی (علیه السلام).

سنت خداوند درباره‌ی صاحبان دعوت الهی به این صورت است که این دعوت بین مردم
 تبلیغ شود و دلایل این دعوت نیز به آنها گفته شود؛ اگر مردم یا علما مخالف این دعوت‌ها
 باشند و نسبت به آن بی‌اعتنا، باید صاحبان دعوت درهای آنان را بکوبند و دلایل این دعوت
 را به آنها گوش‌زد نمایند که این همان روش انبیا و ائمه (علیهم السلام) است. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) این گونه
 توصیف شده است: «مانند پزشکی دوره‌گرد بود که در میان مردم می‌گشت و بیماران را مداوا

می‌کرد و داروهایش نیز اثر بخش‌ترین بود. حضرت ﷺ در آغاز بعثتش نمایندگانی را نزد پادشاهان فرستاد، مانند پادشاه روم، پادشاه ایران و سایرین، از آنان خواست که به رسالت وی که از سوی خداوند متعال بود، ایمان آورند و خداوند متعال این سنت و روش را در موارد مختلفی در قرآن کریم ذکر فرموده است. از جمله این سخن خداوند متعال در وصف دعوت نوح علیه السلام: « قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا * فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا * وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصْرُوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا * ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا * ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا^۱ » (گفت: ای پروردگار من، قوم خود را شب و روز دعوت کردم * و دعوت من جز به فرارشان نیفزود * و هر بار که دعوتشان کردم تا تو آنها را ببامری، انگشت‌هایشان را در گوش‌های خود کردند و جامه به سر کشیدند و پای فشردند و هر چه بیشتر سرکشی کردند * پس به آواز بلند دعوتشان کردم * باز به آشکار گفتم و در نهان گفتم).

شیخ ناظم عقیدر

انصار امام مهدی علیه السلام

پرسش ۳۱: شناخت شجره‌نامه‌ی کامل

سلام علیکم.... مایلیم شجره‌نامه‌ی کامل سید احمد را بدانم.

احمد - ۸ ربیع الأول ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

الحمد لله رب العالمين و عظیم نعمته. اللهم صل على محمد و آل محمد. السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

اول: درخواست برادر احمد جهت اطلاع از شجره‌نامه‌ی کامل سید احمد الحسن هیچ نفعی برای شناخت حقانیت سید احمد الحسن ندارد؛ چون وی تقریباً از نسل پنجم مقطوع النسب می‌باشد.

دوم: باید شما روی این موارد تحقیق نمایید: آیا وی واقعاً فرستاده‌ای از سوی امام مهدی علیه السلام است یا نه؟ اگر ثابت شد، همه‌ی آن چیزهایی که می‌گوید، ثابت و بر مردم حجت

می‌گردد. مسأله‌ی اثبات نسب و نسل امام مهدی (علیه السلام) جز از طریق خداوند و خود امام مهدی (علیه السلام) امکان پذیر نیست؛ چرا که مردم از این موضوع اطلاع ندارند و از آنها مخفی می‌باشد. اگر مایل به کسب اطلاعات بیشتر در خصوص نسل امام (علیه السلام) هستید مراجعه به کتاب «پاسخ قاطع به منکران ذریه‌ی قائم» از انتشارات امام مهدی (علیه السلام) را به شما پیشنهاد می‌کنم.

خداوند شما را برای شناخت حق و پیروی از آن و ثابت بودن بر آن توفیق عطا فرماید....
والسلام علیکم.... والحمد لله وحده.

شیخ ناظم عقیلی
انصار امام مهدی (علیه السلام)

پرسش ۳۲: شناخت اصل موضوعی که به آن دعوت می‌نمایید

سلام علیکم و رحمة الله وبرکاته.... من یکی از برادران شما و شیعه‌ی امامی هستم و از نوع متعصب آن نسبت به هر موضوعی که در اجتماع مطرح می‌شود، نمی‌باشم. در خصوص چیزهایی که شنیده‌ام، مسایلی دارم که مطرح می‌نمایم و ان شاء الله آنچه شنیده‌ام خیر باشد.... امیدوارم با سینه‌ای باز به سؤال‌هایم پاسخ دهید. به اعتقاد من این حق یک فرد است که بپرسد وجست‌وجو کند به ویژه اگر مربوط به دین و اعتقادات فرد باشد که خداوند سبحان نیز به آن امر فرموده است.... باتشکر.

اول: می‌خواهم بدانم اصل موضوعی که شما برای دعوت به آن آمدید، چیست؟ داستان سید احمد الحسن که طبق گفته‌ی شما وصی و فرستاده‌ی امام زمان (علیه السلام) است، چیست؟ دلایل شما برای این وصایت و جانشینی چیست؟ آیا او معجزاتی دارد؟ چرا که معجزه در این گونه مسایل حکم کننده است، به ویژه اینکه در این زمان مدعیان زیادی وجود دارند (خداوند شما را از این گونه مدعیان قرار ندهد).

اگر شما آن گونه هستید که می‌گویید پایه‌هایی که دعوت شما بر آن استوار است چیست؟

امیدوارم برخی از سؤال‌های مرا به حساب تعصب نگذارید؛ سؤال‌های من استفهامی هستند نه به جهت انکار.... تا زمانی که دلیل مثبت یا منفی از سوی شما نیابم، موضع بی‌طرفی اتخاذ می‌کنم تا خداوند حکم کند که او بهترین حکم کننده‌ها است.... از شما بسیار

سپاس گزارم والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

سؤال کننده... ابو صالح

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

الحمد لله رب العالمين و عظيم نعمته. اللهم صل على محمد و آل محمد. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

در آغاز مايلم از برادر ابوصالح علی حسن به خاطر ارسال این نامه و جست‌وجوی وی درباره‌ی حقیقت تشکر کنم و از خداوند می‌خواهم که شما برای شناخت حقیقت و یاری آن و ثابن بودن بر آن موفق بدارد.

اصل موضوع دعوت سید احمد الحسن این است که وی از جانب امام مهدی (علیه السلام) فرستاده شده است تا این امت را از پراکندگی و تفرقه به اتحاد برساند و به سوی یاری امام مهدی (علیه السلام) سوق دهد.

و اما داستان سید احمد بسیار طولانی است و در سایت با عنوان «داستان ملاقات من با امام مهدی (علیه السلام)» موجود می‌باشد و پاسخ به این سؤال شما بسیار طولانی می‌باشد. خواهش می‌کنم به انتشارات امام مهدی (علیه السلام) در سایت مذکور مراجعه نمایید؛ از جمله «بلاغ المبين جلد ۱»، «پاسخ کوبنده» و «پاسخ قاطع» و سایر موارد که کفایت می‌کنند.

از مهم‌ترین ارکان دعوت سید احمد الحسن، اجرا و تطبیق حاکمیت خداوند سبحان و متعال و رد حاکمیت مردم (تفکر دموکراسی عربی) می‌باشد. سید احمد درباره‌ی این موضوع در کتاب خود به نام «حاکمیت خدا نه حاکمیت مردم» به بحث و بررسی پرداخته است. می‌توانید از طریق این سایت به آن دسترسی داشته باشید. از خداوند توفیق راهنمایی و هدایت بر هر خیری را برایتان مسئلت می‌نمایم... والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته... والحمد لله وحده.

شیخ ناظم عقیدر

انصار امام مهدی (علیه السلام)

پرسش ۳۳: چطور می‌توان چنین ادعایی را تصدیق نمود؟!

بسم الله الرحمن الرحيم

چطور می‌توان چنین ادعایی را تصدیق نمود؟! چیزی که همه‌ی علما به طور کلی و جزئی آن را رد کرده‌اند و می‌گویند هیچ سفیری بعد از وفات سفیر چهارم وجود ندارد! در این خصوص چه می‌گویید؟

عبد الله ساعدی - ۲۴ ربیع الثانی ۱۴۲۶ هـ . ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

همه‌ی علما چنین چیزی را رد نکرده‌اند بلکه علمایی هستند که بیعت و از حقیقت پیروی نمودند؛ از جمله‌ی این علما سید حسن حمّامی فرزند فقیه و مرجع دینی سید محمد علی حمّامی رحمته الله می‌باشد. بعضی از علما نیز مردّد هستند.

حتی اگر همه‌ی علما حق را نپذیرند، نپذیرفتن‌شان دلیل بر باطل بودن حق نیست؛ آیا نپذیرفتن دعوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله از جانب علمای یهود، مسیحی و... در آغاز دعوت ایشان دلیل بر باطل بودن دعوت اسلامی محمدی بود؟!!

اصحاح الصغیر - ج۱ ص ۱۴۲۶ هـ - ق

پرسش ۳۴: ادعای قیسی و نامه‌ی تکذیبیه‌ی نامه‌ی وصایت

بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، والسلام مع اتبع الهدى و عرف اليقين، اما بعد....

ای مدعی رسالت و وصایت! بدان، هر امری دو وجه دارد: وجه معلوم و وجه مجهول؛ که این قاعده همه‌ی امور این دنیای فانی را شامل می‌شود. ولی سخن تو درباره‌ی جاننشینی و سفارت، دروغ محض است و با روایاتی که از زبان معصومین علیهم السلام وارد شده، منافات دارد. اما درباره‌ی این سخن تو که نماینده‌ی امام هستی: برای آن حضرت علیه السلام شایسته‌تر است خودش ظهور کند نه به واسطه‌ی احمد الحسن که قصدش از نوشتن کتاب‌هایش جمع‌آوری درهم و دینار و تخریب شئونات حوزه می‌باشد!

ای مدعی متوهم! برتر از آنچه ادعا می‌کنی، اصلاح نمودن است، اما به نام خودت و نه به نام امامت، که این به تقوی و راست‌گویی نزدیک‌تر است ولی تو حتی گِل را از خشت تشخیص نمی‌دهی! حتی وضعیت را بدتر کردی و خودت را پنجمین سفیر قرار دادی و باعث شدی مورد تمسخر دیگران قرار گیری.

جایگاه امام علیه السلام والاتر و برتر از آن است که کسی مثل تو که نمی‌تواند حق را از باطل

تشخیص دهد نماینده‌ی وی باشد. سفارت جز بحث بین طلبه‌های حوزه نیست؛ کسانی که از فهم و ادراک حق بهره‌ای ندارند مگر احکام مُتعه و خمس و نفاس و به هم بافتن آیات قرآن و حفظ کردن برخی روایات منسوب به ائمه علیهم‌السلام. اگر در ادعایت صادق هستی که هرگز چنین نیست، من تو را به مناقشه از طریق اینترنت دعوت می‌کنم تا کوتاهی فکر تو آشکار شود؛ کوتاهی از شناخت و معرفت امام علیه‌السلام و اینکه چرا ایشان غایب و از نظر مردم پنهان شدند تا چون تویی فرستاده‌ی انتخاب شده‌ی او و همچنین وصی مؤید به جبرئیل و میکائیل همانند محمد ابن عبد الله رضی الله عنه باشی تا مردم ساده‌دل را با این اسم‌ها بترسانی.

تو را به مناظره می‌طلبم تا حقیقت جبرئیل و تمثیل رسول اعظم را بدانی؛ فرشته و فرستاده‌ای که امروز به خاطر مقام مسخره‌اش تو را تأیید می‌کند و بال‌هایش را روی کتف‌های تو می‌گذارد! سپاس خداوندی را که نابینا را با بصیرت هدایت کرد و اراده فرمود و تقدیر کرد و حمد و سپاس بسیار خداوند را برای همه‌ی نعمت‌هایش!

اما بدبخت‌هایی که از تو پیروی می‌کنند، به واقع، شیطان بصیرت را از آنها گرفته و آنها را کور کرده است. پس از خداوند برای ایشان طلب هدایت می‌کنم. اگر ذره‌ای عقل در وجودشان بود از تو پیروی نمی‌کردند تا طریقت امام را با پیروی از قصاب دزدِ دروغ‌گویی که به اسم امام عمل می‌کند، سلاخی کنند!

بدان ای فلانی، تو اولین کسی نیستی که ادعا می‌کنی و آخرین هم نخواهی بود. این طور نیست که هر کس شام زیادی بخورد و بخوابد و در خوابش یک رؤیا ببیند، باید از او پیروی نمود. نصیحت می‌کنم شب‌ها دیگر شام نخوری تا با شکم خالی و راحت بخوابی، و دیگر این چرندیات را نبافی و از خداوند به خاطر عقل‌هایی که فاسد کردی طلب مغفرت نمایی.

خداوند! من بسیار نصیحت کردم و آنان را به راه صواب دعوت کردم. خدایا، خودت گواه باش!

بنده‌ی فقیر خداوند

علی القیسی - فرستاده‌ی انسانیت معذب - وصی بیچارگان

۲۴ ربیع الثانی ۱۴۲۶ هـ ق

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى رَسُوْلِکَ... اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى رَسُوْلِکَ...

من به خدا سوگند به خاطر چیزهایی که صبح امروز در حق شما نوشتم، متأسفم. به طور

کلی از خداوند طلب مغفرت می‌کنم؛ چرا که من از حدّ یک مریض روانی و دیوانه پا را فراتر گذاشتم! از خداوند می‌خواهم که به شما عاقبت دهد و شما را شفا بخشد و راه تیمارستان را به خانواده‌ات نشان دهد تا تو از این بیماریت رها شوی. گاهی کسانی را می‌یابی که به حرف‌هایت گوش و تو را باور می‌کنند؛ از خداوند برای همه‌ی مریض‌ها طلب شفا می‌کنم!!
دعا کننده برای عاقبت.... علی قیسی.... هموطن نیکوکار

این خارج از موضوع است ولی هدیه‌ای از طرف من می‌باشد:

موضوع موسی و دریا آن گونه که تو تصوّر می‌کنی نیست؛ بلکه عبارت از یک جزر و مدّ می‌باشد و این یک رخداد طبیعی است که اتفاق می‌افتد و از همین رو بود که فرعون، موسی را تعقیب نمود؛ ولی اگر آن طور بود که تو تصوّر می‌کنی هرگز به آن دریا وارد نمی‌شد؛ مگر دیوانه‌ای مثل تو و سپاهیان!

علی قیسی - بغداد

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

منتظر جواب سید احمد الحسن - یمانی موعود- باش. به خطبه‌ی وی در آدرس زیر گوش بده:

http://home.ripway.com/2005-3/268344/kh_s/kh_s01.htm

ما به خاطر این سخنان از تو تشکر می‌کنیم؛ چرا که تو یکی از دلایلی که حقانیت دعوت سید احمد الحسن و کسانی که پیروی‌اش می‌کنند را ثابت می‌کند را اثبات نمودی؛ این دلیل، یکی از دلایلی است که ما علیه تکذیب‌کنندگان استفاده می‌کنیم و آن:

متهم نمودن سید احمد الحسن به دیوانگی و بیماری است؛ تهمت‌ی که تقریباً هیچ نبی‌ای از انبیا و هیچ وصی‌ای از اوصیا از آن برکنار نبوده است. آیا اهل مکه هنگام ورود حضرت محمد ﷺ به مکه از وی استقبال کردند یا بر او بانگ فریاد برآوردند؟ و با کلمات عامیانه او را «... مخبل» یعنی مجنون و دیوانه خواندند، و به طرف وی سنگ پرتاب کردند و دنده‌های حضرت زهرا (علیها السلام) را شکستند. قرآن ده‌ها آیه ذکر کرده که مردم انبیا را با کلماتی مانند دیوانه، ساحر و نظایر آن و یاران‌شان را نیز ارازل و فرومایه توصیف نمودند؛ که هرگز چنین نبوده‌اند!

۱ - برای شناخت کیفیت اعتراض‌های معترضین به حجّت‌های خداوند سبحان به کتاب «اعتراض‌کنندگان به جانشینان خداوند» از انتشارات انصار مهدی (علیهم السلام) مراجعه نمایید.

آیا هیچ شنیده‌اید که به ابولهب، فرعون، معاویه یا صدام مجرم، لقب دیوانه بدهند؟ آنها همگی مورد احترام و تکریم بودند! لعنت خدا بر همه‌ی آنها باد!

در مقایسه با آن زمان، ما در بدترین زمان به سر می‌بریم. پیروزی حتماً اتفاق خواهد افتاد. لعنت خدا به دجال یک‌چشم که از سیستان بلند خروج می‌کند؛ طبق روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) که در تعدادی از منابع بزرگ حدیث بیان نموده‌اند. لعنت خدا بر دجال بزرگ، لعنت بر سفیانی.

این بود جواب ما انصار؛ انصار خدای انبیا، فرستادگان، امام حسین (علیه‌السلام) و مهدی (علیه‌السلام). بعد از این، منتظر پاسخ سید احمد الحسن باش. هر چند ما می‌خواستیم که تو قسم براثت یاد کنی و بگویی: «أَبْرَأُ مِنْ حَوْلِ اللَّهِ وَ قُوْتِهِ إِلَى حَوْلِي وَ قُوْتِي، إِنْ كَانَ السَّيِّدُ أَحْمَدُ الْحَسَنِ رَسُولَ وَ وَصِيَّ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ» (از حول و قوه‌ی الهی خودم را خارج می‌کنم و به حول و قوه‌ی خودم پناه می‌برم اگر که سید احمد الحسن فرستاده و وصی امام مهدی باشد)؛ ولی تو را نصیحت می‌کنیم که این کلمات را ادا نکنی مگر بعد از پاسخ سید احمد الحسن؛ شاید که به دست او هدایت شوی!

برادر دیوانه‌ی من و در عین حال با صدها تفسیر؟

سلام بر یمانی، سلام بر یمانی.

انصار امام مهر - ربيع الثانی ۱۴۲۶ هـ - ق

پاسخ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَالصَّلَاةُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ

خداوند متعال می‌فرماید: «فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطُّوْدِ الْعَظِيمِ»^۲ (پس به موسی وحی کردیم که: عصایت را بر دریا بزن. دریا بشکافت و هر پاره، چون کوهی عظیم گشت). در این آیه: «فَانْفَلَقَ، كُلُّ فِرْقٍ... كَالطُّوْدِ الْعَظِيمِ»: فانلق (شکافت)، کل فرق (هر پاره) کالطود العظیم (مانند کوهی بزرگ). بعضی از جاهلان به حقیقت، تمام اینها را به جزر و مد تأویل می‌کنند. در جزر، آب فقط به یک طرف حرکت می‌کند و نمی‌شکافت تا دو پاره شود و هر قسمت ارتفاعی به اندازه‌ی کوهی عظیم از زمین پیدا کند!

۱ - سیستان: استانی از استان‌های شرقی ایران است. شیخ عباس قمی در الکنی و الاقاب می‌گوید: سجستان معرب سیستان، ناحیه‌ی بزرگ وسیعی واقع در جنوب هرات است که زمینش رمله‌زار (شن‌زار) و رستم نیرومند منسوب به آنجا می‌باشد. الکنی و الاقاب: ج ۱ ص ۴۵.

به کسانی که از حقیقت بی‌خبرند می‌گویم که این آیه و نشانه درباره‌ی یوشع بن نون علیه السلام و وصی علیه السلام موسی علیه السلام و سپاهیانش نیز اتفاق افتاده است؛ رود می‌شکافت و آنها به ساحل می‌رسند. چنین حادثه‌ای برای ایلیا علیه السلام (الیاس) و وصی علیه السلام وی یسع علیه السلام نیز اتفاق افتاده و داستانش در تورات آمده است که رودخانه برای وی می‌شکافت. آیا پدیده‌ی جزر و مد به رودخانه‌ها انتقال یافته است!!

اما در مورد سایر سخنان قیسی.... پاسخشان در کتاب خدا وجود دارد: «ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ * مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَحْنُونَ * وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ * وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ * فَسَتَبْصِرُ وَيَصْبِرُونَ * بِأَبْصَارِ الْمُفْتُونِ»^۱ (نون. سوگند به قلم و آنچه می‌نویسند * که تو، به فضل پروردگارت، دیوانه نیستی * و تو را پاداشی پایان‌ناپذیر است * و تو بر خلقی عظیم هستی * زودا که تو بینی و آنها نیز ببینند * که دیوانگی در کدام یک از شما است).

و پاسخ وی از کتاب خداوند: «افْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ * مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرِ مِنْ رَبِّهِمْ مُحَدَّثٍ إِلَّا اسْتَمَعُوهُ وَهُمْ يَلْعَبُونَ * لَاهِيَةً قُلُوبُهُمْ وَأَسْرَأَ النَّجْوَى الَّذِينَ ظَلَمُوا هَلْ هَذَا إِلَّا بَشْرٌ مِثْلُكُمْ أَفَتَأْتُونَ السَّحْرَ وَأَنْتُمْ تُبْصِرُونَ * قَالَ رَبِّي يَعْلَمُ الْقَوْلَ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ * بَلْ قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ بَلْ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بِآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأُولُونَ»^۲ (روز حساب مردم نزدیک شد و آنان همچنان در غفلت روی گرداندند * از سوی پروردگارشان برایشان هیچ اندرز تازه‌ای نیامد، جز آنکه آن را شنیدند و سرگرم بازیچه بودند * دل‌های‌شان به لهو خو گرفته است و آن ستمگران سر در گوش یکدیگر نهادند و گفتند: آیا این مرد جز این است که انسانی همانند شما می‌باشد؟ آیا با آنکه به چشم خود می‌بینید، همچنان از پی جادو می‌روید؟ * گفت: پروردگار من از هر سخنی در آسمان و زمین آگاه است و او شنوا و دانا است * گفتند: نه، خواب‌های پریشان است، یا دروغی است که به هم می‌یابد یا شاعری است؛ پس برای ما از آن گونه که به پیامبران پیشین داده شده بود، معجزه‌ای بیاورد).

و پاسخ او در این سخن خداوند متعال: «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا»^۳ (محمد پدر هیچ یک از مردان شما نیست، او رسول خدا و خاتم پیامبران است، و خداوند به هر چیزی دانا است)، «... يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا * وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا * وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا * وَلَا تَطْعُ

۱ - قلم: ۱ تا ۶.

۲ - انبیا: ۱ تا ۵.

۳ - احزاب: ۴۰.

الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَدَعَا أُمَّهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا^۱ (ای پیامبر، ما تو را فرستادیم تا شاهد و مؤدبه‌دهنده و بیم‌دهنده باشی * و مردم را به فرمان خدا به سوی او بخوانی و چراغی تابناک باشی * و مؤمنان را بشارت ده که از سوی خدا برایشان فضیلتی بزرگ آمده است * از کافران و منافقان اطاعت مکن و آزارشان را واگذار و بر خدا توکل کن، که کارسازی را خدا بسنده است).

اصد الصبح - جمار الاول ۱۴۲۶

پرسش ۳۵: سؤال ماجد المهدی درباره‌ی دو اسم مخفی در سوره‌ی فاتحه

بسم الله الرحمن الرحيم، الصمد لله الصلوة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين. سيد اصد الصبح ...
... السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

من مؤلف تحقیقی درباره‌ی امام زمان (علیه السلام) هستم با عنوان «آغاز جنگ آمریکا علیه امام مهدی (علیه السلام)». می‌توانید این کتاب را در سایت زیر ببینید....

<http://www.geocities.com/almahdion2022>

یکی از برادران، ادعای شما را به من اطلاع داد و آدرس سایت شما را به من داد تا بتوانم بیشتر از نظریات و ایده‌های شما آگاهی یابم. از این سختم معذرت می‌خواهم ولی من چنین می‌پندارم که سخن شما به هیچ دردی نمی‌خورد و این ادعایی است که بسیاری از مردم در طول تاریخ بارها آن را ادعا کرده‌اند و برای من ثابت نشده است که امام زمان (علیه السلام) فرستاده‌ای از جانب خود برای مردم خواهد فرستاد. من چیزهایی فهمیده‌ام که آنها را در کتابم ذکر نکرده‌ام. اگر آنچه را که می‌گویید واقعیت داشته باشد باید به آن احاطه‌ی کامل داشته باشید؛ چرا که شما ادعا می‌کنید عالم‌ترین مردم به کتاب خداوند سبحان و متعال می‌باشید. سؤال من این است.... دو اسم که در سوره‌ی فاتحه پنهان‌اند و از آن قابل استخراج می‌باشند و آن دو اسم به شکلی نامألوف نوشته شده، یکی از آنها از راست به چپ و دیگری از چپ به راست نوشته شده است؛ این دو اسم کدام‌اند و چطور آنها استخراج می‌شوند؟ اگر من جوابی از شما دریافت کنم انشاء الله با شما بیعت خواهم کرد اما اگر پاسخی قانع‌کننده از شما دریافت نکردم، دلیلی بر باطل بودن ادعای شما خواهد بود.

والصمد لله الرحمن الرحيم: انذرهم ان يهزوا و ما كنا لننهدوا لولا ان اخبرهم الله عن سيدنا محمد و عده

کتاب الطبیع (طاهر صبح)

ماجد المهدی

۲۴ ربیع الثانی ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم اللّٰه صبح الرّحیم، والصدق للرب العالمین، وصدور اللعین من صدور الائم، والصدور المبرحین
 «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّمَنْ خَافَ عَذَابَ الْآخِرَةِ ذَلِكَ يَوْمٌ مَّجْمُوعٌ لَّهُ النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُودٌ * وَمَا نُؤَخِّرُهُ إِلَّا لِأَجَلٍ مَّعْدُودٍ»^۱ (در اینها برای کسانی که از عذاب آخرت بیمناک اند عبرتی است. در آن روز که مردم گرد آورده شوند و آن روز که مردم را در آن حاضر آورند * و جز تا اندک مدتی به تأخیرش نمی اندازیم).

۱- اگر تو اندک اطلاعی (و نه اطلاعاتی وسیع) از کتاب‌های «متشابهات، تفسیر سوره‌ی فاتحه و روشنگری‌هایی از دعوت‌های فرستادگان و فتنه‌ی گوساله» که در سایت وجود دارد، داشتی که به نظر تو به هیچ دردی نمی‌خورند، می‌فهمیدی که در آنجا بیان نمودم که تمامی اسامی خداوند سبحان و متعال و همچنین اسم پیامبر اکرم ﷺ و علی ﷺ و فاطمه ﷺ و ائمه ﷺ و مهدیین ﷺ در سوره‌ی فاتحه وجود دارد.

۲- اگر کلام من به هیچ دردی نمی‌خورد، جایی برای عذرخواهی وجود ندارد؛ ولی اگر بر عکس باشد، هیچ عذرخواهی جایز نخواهد بود مگر استغفار و طلب توبه از خداوند واحد قهار.

۳- اگر برایت ثابت نشده است که امام مهدی ﷺ فرستاده‌ای را برای مردم خواهد فرستاد، آیا محمد دارای نفس زکیه، فرستاده نیست؟! آیا یمانی فرستاده نیست؟ آیا خروج‌کننده از مشرق، فرستاده نیست؟ روایت‌هایی که از آل محمد ﷺ وارد شده است را بخوان و روایت‌هایی را که شیخ ناظم عقلی (که خداوند حفظش کند) در کتاب خود «پاسخ کوبنده» به آنها استدلال کرده را نیز بخوان؛ این کتاب عبارت است از مناظره‌ای بین شیخ ناظم عقلی و سید علی سیستانی و دفتر و مرکز تحقیقات عقایدی وابسته به او. شاید خداوند قلبت را نورانی و به حق هدایت کند. این هم گوهری از دریای امیر مؤمنان علی ﷺ که در آن مرا ذکر فرموده است:

از اصیغ بن نباته روایت شده است که گفت: خدمت امیرالمومنین علیه السلام آمدم، دیدم ایشان چوبی در دست گرفته بود و به زمین می‌زند. به ایشان عرض کردم: ای امیرالمومنین! چه شده است که شما را می‌بینم متفکرانه سر چوب را به زمین می‌زنید؟ آیا به این زمین علاقه‌ای دارید؟ حضرت فرمود: «خیر، به خدا قسم که هیچ وقت رغبتی به زمین و دنیا نداشته‌ام، لکن در مورد مولودی فکر می‌کنم که از نسل فرزند یازدهم از فرزندانم می‌باشد، او همان مهدی است که زمین را پر از عدل و داد می‌کند چنان که از ظلم و جور پر شده است. حیرت و غیبتی برای او پیش می‌آید که در آن بعضی از اقوام گمراه و بعضی دیگر هدایت می‌شوند». عرض کردم: ای امیرالمومنین! حیرت و غیبت چه مدتی خواهد بود؟ حضرت فرمود: «شش روز یا شش ماه یا شش سال». عرض کردم: آیا واقعاً این امر صورت می‌گیرد؟ فرمود: «آری، گویی او خلق شده است، ولی ای اصیغ تو را با این امر چه کار است؟ آنها نیکان این امتند همراه با نیکان این عترت». عرض کردم: بعد از آن چه می‌شود؟ فرمود: «پس از آن، هر چه خدا خواهد می‌شود زیرا برای خدا بداءها و اراده‌ها و غایات و پایان‌ها است (هر طور که خدای تعالی بخواهد عمل می‌کند)».

یازدهمین فرزند امیرالمومنین علیه السلام، امام مهدی علیه السلام است و کسی که از نسل او است، مهدی اول از مهدیون دوازده‌گانه که وصی و فرستاده‌ی امام مهدی علیه السلام می‌باشد. در دعای امام رضا علیه السلام برای امام مهدی علیه السلام آمده است: «... خدایا! به وی و خانواده‌اش و پسرش و اولادش و امتش و همگی پیروانش چیزی را عطا فرما که با آن شادمان شود...»^۱. این فرزندی که امام رضا علیه السلام در دعایش ذکر فرموده همان مهدی اول، وصی و فرستاده‌ی امام مهدی علیه السلام می‌باشد. پس خدا را حمد و سپاس می‌گوییم که مرا نزد خودش و پدرانم، رسول اکرم صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمه علیهم السلام یاد کرد و آنها علیهم السلام مرا فراموش نکردند. به علاوه تو خود در کتابت فرستاده شدن فرستاده‌ای از جانب امام مهدی علیه السلام را واجب دانسته‌ای؛ در فصل سوم کتابت گفته‌ای:

«امیدوارم خواننده‌ی این کتاب مانند کسانی نباشد که به موسی علیه السلام

۱- غیبت طوسی: ص ۱۶۴ تا ۱۶۶ ح ۱۲۷ و ص ۳۳۶ ح ۲۸۲ ؛ دلایل الاثمه طبری (شیعه): ص ۵۲۹ و ۵۳۰ ح ۵۰۴ ؛ اختصاص شیخ مفید: ص ۲۰۹ ؛ هدایت الکبری حسین بن حمدان خصیعی: ص ۳۶۲ با کمی اختلاف.

۲ - غیبت طوسی: ص ۲۷۹ ؛ جمال الاسبوع: ص ۳۰۶ ؛ مصباح کفعمی: ص ۵۴۷ ؛ مفاتیح الجنان: ص ۶۱۸.

گفتند: خداوند را آشکارا به ما نشان بده. اکنون اگر فرض کنیم خداوند سبحان و متعال بخواهد به مردم بگوید که ظهور امام مهدی (علیه السلام) نزدیک (ان شاء الله) و بر آنها واجب است که او را یاری نمایند و پرچم لا اله الا الله و محمد رسول الله را بالا ببرند، چگونه برای مردم واضح و به ایشان تبلیغ خواهد شد؟ بنابراین، خداوند متعال باید یکی از بندگان خود را انتخاب فرماید تا در وقت مناسب آنچه اراده می‌فرماید را به دست او اجرا کند، تا این امر ضروری در وقتش اعلام و حجت بالغه بر بندگان اقامه گردد».

آیا آنچه در کتابت نوشته‌ای را فراموش کردی یا خود را به فراموشی می‌زنی؟!

۴ - چطور چنین تصور می‌کنی که اگر من به چیزهایی که تو از محاسبات خودت (با برعکس کردن کلمات) به دست می‌آوری و تصور می‌کنی که درست است، وارد نشوم، ادعاهای من باطل است. ای سعده، شترها را اینچنین آب نمی‌دهند!

۵ - اگر به روش خودت در حساب اعداد پایبند هستی و به درست و حق بودنش یقین داری، به همان روش خودت و به روشی که حساب اعداد برای تو ثابت شده است و می‌خواهی آن را به مردم ثابت کنی، با من حساب کن:

من هو احمد = هو رسول المهدی؛ همان طور که در فصل سوم کتابت حساب کردی:
من هو محمد = هو نبی الله. المهدی با جمع بزرگ با عدد ۹۰ حساب و با جمع کوچک به ۹ تبدیل می‌گردد؛ همان گونه که در کتابت «محمد» را اینچنین حساب کردی.

$$م + ن + ه + و + ا + ح + م + د = ۵ + ۵ + ۴ + ۱ + ۶ + ۸ + ۴ = ۳۷$$

$$ه + و + ر + س + و + ل + (ال م ه دی) = ۵ + ۶ + ۲ + ۶ + ۳ + (۹) = ۳۷$$

همچنین حساب کن: «ما هو کتاب الله» را برابر می‌یابی با «هو رسول المهدی» همان طور که در کتابت حساب کردی: ما هو کتاب الله، هو القرآن الکریم.

$$م + ا + ه + و + ک + ت + ا + ب + ا + ل + ل + ه = ۴ + ۱ + ۵ + ۶ + ۲ = ۳۷$$

$$۳۷ = ۵ + ۳ + ۳ + ۱ + ۲ + ۱ + ۴$$

$$ه + و + ر + س + و + ل + (ال م ه دی) = ۵ + ۶ + ۲ + ۶ + ۳ + (۹) = ۳۷$$

$$ه + و + ا + ل + ق + ر + ا + ن + ا + ل + ک + ر + ی + م = ۵ + ۶ + ۱ + ۳ +$$

$$۳۷ = ۴ + ۱ + ۲ + ۲ + ۳ + ۱ + ۵ + ۱ + ۲ + ۱$$

پس برای تو آشکار شد که احمد، فرستاده‌ی مهدی است و همچنین کتاب خدا و قرآن ناطق است، با همان روشی که تو آن را در کتابت «شروع جنگ آمریکا علیه امام مهدی» دلیلی برای درست بودن علم حروف قرار دادی. از خداوند بترس و به سخن امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در حق خاندان محمد (صلی الله علیه و آله) فرمود: «ولا تعلموهم فانهم اعلم منکم»^۱ (به آنان آموزش ندهید که از شما عالم‌تراند).

به این ترتیب، با همان روشی که خودت در کتابت اقرار نمودی، حجت بر تو تمام شد؛ پس روی برگرداندن و پاسخ نگفتن شما مورد قبول نخواهد بود. حال از اسرار عدد ۳۷ برایت چیزهایی روشن می‌کنم.

خداوند متعال می‌فرماید: «فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةَ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلَهُ حَاضِرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ»^۲ (سه روز در حج روزه بدارد و هفت روز چون از حج بازگردد، تا ده روز کامل شود و این حکم برای کسی است که از مردم مکه نباشد).

ده، همان آسمان‌های هفت‌گانه (عرش عظیم) + کرسی + عرش اعظم + سرادق عرش اعظم است و این سه مورد یعنی خانه‌ی خدا، شهر کمالات الهی در مخلوقات و شهر علم حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) پس هر کس از خاندان محمد (صلی الله علیه و آله) باشد، ده‌گانه‌ی ایمان او در حج یعنی در خانه‌ی خدا یعنی در مدینه‌ی علم یعنی در خانه‌ی نبوت و معدن رسالت می‌باشد؛ برای کسب اطلاعات بیشتر به کتاب مشابهاات جلد ۳، سؤال درباره‌ی راز عدد چهل و سؤال درباره‌ی عرش و کرسی، مراجعه نما.

۱ - عدد ۳۷ از دو عدد ۳ و ۷ تشکیل شده است که جمع‌شان ۱۰ می‌شود که همان مراتب ده‌گانه‌ی توحید است. پس هر کس آن را انجام دهد و به حج خانه‌ی خدا برود و شهر علم را زیارت کند و عقلش کامل گردد و جزو سیصد و سیزده نفر شود، از ما اهل بیت به

۱ - امیر مومنان (علیه السلام) در یکی از خطبه‌هایش فرمود: «... و قطعاً دانستید و مستحفظان از اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را شناختید. من و اهل بیتم از گناهان مبرا هستیم. ایشان (صلی الله علیه و آله) فرمود: از آنها پیشی نگیرید که همراه می‌شوید و با آنها مخالفت نکنید که در جهل می‌مانید و از ایشان عقب‌نمانید که هلاک می‌گردید. به آنها نیاموزید که ایشان از شما عالم‌تراند و کوچک‌هایشان از شما حکیم‌تر...». مصباح البلاغه، مستدرک نهج البلاغه: ج ۱ ص ۱۴۲.

شمار می‌رود. این مضمون از پدرانم علیهم‌السلام روایت شده است: «ایمان ده درجه دارد^۱ و سلمان همدی این ده درجه را به پایان رسانید، درود خدا بر سلمان باد. پس سلمان از ما اهل بیت است»^۲. ما اهل بیتیم و درجات دهگانه در حج و در خانه‌ی خدا.

۲ - عدد ۳۷ از ۱۰ + ۲۷ تشکیل شده است؛ ۱۰ همان ده‌گانه‌ی حج و ۲۷ علمی است که انتشارش بین مردم اجازه داده شده است، همان طور که در روایات اهل بیت علیهم‌السلام آمده است. پس هر کس ده‌گانه‌ی حج (درجات ده‌گانه‌ی ایمان) را تمام کند می‌تواند حامل ۲۷ حرف توحید که امام مهدی علیه‌السلام منتشر می‌سازد، باشد.

خداوند متعال می‌فرماید: «وَتُرِيدُ أَنْ مَنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجَعْلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^۳ (و ما بر آن هستیم که بر کسانی که روی زمین به استضعاف کشیده شدند ممت گذاریم و آنان را پیشوایان سازیم و وارثان گردانیم).

کسانی که خداوند اراده می‌فرماید تا ائمه قرار دهد، خاندان محمد علیه‌السلام ائمه و مهدیون علیهم‌السلام و نیز سید و سیزده یار امام مهدی علیه‌السلام می‌باشند و این سر و راز آغاز سوره‌ی قصص یعنی «طسم» است؛ اگر عدد این حروف مقطعه را با جمع بزرگ حساب کنی:

$$ط + س + م = ۹ + ۶۰ + ۴۰ = ۱۰۹$$

پس نتیجه ۹ + ۱۰۰ می‌باشد و اگر آن را به جمع کوچک تبدیل کنی ۹ + ۱ نتیجه ۱۰ می‌شود و این همان ده‌گانه‌ی حج مربوط به ائمه (سید و سیزده) است که در آیه ذکر شده است و همان ده‌گانه‌ی توحید می‌باشد. هر کس به حج خانه‌ی خدا برود، به آن آراسته و عقلش کامل می‌گردد و یقین پیدا می‌کند و همه چیز برایش ثابت می‌گردد و خداوند سبحان

۱ - از عبد العزیز قراطیسی نقل شده است که گفت: ابو عبدالله علیه‌السلام به من فرمود: «ای عبد العزیز، ایمان ده درجه دارد که مانند نردبان است که پله پله باید از آن بالا رفت. فردی که دو پله بالا رفته نباید به کسی که در پله‌ی اول است بگوید که تو بهره‌ای نداری، تا اینکه به دهمین پله برسد. کسی که پایین‌تر از خودت است را ساقط نکن تا بالاتر از تو، تو را ساقط نکند و اگر کسی را در درجه‌ای پایین‌تر از خودت دیدی، او را با محبت بالا بکشی و بر او بیش از توانش تحمیل مکن که می‌شکند و اگر کسی مومنی را بشکند، شکسته‌بندی‌اش بر او واجب می‌گردد». کافی: ج ۲ ص ۴۵.

۲ - پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «سلمان از ما اهل بیت است». عیون اخبار رضا علیه‌السلام ج ۱ ص ۷۰.

از ابو عبدالله علیه‌السلام نقل شده است که فرمود: «ایمان ده درجه دارد؛ مقدار در درجه‌ی هشتم، ابوذر در درجه‌ی نهم و سلمان در درجه‌ی دهم بود». بحار الانوار: ج ۲۲ ص ۳۴۱.

۳ - قصص: ۵.

(هو) را به یگانگی می‌پرستد. اگر حروف «هو» را جمع کنی، می‌بینی:

$$\text{هـ} + \text{و} = ۵ + ۶ = ۱۱$$

که ۱ + ۱۰ می‌باشد. حال ده‌گانه را شناختی که همان ده‌گانه‌ی حج و ایمان است و عدد یک همان خداوند سبحان و متعال می‌باشد؛ پس هر کس به این ده‌گانه آراسته باشد به وحدانیت خداوند یقین پیدا می‌کند.

برای تو به اختصار بیان کردم که در این عدد (۳۷) ده‌گانه‌ی حج و توحید و نیز ۲۷ حرف از علم توحید وجود دارد. پس هر کس به حج برود و به این ده‌گانه آراسته گردد، امکان تحمل و شناخت ۲۷ حرف را وقتی بین مردم منتشر می‌شود، دارا می‌باشد، و این، سرّی است که هیچ کس تحملش را ندارد مگر پیامبر فرستاده شده یا فرشته‌ی مقرب یا مؤمنی که خداوند قلبش را با ایمان آزموده باشد؛ در نتیجه، بنده به یقین می‌رسد و به وحدانیت خداوند سبحان و متعال (هو) یقین پیدا می‌کند.

برای اینکه بیشتر بدانی، اگر «طسم» را با جمع کوچک حساب کنی:

$$\text{ط} + \text{س} + \text{م} = ۹ + ۶ + ۴ = ۱۹$$

و تعداد حروف «بسملة» (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) ۱۹ و بسمله، آیه‌ی توحید می‌باشد.

خداوند متعال می‌فرماید: «وَجَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَتَلَّوْا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا»^۱ (و بر دل‌هاشان پرده افکنیم تا آن را در نیابند و گوش‌هاشان سنگین کنیم، و چون پروردگارت را در قرآن به یکتایی یاد کنی، باز می‌گردند و می‌روند)؛ یعنی بگو: بسم الله الرحمن الرحيم، همان طور که از ائمه علیهم‌السلام روایت شده است.^۲ پس دانستی که «طسم» اشاره به اهل توحید دارد که آنها ۳۱۳ نفرند و از همین رو، عدد حروف آیه‌ی توحید (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) با عدد آیه‌ی موحدین (طسم) برابر و مساوی است؛ و همچنین با عدد مشرکین اهل آتش؛ از همین رو خداوند تعدادشان را با عدد آیه‌ی

۱ - اِسْرَاءُ: ۴۶.

۲ - از هارون از ابو عبدالله علیه‌السلام روایت شده است که به من فرمود: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ را کتمان کنید که به خدا سوگند اسماء بسیاری در آن مخفی است: هر وقت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به منزلش وارد می‌شد و قریش دورش جمع می‌شدند، بسم الله الرحمن رحيم را آشکار و با صدای بلند می‌گفت. قریش پشت کرده، فرار می‌کردند. پس خداوند عزوجل در این خصوص نازل فرمود: «وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَتَلَّوْا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا» (و چون پروردگارت را در قرآن به یکتایی یاد کنی، باز می‌گردند و می‌روند)». کافی: ج ۸ ص ۲۶۶.

موحدین برابر قرار داده است.

خداوند متعال می‌فرماید: «عَلَيْهَا تَسْعَةَ عَشَرَ * وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزِدَّ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا وَلَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ وَلِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْبَشَرِ» (نوزده فرشته بر آن گماشته‌اند * موکلان دوزخ را جز از ملائکه قرار ندادیم و شمار آنها جز برای امتحان کافران نیست تا اهل کتاب یقین کنند و بر ایمان مؤمنان بیفزاید و اهل کتاب و مؤمنان شک نکنند و تا آنان که در دل‌هاشان مرضی است و کافران نگویند: خدا از این مثل چه می‌خواسته است؟ خدا اینچنین هر کس را که بخواهد گمراه و هر کس را که بخواهد راه می‌نماید و شمار سپاهیان پروردگارت را جز او نداند و این سخن جز اندرزی از برای مردمان نیست)، و موحدین، همان اصحاب یمین در سوره‌ی مدثر هستند که بدون حساب وارد بهشت می‌شوند و آنها یاران یمانی، وصی و فرستاده‌ی امام مهدی (علیه السلام) می‌باشند.

خداوند سبحان می‌فرماید: «كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ رَهِينًا * إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ»^۲ (هر کس در گرو عملی است که کرده است * مگر اصحاب یمین).

برای اینکه بیشتر بدانی و به یقینت افزوده گردد اگر در جست‌وجوی حقیقت هستی و از کسانی باشی که کتاب به آنها داده شده است یا کسانی که به کتاب ایمان دارند- بیانیه‌ی اخیر یمانی را مطالعه کن. خداوند متعال می‌فرماید: «وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزِدَّ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا» (و شمار آنها جز برای امتحان کافران نیست تا اهل کتاب یقین کنند و بر ایمان مؤمنان بیفزاید).

با من حساب کن: کلمه‌ی «وصی»، «ایمانی»، «من هو الیمانی»، «هو وصی»، «هو وصی المهدی»، «اصحاب الیمین».

ولی قبل از اینکه حساب را شروع کنیم سری به چیزهایی که خودت در کتابت به نگارش درآوردی می‌زنیم؛ «آغاز جنگ آمریکا علیه امام مهدی (علیه السلام)» در فصل دوم کتابت گفته‌ای: قرن ششم - پیش‌گویی سی و سوم:

«در آخر دستش را به سمت آلوس خونی دراز می‌کند، از حمایت خود در

۱ - مدثر: ۳۰ و ۳۱.

۲ - مدثر: ۳۸ و ۳۹.

دریا عاجز خواهد ماند و از سپاه بین‌النهرین خواهد ترسید و شخصی سپاه و خشمگین او را از کرده‌اش پشیمان خواهد کرد»

سپس در ادامه کتابت گفته‌ای:

این از عجیب‌ترین پیشگویی‌های نوستراداموس می‌باشد که در آن به وضوح و نه به طور ضمنی امام مهدی علیه السلام را نام برده است. مترجمان در معنی نام وارد شده در این پیش‌گویی‌ها در حیرت مانده‌اند و بیشترشان آن را همان طور که وارد شده است یعنی «الوس» ذکر کرده‌اند. برخی از مترجمان از جمله در ترجمه‌ی انگلیسی، اقدام به حذف آن نمودند اما در اصل فرانسوی، این اسم موجود است و مترجم کلمه «ALUS» را به ال‌لوس ترجمه کرده یعنی یک «ال» معرفه‌ی زبان عربی به آن اضافه کرده است، در حالی که معنایش را نمی‌داند و آن را به تاریخ واگذارده است یعنی تا زمانی که آن واقعه رخ دهد و معما حل شود؛ ولی من هدف و قصد نوستراداموس را از این کلمه کشف کرده‌ام. در اینجا نوستراداموس طبق عادت خود از جناس تصحیفی (یعنی انتخاب کلمه‌ی غلط مشابه با کلمه‌ی اصلی) یا ترخیم (یعنی حذف حرفی از کلمه) استفاده کرده است. او هنگامی کلمه‌ای مربوط به اسامی یا القاب می‌باشد اقدام به حذف حرف «ا» از انتهای آن کلمه می‌نمود؛ حال اگر ما این حرف را به انتهای کلمه اضافه کنیم کلمه‌ی ALUSI (الوصی) را خواهیم داشت و معنی بسیار واضح و آشکار خواهد شد چرا که ما می‌دانیم لقب اوصیا به ائمه‌ی دوازده‌گانه از اهل بیت علیهم السلام اطلاق می‌گردد و امام مهدی علیه السلام نیز یکی از اوصیا می‌باشد و در نتیجه می‌تواند کلمه‌ی «الوصی» بر وی اطلاق گردد. در اینجا نوشته‌ی نوستراداموس با عقاید شیعه موافق و سازگار است.

به علاوه نوستراداموس در اینجا شخص معینی را توصیف می‌کند که فرمانده نظامی یا رئیس کشوری است که سعی می‌کند امام مهدی علیه السلام را به قتل برساند و نیروهای وی را از بین ببرد ولی از سپاه (ارتش امام مهدی علیه السلام) که در بین‌النهرین (عراق) موجود هستند می‌ترسد؛ و یا مردی از سپاه امام

مهدی علیه السلام که مردی سیاه توصیف شده یعنی او شیعه است؛ چرا که لباس سیاه اشاره به شیعه بودن دارد. یا شاید یک مرد عرب مسلمان آفریقایی (سیاه پوست) باشد، او و نیروهایش را در حالی که در دریا هستند از بین می برد (چه بسا در یکی از ناوگان های جنگی یا در یکی از هواپیماها).

قبل از اینکه حساب را شروع کنم، شرحی به سخنان پیشین تو می دهم؛ وصی یاد شده در پیشگویی نوستراداموس امام مهدی علیه السلام نیست بلکه وصی امام مهدی علیه السلام و اولین مهدی از مهدیون دوازده گانه از اوصیای امام مهدی است. او فرستاده ی امام مهدی علیه السلام و جانشین او است که امرش را برعهده دارد، همان گونه که در روایات آمده است. او یمانی آل محمد، همان وعده داده شده ای است که به حق دعوت می کند و همان طور که در روایات ائمه علیهم السلام وارد شده است، روی گردان از او از اهل آتش می باشد.

در وصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است: از ابو عبدالله علیه السلام از پدرانش علیهم السلام از امیر المومنین علیه السلام نقل شده است که فرمود: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در شبی که وفاتش بود به علی علیه السلام فرمود: یا ابا الحسن، صحیفه و دواتی حاضر کن. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وصیتش را املا فرمود تا به این جا رسید که فرمود: یا علی پس از من دوازده امام خواهند بود و پس از آنها دوازده مهدی، و تو ای علی، نخستین دوازده امامی و حدیث را ادامه می دهد تا اینکه می فرماید: حسن علیه السلام خلافت را به پسرش م ح م د که حافظ دین آل محمد صلی الله علیه و آله است بسپارد. اینان، دوازده امامند و پس از آنان دوازده مهدی هستند. پس هرگاه وفات مهدی علیه السلام رسد، باید امر خلافت را به پسرش، اولین مقربین (اولین مهدیین) بسپارد که برای او سه نام است: اسمی مانند اسم من و اسم پدرم عبد الله و احمد و اسم سوم مهدی است که او، اولین مؤمنان است»^۱.

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از نسل ما بعد از قائم دوازده مهدی از فرزندان حسین علیه السلام خواهند بود»^۲.

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از نسل ما بعد از قائم یازده مهدی از فرزندان حسین علیه السلام خواهند بود»^۳.

در این روایت قائم همان مهدی اول است نه امام مهدی علیه السلام چون بعد از امام مهدی علیه السلام

۱- غیبت طوسی: ص ۱۵۰؛ غایة المرآة: ج ۲ ص ۲۴۱؛ بحار الانوار: ج ۵۳ ص ۱۴۷.

۲- غیبت طوسی: ص ۳۸۵؛ برهان: ج ۳ ص ۳۱۰؛ بحار الانوار: ج ۵۳ ص ۱۴۸.

۳- مختصر بصائر الدرجات: ص ۳۸؛ غیبت طوسی: ص ۴۷۸؛ بحار الانوار: ج ۵۳ ص ۱۴۵.

دوازده مهدی خواهند بود.

امام باقر علیه السلام در وصف مهدی اول فرموده است: «... دارای قرمزی صورت، چشم‌های گود، ابروهای برجسته، فراخ و پهنی میان دو شانه، در سرش شوره و در صورتش اثری است، رحمت خدا بر موسی باد!»^۱.

و از امیرمؤمنان علیه السلام در خبری طولانی روایت شده است: «... فرمود: آگاه باش که اولین آنها از بصره و آخرینشان از ابدال است...»^۲.

و از امام صادق علیه السلام در خبری طولانی که اصحاب قائم علیه السلام را نام برده است، روایت شده است: «... و از بصره... احمد...»^۳.

و از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دو اسم دارد - یعنی قائم - اسمی مخفی و اسمی آشکار؛ اما اسمی که پنهان می‌ماند احمد و اسمی که آشکار می‌شود محمد است»^۴، و احمد، اسم مهدی اول و محمد اسم امام مهدی علیه السلام است، همان طور که از وصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله آشکار شده است.

از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال گنجی در طالقان دارد که نه از طلا است و نه از نقره؛ دوازده هزار در خراسان که شعارشان «احمد احمد» است و رهبری آنها را جوانی از بنی هاشم که سوار بر قاطری خاکستری است و پیشانی‌بند قرمز رنگ دارد، بر عهده دارد. گویی به او می‌نگرم که فرات را می‌گذرد و اگر شنیدید، به سوی او بشتابید حتی اگر سینه خیز بر یخ و برف باشد»^۵.

احمد، اسم مهدی اول و وصی امام مهدی علیه السلام و اولین ایمان آورنده به امام مهدی علیه السلام در آغاز ظهورش است و او فرستاده‌ی امام مهدی علیه السلام به سوی همه‌ی مردم می‌باشد. در دعای روز سوم شعبان (روز ولادت امام حسین علیه السلام) که از امام مهدی علیه السلام نقل شده، آمده است:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْمَوْلُودِ فِي هَذَا الْيَوْمِ... الْمُعْوَضِ مِنْ قَتْلِهِ أَنْ الْأُمَّةَ مِنْ نَسْلِهِ وَالشَّقَاءَ فِي تَرْبَتِهِ

۱ - غیبت نعمانی: ص ۲۲۳ ؛ بحار الانوار: ج ۵۱ ص ۴۰ ؛ معجم احادیث امام مهدی علیه السلام ج ۳ ص ۲۳۷.

۲ - بشارت الاسلام: ص ۱۴۸ ؛ معجم النورین: ص ۳۳۱ ؛ الزام الناصب: ج ۲ ص ۱۷۴.

۳ - بشارت الاسلام: ص ۱۸۱.

۴ - کمال الدین: ص ۶۵۳ ؛ جامع الاحادیث شیعه: ج ۱۴ ص ۵۶۸ ؛ معجم احادیث امام مهدی علیه السلام ج ۳ ص ۴۱.

۵ - منتخب الانوار المصیئنه: ص ۳۴۳.

وَالْفَوْزَ مَعَهُ فِي أُوَيْبَتِهِ وَالْأَوْصِيَاءَ مِنْ عَتَرَتِهِ بَعْدَ قَاهِهِمْ وَغَيْبَتِهِ. حَتَّى يُدْرِكُوا الْأَوْتَارَ وَيَنَارُوا النَّارَ وَيَرْضُوا
 الْجَبَّارَ وَيَكُونُوا خَيْرَ أَنْصَارٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَعَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ اَللَّهُمَّ فَحَقِّهِمْ إِلَيْكَ اَتَّوَسَّلُ...»^۱
 (بارخدا! از تو درخواست می‌کنم به حق مولود در این روز... در عوض شهادتش، امامان و
 پیشوایان دین از نسل پاک او هستند و شفای هر مرض در تربت او و هر که را محبت او است در
 رجعتش پس از قائم آل محمد علیه السلام و طول غیبت رستگار خواهد بود تا آنکه به خون‌خواهی او
 برخیزند و خدا را خوشنود سازند و بهترین یاران دین خدا باشند. درود خدا بر آنان تا زمانی که آمد
 و شد روز و شب در جهان برقرار است. بارها! به حق آنها به درگاه تو توسل می‌جویم...).

اگر در این دعا تدبیر کنی به یقین می‌رسی که منظور از اوصیا، اوصیا و جانشینان امام
 مهدی علیه السلام می‌باشند و از بین ایشان، پدرشان، اولین مهدیین علیهم السلام می‌باشد که در روایت ذکر
 شده است. کسی که پیش‌گویی نوسترا داموس یهودی گفته است که وی حجت قطعی بر
 تمام یهود و مسیحیان و جهان غرب خواهد بود؛ همان کسانی که به این پیش‌گویی ایمان
 دارند چرا که درستی آن را در بسیاری از رخدادها دیده‌اند و از آنجا که بر زبان یک یهودی
 فرانسوی از خودشان جاری شده است.

حال بعد از اینکه برایت روشن شد که وصی ذکر شده در پیش‌گویی همان وصی
 مهدی علیه السلام می‌باشد به حساب برمی‌گردیم:

اول: الیمانی هو الوصی.

کلمه‌ی «وصی»:

$$۱ - و ص ی = ۶ + ۹۰ + ۱۰ = ۱۰۶ \text{ با جمع بزرگ و تبدیل آن به جمع کوچک:}$$

$$۱۰۰ + ۶ \text{ بعد از حساب کردن با جمع کوچک: } ۷ = ۱ + ۶.$$

$$۲ - و ص ی = ۶ + ۹ + ۱ = ۱۶ \text{ با جمع کوچک.}$$

کلمه‌ی «الیمانی»:

$$۱ - ا ل ی م ا ن ی = ۱ + ۳۰ + ۱۰ + ۴۰ + ۱ + ۵۰ + ۱۰ = ۱۴۲$$

$$\text{با جمع بزرگ و تبدیل آن به جمع کوچک: } ۱۰۰ + ۴۰ + ۲$$

$$\text{و بعد از حساب کردن با جمع کوچک: } ۷ = ۱ + ۴ + ۲.$$

$$۲ - ا ل ی م ا ن ی = ۱ + ۳ + ۱ + ۴ + ۱ + ۵ + ۱ = ۱۶ \text{ با جمع کوچک.}$$

۱ - مصباح‌المجتهد: ص ۸۲۶ ؛ مصباح کفعمی: ص ۵۴۳ ؛ مختصر بصائر الدرجات: ص ۳۵ ؛ مفاتیح
 الجنان: ص ۲۱۵.

و از حساب‌های گذشته روشن شد که:

وصی = الیمانی = ۷ ، بعد از حساب کردن با جمع بزرگ و تبدیلیشان به جمع کوچک.

وصی = الیمانی = ۱۶ ، بعد از حساب کردن آن دو با جمع کوچک.

دوم: هنگام سؤال کردن از شخصیت یمانی می‌گوییم «من هو الیمانی» (یمانی کیست) و

اگر یمانی، وصی امام مهدی (علیه السلام) (یعنی مهدی اول که در وصیت رسول خدا ﷺ ذکر شده

است) باشد، جواب «هو وصی المهدی» (او وصی مهدی است) یا «هو وصی» (او وصی

است) می‌باشد. عدد المهدی به صورت زیر است:

$$ا ل م ه د ی = ۱ + ۳۰ + ۴۰ + ۵ + ۴ + ۱۰ = ۹۰$$

با جمع بزرگ و تبدیل آن به جمع کوچک: ۹ = ۹۰

حالا محاسبه کن:

$$من هو الیمانی: م ن ه و + (ا ل ی م ا ن ی) = ۴ + ۵ + ۵ + ۶ + (۷) = ۲۷$$

$$هو وصی المهدی: ه و + (وصی) + (ا ل م ه د ی) = ۵ + ۶ + (۷) + (۹) = ۲۷$$

$$هو وصی = ه و + (و ص ی) = ۵ + ۶ + (۱۶) = ۲۷$$

پس روشن شد که از نظر عدد: من هو الیمانی = هو وصی المهدی = هو وصی.

با جمع کوچک، عدد «هو الیمانی» را حساب کن خواهی دید برابر با ۲۷ حرفی که

قائم (علیه السلام) بین مردم منتشر خواهد ساخت، می‌شود.

از ابو عبد الله (علیه السلام) روایت شده است که فرمود: «علم بیست و هفت حرف دارد و همه‌ی آن

چیزی که انبیا آورده‌اند دو حرف است، مردم تا امروز جز این دو حرف از علم چیزی نمی‌دانند. پس

اگر قائم، ظهور کند بیست و پنج حرف دیگر علم را نیز خارج و آن را بین مردم منتشر می‌کند و این

دو حرف را نیز به آن می‌پیوندد تا بیست و هفت حرف علم بین مردم منتشر شود.»^۱

$$ه و ا ل ی م ا ن ی = ۱ + ۵ + ۱ + ۴ + ۱ + ۳ + ۱ + ۶ + ۵ = ۲۷$$

سپس عدد «اصحاب الیمین» را در این آیه، حساب کن: «كُلُّ نَفْسٍ مِّمَّا كَسَبَتْ رَهِينَةً * اِلَّا

اَصْحَابَ اَلْیَمِینِ»^۲ (هر نفسی در گروه عملی است که انجام داده است * مگر اصحاب یمین).

«الیمین» با جمع بزرگ محاسبه و بعد به جمع کوچک تبدیل و نتیجه حاصل می‌شود:

۱ - مختصر بصائر الدرجات: ص ۱۱۷ ؛ بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۳۶.

۲ - مدثر: ۳۸ و ۳۹.

ا ص ح ا ب + (ال ی م ی ن) = ۱ + ۹ + ۸ + ۱ + ۲ + (۱ + ۴ + ۱) = ۲۷.
 و دانستی که عدد ۲۷ بیانگر بیست و هفت حرف از علم (شناخت خدا و توحید او سبحان) است که امام مهدی علیه السلام در بین مردم منتشر می‌کند.
 از محاسبات گذشته متوجه شدی که یمانی، وصی مهدی علیه السلام و اولین مهدی، ظرف بیست و هفت حرف از علم می‌باشد؛ او ظرفی است که این فیض‌ها را از امام مهدی علیه السلام دریافت می‌کند و به یارانش می‌بخشد؛ پس یمانی نسبت به امام مهدی علیه السلام نون و نقطه‌ی نون می‌باشد.

خداوند متعال می‌فرماید: «ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ * مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ * وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ * وَإِنَّكَ لَعَلَى خَلْقٍ عَظِيمٍ * فَاسْتَبِرْ وَاصْبِرْ * بَأْيُكُمْ الْمَقْتُولُ * إِنْ رَبُّكَ هُوَ أَعْلَمُ مَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ»^۱ (نون. سوگند به قلم و آنچه می‌نویسند * که تو، به فضل پروردگارت، دیوانه نیستی * و تو را پاداشی پایان‌ناپذیر است * و تو بر خلقی عظیم هستی * زودا که تو بینی و آنها نیز ببینند * که دیوانگی در کدام یک از شما است * هر آینه پروردگار تو بهتر می‌داند چه کسی از طریق او گمراه گشته است، که او به ره‌یافتگان داناتر است) و یمانی نسبت به سید و سیزده تن از یاران امام مهدی علیه السلام حرف باء و نقطه‌ی حرف باء در بسم الله الرحمن الرحیم است. پس او دارای دو مقام رسالت و ولایت می‌باشد. بنابراین او در این زمان شخصیت محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام را تمثیل می‌کند. او شهر علم است، او درب شهر است؛ پس به کجا می‌روید؟ «وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ * فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ * إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ * لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ * وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ»^۲ (و آن سخن، سخن شیطان رجیم نیست * پس به کجا می‌روید؟ * این کتاب چیزی نیست جز بندی برای جهانیان * برای هر کس از شما که بخواهد به راه راست افتد * و شما نمی‌خواهید مگر آنچه را که پروردگار جهانیان خواسته باشد).

از محاسبات گذشته متوجه شدی که اصحاب الیمین که همان اصحاب یمانی هستند، ظرف بیست و هفت حرف علم می‌باشند. آنها ظرف‌هایی هستند که علم را از یمانی وصی و فرستاده‌ی امام مهدی علیه السلام به سوی همه‌ی مردم، دریافت می‌کنند و سپس به همه‌ی مردم می‌رسانند و ایشان، سید و سیزده تن می‌باشند.

۱ - قلم: ۱ تا ۷.

۲ - تکویر: ۲۵ تا ۲۹.

ای برادر، اضافه می‌نمایم که:

دلایل دعوت، بسیار است و دلایلی که انبیا و فرستادگان علیهم‌السلام و محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه علیهم‌السلام آورده بودند من هم آورده‌ام. یکی از برادران انصار امام مهدی علیه‌السلام به نام استاد ضیاء الزیدی، ده‌ها دلیل را در کتاب خود «نور المبین» به نگارش درآورده است؛ این کتاب چاپ شده است و می‌توانید آن را مطالعه نمایید، و همچنین کتاب «بلاغ المبین جلد ۱» نوشته‌ی شیخ ناظم عقیلی که خدا حفظش کند. از جمله دلایل این دعوت:

۱ - روایات رسول خدا محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه علیهم‌السلام که به اسم و شهر و ویژگی‌ها تصریح دارند.
 ۲ - علم به محکمت و تشابهات و راه‌های آسمان که از ویژگی‌ها و اسرار ائمه علیهم‌السلام می‌باشد.

۳ - مباحله، قسم برائت، دعوت به سوی حق و و و

۴ - مکاشفه در عالم بیداری و در رؤیاهای صادق که تعداد بسیار زیادی از مردم به وسیله‌ی حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم علی علیه‌السلام زهرا علیها‌السلام و ائمه علیهم‌السلام دیده‌اند که ایشان بر حقانیت این دعوت تاکید کرده‌اند و صحت رؤیاهای آنها علیهم‌السلام ثابت شده و از طریق قرآن و روایات ائمه علیهم‌السلام ثابت شده است که حق می‌باشند.

به اضافه‌ی آنچه از پیش‌گویی‌های نوستراداموس که تو خودت اقرار نمودی و خودت را به آنها ملزم نمودی؛ آنجا که در فصل دوم کتابت چنین متنی آورده‌ای:

«قرن سوم، پیش‌گویی نود و چهارم: تا مدت پانصد سال دیگر او را در خواهید یافت. پس او زینت زمان خودش خواهد بود. پس به ناگاه وحی بزرگ فرستاده خواهد شد که مردم آن قرن را مسرور و خوشحال خواهد نمود».

آن وحی بزرگ چیست؟ جز رویاهایی که تعداد زیادی از مردم آنها را می‌بینید و حق و صاحبش را بیان خواهند کرد؟

ای برادر با تأمل و اندیشیه بخوان، و همواره طلب حق را نصب العین خود بگردان (فقط در جست‌وجوی حق باش) و با دقت به بحث و بررسی بپرداز و با خودت به انصاف رفتار کن و خود را از عذاب جهنم نجات بده. از خداوند برای تو هدایت طلب می‌کنم و اینکه حقیقت را آن گونه که هست به تو نشان دهد و پیروی از آن را روزیت گرداند و باطل را آن گونه که

هست به تو نشان دهد و دوری از ان را روزی ات گرداند.

والصبر للعصره.

اصبر للصبر - جمار الاول ۱۴۲۶ هـ ق

پرسش ۳۶: چگونه می توانم باور کنم و حال آنکه مدعیان، بسیارند

سلام علیکم. من یک عراقی هستم و در مهجر در آلمان و به طور مشخص در مونیخ زندگی می کنم. مطالبی را درباره ی شما خوانده ام ولی چطور باور کنم و حال آنکه افراد بسیاری دیده ایم که ادعا می کنند فرستاده ی امام مهدی عج می باشند در حالی که دروغ گویی بیش نیستند؛ متاسفم منظورم شما نیستید.

ولی من چطور شما را تصدیق کنم و چطور به یقین برسم و شما گفته اید که دانش را از امام مهدی عج آموخته ای. سؤال من این است که آیا می توانید با من ملاقاتی داشته باشید؟ و قسم می خورم که من ترسانم چرا که من آخرت را می خواهم نه دنیا را. پس تو را به خدا قسم می دهم که امام مهدی عج را به من نزدیک نمایی. و سلام بر تو!

طارق الانصاری

ربیع الثانی ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، الصبر له رب العالمين

برادرم! وجود داشتن باطل، دلیل بر باطل بودن حق نیست؛ وجود مسیلمه ی کذاب (که لعنت خدا بر او باد) دلیل بر باطل بودن حضرت محمد ص نیست. غسل کن، سه روز، روزه بگیر و این دعا را بخوان.... (دعا در پاسخ سؤال ۱۴ وجود دارد). از خداوند برای تو طلب هدایت به راه راست می کنم و اینکه حق را آن گونه که هست، به تو نشان دهد و پیروی از آن را روزی ات گرداند و باطل را آن گونه که هست به تو نشان دهد و دوری از آن را روزی ات گرداند.

اصبر للصبر

جماد الاول ۱۴۲۶ هـ ق

پرسش ۳۷: چرا قرآن بر حسب نزول آیات جمع نشده است

بسم تعالی....

اگر قرآن در زمان رسول خدا ﷺ جمع شده، چرا بر حسب نزول آیات جمع نشده است؟
چرا آفرینش زمین چهار روز و آفرینش آسمان فقط دو روز به طول انجامیده است.
یوسف علی - ۲۲ ربیع الثانی ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين

در رابطه با جمع‌آوری قرآنی که اکنون بین مردم هست، همه می‌دانند که پس از زمان رسول خدا حضرت محمد ﷺ جمع شده، اما آنچه در زمان حیات رسول خدا ﷺ جمع شده است نزد امام علیؑ می‌باشد.
اما در خصوص سؤال دوم، پاسخ در متشابهات جلد چهارم موجود می‌باشد و به زودی منتشر خواهد شد؛ ان شاء الله.

صدر الصغیر

صدار الاول ۱۴۲۶ هـ ق

پرسش ۳۸: چرا پلیس محکوم می‌شود و حال آنکه آنها هدفشان فقط معیشتشان است
من به تمام نواری که ضبط شده بود گوش دادم؛ ولی در این نوار پلیس محکوم شده بود و اینکه آنها مزدوران آمریکایی هستند. این درست نیست؛ چرا که آنها به دنبال معیشت خود هستند و برخی از آنها کسانی را دارند که سرپرستی‌شان می‌کنند و از کجا مخارج زندگی خود را تأمین کنند؟ امیدوارم در کوتاه‌ترین زمان به سؤال من پاسخ دهید. من از پیروان شما و طلبه‌ی حوزه هستم و به خاطر فتنه‌های زیاد گوشه‌نشینی را برگزیده‌ام و ۲۳ سال دارم.
احمد - ۲۱ ربیع الثانی ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين

۱ - کسی که دوشادوش آمریکای کافر سلاح برمی‌دارد و به ضریح مطهر علی بن ابی طالبؑ حمله و به کشتن جوانان در حرم علی بن ابی طالبؑ افتخار می‌کند و در ماهواره‌ها ظاهر می‌شود در حالی که از دهانشان خون جوانانی که به حرم مطهر علیؑ پناه برده بودند؛ امثال جزایری‌های جنایتکار رئیس پلیس نجف، آیا مزدور و سربازان سپاه شیطان،

یعنی آمریکا نیست؟

۲ - پلیس نجف صدها نفر از شهروندان را در حالی که در راهپیمایی آرام و بدون اسلحه بودند، به قتل رسانید. اینان که از سرِ حقد و کینه‌هایی که دارند عنان از کف داده و صدها بدبخت و بیچاره را آغشته به خون کرده‌اند، آیا مزدوران و سربازان سپاه شیطان، یعنی آمریکا نیستند؟

۳ - در حال حاضر بعضی از این پلیس‌ها و سپاهیان... سر عقل آمده و به این دعوت حق ایمان آورده‌اند و در میان اینها افرادی با درجه‌ی بالا نیز وجود دارد. من از همه‌ی آنها خواستم که به ظالم کمک نکنند حتی به اندازه‌ی شکافتن خرمايي و اینکه انصاف را در بین مظلومان رعایت کنند حتی اگر علیه خودشان باشد، و در همه حال آماده‌ی مبارزه با آمریکای کافر و پیروان جنایتکارش باشند.

اصحح الصبح

جمادى الاول ۱۴۲۶ هـ - ق

پرسش ۳۹: حکم تراشیدن موی گونه‌ها در آرایشگاه‌ها چیست؟

سلام بر قائم آل محمد (که سلام و صلوات خداوند بر او و پدران پاکش و فرزندان برگزیده‌اش باد). سلام بر مضطربى که اگر دعا کند، اجابت می‌شود. سلام بر خواهان انتقام انبیا و فرزندان انبیا. سلام بر خون‌خواه خون‌مقتول کربلا. سلام بر تو ای مولای من و رحمت الله و برکاته....

سلام بر فرستاده‌ی امام و وصی‌اش. سلام بر مظلومی که همانند جدش محمد ﷺ در بین امتش می‌باشد. سلام بر کسی که حَقّش مانند علی بن ابی طالب (علیه السلام) در امتش غصب شده است. سلام بر تو ای مولای من و رحمت الله و برکاته....

برادران ایمانی، سلام علیکم ورحمة الله وبرکاته و تحیاته، و اما بعد....

مولای من، حکم تراشیدن موی گونه‌ها که نزد آرایش‌گرها مرسوم است، چیست؟
والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته. خداوند شما را یاری دهد و با یاری شما دین و شریعتش را یاری نماید!

خادم انصار امام (ابو علی) - ۲۰ ربیع الثانی ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، الصّٰدِقِ لَهٗ رَبِّ الْعٰلَمِیْنَ

تراشیدن ریش حرام، ولی تراشیدن موی گونه‌ها جایز است.

اصد الصنح - صمد الاول ۱۴۲۶ هـ - ق

پرسش ۴۰: منظور از رود، خورشیدپرستان و برائت از علی (علیه السلام) در زمان قائم چیست؟

سلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ

از اینکه به سؤال قبلی‌ام پاسخ دادید، بسیارمتشکرم... پرسش‌های دیگری نیز دارم. بسیار ممنون می‌شوم که اگر به اینها نیز پاسخ دهید.

۱ - رودی که یاران قائم (علیه السلام) با آن آزموده می‌شوند چیست؟ آیا یک رود مادی معلوم است یا چیز رمزگونه‌ی دیگری که با رودخانه به آن اشاره می‌شود؟

۲ - مقصود از آنچه در این حدیث از معصوم (علیه السلام) وارد شده است، چیست؟ «و در آن شبیه خورشید پرستان و ماه پرستان داخل می‌شوند».

۳ - از علامت‌های ظهور این است که دو بیانیه برای برائت از علی (علیه السلام) در کوفه و بصره خوانده می‌شود. آیا این خوانده شدن، علنی است و با موافقت اهل بصره و کوفه انجام می‌شود یا چیزی دیگری می‌باشد؟ از شما بسیار سپاس‌گزار و ممنونم.

فهمی صالح - ۱۸ ربیع الثانی ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، الصّٰدِقِ لَهٗ رَبِّ الْعٰلَمِیْنَ

جواب سؤال ۱: اصحاب قائم (علیه السلام) با چیز دیگری مورد آزمایش قرار می‌گیرند که یک رودخانه‌ی مادی نیست.

از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است که فرمود: «یاران طالوت با رودی مورد آزمایش قرار گرفتند که خداوند در موردش می‌فرماید: **إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ**»^۱ (خداوند شما را به جوی آبی می‌آزماید) و اصحاب قائم (علیه السلام) نیز به چیزی مانند این رود مورد آزمایش قرار می‌گیرند»^۲.

۱ - بقره: ۲۴۹.

۲ - غیبت نعمانی: ص ۳۱۶.

او، همان دروازه‌ی آل محمد علیهم‌السلام همان طور که در روایت از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است، می‌باشد: «رکن یمانی دروازه‌ی ما است که از آن وارد بهشت می‌شوند و در آن رودی از بهشت وجود دارد که اعمال بندگان در آن انداخته می‌شود»^۱ و امام مهدی علیه‌السلام چهار رکن دارد: خضر علیه‌السلام ایلیا علیه‌السلام (الیاس)، عیسی علیه‌السلام و یمانی.

یمانی، همان سنگی است که در رکن یمانی در کعبه وجود دارد و به حجر الاسود معروف است (همان طور که از ائمه علیهم‌السلام روایت شده که او ملکی است که کتاب عهد و میثاق را بلعیده است)^۲ و یمانی، کتاب عهد و و پیمانی است که از بنی آدم و انبیا و فرستادگان گرفته

۱ - جامع السعادت: ج ۳ ص ۳۱۴.

۲ - از بکیر بن اعین روایت شده است که می‌گوید: از حضرت ابا عبد الله علیه‌السلام پرسیدم: برای چه خداوند حجر را در رکنی که فعلاً در آن است قرار داد نه در ارکان دیگر؟ و برای چه بوسیده می‌شود؟ و برای چه از بهشت خارج شد؟ و برای چه میثاق و عهد بندگان در آن قرار داده شده است نه در جای دیگر؟ فدایت شوم از علت این موارد مرا با خبر کنید که سرگردان و متحیر می‌باشم؟ بکیر می‌گوید: امام علیه‌السلام فرمودند: «از مسأله‌ی بسیار مشکل و سختی پرسیدی و بی‌گیری نمودی. پس بدان و دلت را فارغ بدار و گوش فراده تا ان شاء الله تو را باخبر سازم. خداوند تبارک و تعالی حجر الاسود را که گوهری بود از بهشت بیرون آورد و نزد حضرت آدم علیه‌السلام قرار داد و در آن رکن قرار داده شد زیرا میثاق و پیمان خلائق در آن بود. به این صورت که: زمانی که ذریه‌ی بنی آدم را از صلب آن‌ها خارج نمود، خداوند در همین مکان از آن‌ها عهد و پیمان را اخذ نمود و در این مکان ایشان را رؤیت کرد و نیز از همین مکان پرنده بر حضرت قائم علیه‌السلام فرود می‌آید و اولین نفری که با قائم بیعت می‌کند آن پرنده است که به خدا سوگند، همان جبرئیل علیه‌السلام می‌باشد. به همین مقام قائم علیه‌السلام تکیه می‌دهد در حالی که او دلیل و حجتی است برای قائم و شاهی است برای کسی که عهدش را در آن مکان وفا می‌کند و شاهی است بر کسی که در آن مکان عهد و میثاقی که خداوند عزوجل از بندگان گرفته است را ادا می‌نماید. اما بوسیدن و لمس کردنش به جهت تجدید عهد و میثاق است؛ تجدید پیمانی به جهت بازگرداندنش به او، پیمانی که خداوند در عالم دُز از آنها گرفته است. بنابراین در هر سال نزد حجر می‌آیند و آن عهد و پیمانی که از ایشان گرفته شده است را به او باز می‌گردانند؛ آیا توجه نمی‌کنی که وقتی به حجر می‌رسی می‌گویی: امانت را ادا کردم و میثاقم را تجدید نمودم تا بر این شهادت دهی که به عهدم وفا نمودم؟ به خدا سوگند غیر از شیعیان ما احدی آن عهد را ادا نمی‌کند و غیر از ایشان هیچ کس آن عهد و میثاق را نگه نداشته است. هرگاه شیعیان نزدش می‌آیند ایشان را می‌شناسد و تصدیقشان می‌کند و دیگران که به حضورش می‌رسند انکارشان کرده، تکذیبشان می‌نماید؛ به این جهت که غیر از شما شیعیان کسی آن امانت و عهد را حفظ و نگهداری نکرده است و به خدا سوگند که به نفع شما و علیه و به ضرر دیگران شهادت می‌دهد؛ یعنی شهادت می‌دهد که شما به عهد وفا کردید و غیر شما آن را نقض و انکار کردند و به آن کفر ورزیدند در حالی که شهادت حجر در روز قیامت حجت بالغه‌ی خداوند بر آنان است. در روز قیامت حجر می‌آید در حالی که زبانی گویا و دو چشم دارد و این هیأت حجر همان صورت اولین او است که تمام خلائق او را با آن صورت می‌شناسند و انکارش نمی‌کنند. برای هر کسی که به آن وفا نماید و عهد و میثاقی که نزد او است را با حفظ کردنش و ادای امانت به جا آورد، شهادت می‌دهد و علیه هر کسی که آن را انکار نماید و عناد ورزد و با کفر و انکار، میثاق را فراموش نماید، شهادت می‌دهد. اما علت این که خداوند آن را از بهشت خارج نمود، آیا می‌دانی اصل حجر الاسود چیست؟ بکیر می‌گوید: عرضه داشتیم: خیر. حضرت علیه‌السلام فرمودند: حجر، ملکی عظیم‌الشأن و از بزرگان ملائکه بود و وقتی خداوند از ملائکه میثاق را اخذ نمود

شده است، و یمانی همان مهدی اول ذکر شده در وصیت رسول خدا ﷺ می‌باشد و یمانی همان رودی است که اصحاب قائم علیهم‌السلام با آن آزموده می‌شوند، ولی این مرتبه هرکس که از آن بنوشد از من است و هر کس که از آن ننوشد، از من نخواهد بود؛ همان بیست و هفت حرف علم است که بین مردم منتشر می‌شود و بیشتر منتشر نشده و به آنها اجازه‌ی ورود به این علم داده نشده بود.

جواب سؤال ۲: افرادی که عقیده‌ی فاسد یا نیمه‌فاسد داشتند؛ قبل از اینکه به حق هدایت

شوند.

جواب سؤال ۳: در اینجا منظور از علی، علی بن ابی طالب علیه‌السلام نیست؛ چرا که او در بین

آن ملک اولین نفری از ملائکه بود که به آن ایمان آورد و اقرار نمود. بنابراین خداوند او را بر جمیع مخلوقاتش امین قرار داد و میثاق خلایق را در او به رسم امانت قرار داد و از تمام مخلوقات اقرار گرفت که در هر سال نزد او میثاق و عهده‌ی که خداوند عزوجل از آنها گرفته است را تجدید نمایند. سپس خداوند او را همنشین آدم علیه‌السلام در بهشت قرار داد تا وی را متذکر میثاق مزبور نماید و نیز هر سال آدم علیه‌السلام نزد او به عهده و پیمان گرفته شده اقرار کند و آن را به این وسیله تجدید نماید. وقتی آدم علیه‌السلام عصیان نمود و از بهشت بیرون شد خداوند متعال آن عهده و پیمانی را که از او گرفته بود و همچنین برای فرزندان او بر محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و وصی علیه‌السلام گرفته بود از یادش برد و او را سرگردان و حیران نمود. هنگامی که خداوند توبه‌ی آدم علیه‌السلام را پذیرفت، آن ملک را به صورت مروارید سفیدی از بهشت به سوی آدم علیه‌السلام پرتاب نمود در حالی که او در سرزمین هند بود. هنگامی که نگاه آدم علیه‌السلام به او افتاد، با او انس گرفت ولی بیش از این که گوهری گران قدر است، شناختی نسبت به آن نداشت. خداوند عزوجل آن سنگ را به نطق آورد و گفت: ای آدم آیا مرا می‌شناسی؟ گفت: خیر! سنگ گفت: البته که مرا می‌شناسی منتهی شیطان بر تو غالب شد و پروردگارت را از یادت برد. سپس به همان صورتی که در بهشت با آدم بود درآمد و به او گفت: کجا رفت آن عهده و میثاق؟ آدم به سوی او پرید و میثاق به یادش آمد و گریست و برای سنگ خضوع و خشوع نمود و آن را بوسید و اقرار به عهده و میثاق را نزد او تجدید کرد. سپس خداوند او را به گوهری سفید و شفاف و نورانی و درخشنده تبدیل فرمود. آدم علیه‌السلام با عزت و احترام آن را بر دوش خود گرفت و حمل نمود و هرگاه خسته می‌شد جبرئیل علیه‌السلام آن را از آدم می‌گرفت و با خود حمل می‌کرد و به همین منوال می‌رفتند تا به مکه رسیدند. آدم علیه‌السلام در مکه پیوسته با آن مائوس بود و روز و شب میثاق و عهده را با اقرار برای او، تجدید می‌نمود. سپس خداوند عزوجل وقتی کعبه را بنا نمود، سنگ را در آن مکان قرار داد چرا که وقتی خداوند تبارک و تعالی از فرزندان آدم عهده و میثاق گرفت، در آن مکان اخذ نمود و در آن مکان آن ملک میثاق را در خود فرو برد؛ به همین علت خداوند حجر را در آن رکن قرار داد. سپس خداوند آدم را از جای بیت به طرف صفا و حوّا را به جانب مروه راند و سنگ را در آن رکن قرار داد. وقتی آدم از صفا چشمش به حجر افتاد که در رکن نصب شده بود، الله اکبر و لا اله الا الله گفت و خدا را تمجید و تعظیم نمود به همین علت سنت است که در هنگام روبرو شدن با رکنی که حجر در آن است، از صفا تکبیر بگویند. خداوند عهده و میثاق را در او به ودیعه نهاد نه در هیچ ملک دیگری؛ چرا که وقتی خداوند عزوجل بر ربوبیت خودش و بر پیامبری حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و بر وصایت امیر المؤمنین علیه‌السلام پیمان گرفت، پشت ملائکه لرزید در حالی که آن ملک اولین کسی بود که به اقرار شتاب نمود و در بین ایشان، دوست‌دارتر از او نسبت به محمد و آل محمد علیهم‌السلام وجود نداشت. از این رو خداوند او را از بین ایشان اختیار فرمود و میثاق را در او قرار داد. او روز قیامت می‌آید در حالی که زبانی گویا و چشم بینا دارد و برای هر کسی که در آن مکان عهده خود را وفا کند و میثاقش را حفظ نماید، شهادت خواهد داد». کافی: ج ۴ ص ۱۸۴؛ علل الشرایع: ج ۲ ص ۴۲۹ تا ۴۳۱، و برای کسب اطلاعات بیشتر به

آنچه سید احمد الحسن علیه‌السلام در انتهای کتاب تفسیر سوره‌ی توحید صفحه‌ی ۱۲۲ به نگارش درآورده است، رجوع نمایید.

عموم مسلمان چه شیعه و چه سنی شخصیتی مقدس به شمار می‌آید و طبق آنچه شیعه و سنی از رسول خدا ﷺ نقل کرده‌اند، دوست داشتن وی، ایمان و دشمنی با وی، کفر و نفاق محسوب می‌گردد.^۱

آن‌علی که مردم از او براءت خواهند جست شخصی است که بیانگر و تمثیلی از شخصیت علی ابن ابی طالب علیه السلام در زمان ظهور امام مهدی علیه السلام می‌باشد؛ به ویژه هنگامی که علایم ظهور مهدی علیه السلام آشکار می‌شود.

صدر الصغیر - شماره اول ۱۴۲۶ هـ - ق

پرسش ۴۱: عمل با احتیاط به رساله‌های سه‌گانه

بسم الله الرحمن الرحيم

وصی و فرستاده‌ی امام مهدی علیه السلام، سید احمد الحسن، اخیراً اشکالی در تشریح شیعه به نظر می‌رسد به این صورت که آن‌گونه که در میان شیعیان معروف است، در زمان ظهور امام علیه السلام یا ظهور نایب خاص وی، همه‌ی احکام از ناحیه‌ی مقدّسه صادر می‌گردد. این موضوع در تضاد با چیزی است که از شما صادر شده؛ عمل با احتیاط به رساله‌های شرعی سه‌گانه‌ی سید صدر اول، سید صدر دوم و سید خمینی! فایده‌ی عمل با احتیاط چیست؟ می‌دانیم که بیشتر رساله‌ها شامل احکام ظنی است؛ که اگر حکمش درست باشد پاداش ندارد و اگر حکمش درست نباشد گناه محسوب می‌گردد. اگر در سخن به بی‌راهه رفتیم یا کلام ناب‌جایی گفتم، بسیار متأسف می‌باشم.

سید ضیاء - ۲۶ ربیع الثانی ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

۱ - قندوزی از علی بن حسین علیه السلام از پدرش علیه السلام از جدش امیر المومنین علیه السلام روایت می‌کند که رسول خدا ﷺ فرمود: «خداوند اطاعت از من را بر شما واجب گردانیده و نافرمانی از من را نهی فرموده است و پس از من، اطاعت از علی را بر شما واجب و نافرمانی از وی را نهی نموده است. او، وصی و وارث من است. او از من است و من از اویم؛ دوستی با او، ایمان و دشمنی با وی، کفر محسوب می‌شود. دوست دار او، دوست‌دار من و دشمن او، دشمن من است. او مولای کسی است که من مولای اویم و من مولای تمام مردان و زنان مسلمان هستم و من و او، پدران این امت می‌باشیم.»
ینابیع المودة لذوی القربى: ج ۱ ص ۳۶۹.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ، الصّٰدِقِ لِرَبِّ الْعٰلَمِیْنَ

شما در مورد هر حکم شرعی که سؤال داری بپرس من جواب را به شما می‌رسانم.

اصغر العصغری

صادر الاول ۱۴۲۶ هـ - ق

پرسش ۴۲: آل فلان در صیحه‌ی جبرئیل (علیه السلام) چه کسانی هستند؟

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

در روایت اهل عصمت و طهارت (علیهم السلام) آمده است که جبرئیل (علیه السلام) فریاد می‌زند حق با آل

فلان است؛ آل فلان چه کسانی هستند؟

علاء رزاق - ۲۷ ربیع الثانی ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ، الصّٰدِقِ لِرَبِّ الْعٰلَمِیْنَ

به درستی که حق با آل امام مهدی (علیه السلام) است و ایشان باقی‌مانده‌ی آل محمد (علیهم السلام) و

ایشان، مهدیون دوازده‌گانه می‌باشند.

حق با یمانی و یارانش است؛ آنها یمانی‌های سیصد و سیزده‌گانه و هر کس که از آنها

پیروی کند، می‌باشند. اما اهل باطل بسیارند؛ از جمله سفیانی و آل سفیانی.

توجه داشته باشید که ابوسفیان از فرزندان امیه است و او، برادر هاشم، جدّ حضرت

محمد (صلی الله علیه و آله) می‌باشد؛ بنابراین هر دو آنها یعنی امیه و هاشم از فرزندان ابراهیم (علیه السلام) می‌باشند.

در آخرالزمان نیز چنین است؛ ابوسفیان، محمد و هردوی آنها.

اصغر العصغری

صادر الاول ۱۴۲۶ هـ - ق

پرسش ۴۳: ازدواج زن مسلمان با مرد مسیحی.

سلام علیکم.

امیدارم به سؤال من پاسخ دهید؛ چرا که شما نسبت به امور دینی عالم‌ترین هستی. یک

مرد مسیحی (کاتولیک) به خواستگاری من آمد و از آنجا که انسان صادق و مؤمن به خدا و

مخلصی بود قبول کردم؛ ولی مایلیم با شما مشورت کنم که ازدواج با وی جایز است؟ آیا ازدواج به او حلال است یا حرام؟ این سؤال را می‌پرسم چون من یک زن مسلمان هستم. خواهش می‌کنم به این سؤال من پاسخ دهید؛ حیران مانده‌ام (بعضی می‌گویند حلال است و بعضی می‌گویند حرام، و اکنون به شما پناه آورده‌ام). با تشکر.

هبة از اردن - مسلمان ۲۱ ساله - ۲۹ ربیع الثانی ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين

اگر مسلمان هستی، جایز نیست با غیرمسلمان ازدواج کنی.

صدر الصغیر

بهار الاول ۱۴۲۶ هـ ق

پرسش ۴۴: چگونه شناخت احکام ممکن است در حالی که شما مرجعیت را باطل می‌دانید؟

سلام علیکم ورحمة اللع وبرکاته

سؤالی دارم که مایلیم برای سید احمد الحسن مطرح کنم.

از شما نقل شده است که شما مرجعیتِ علما را باطل می‌دانید؛ پس شخص مکلف چطور می‌تواند احکام دینی را دریابد؟ اگر گفته شود گفتارشان را قبول کنید ولی کردارشان را نه، این نوعی تناقض است؛ چرا که چطور می‌توانم گفتار شخصی که از نظر اعتبار و عدالت محل تردید است را قبول کنم؟ آیا درست است از کسی که راه مستقیم را نمی‌شناسد، راه رفتن بیاموزم؟ امیدوارم به این سؤال پاسخ گوئید. با تشکر.

ابو صالح - ۲۹ ربیع الثانی ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين

شما در مورد هر حکم شرعی که سؤالی دارید بپرسید، من جواب را به شما می‌رسانم.

صدر الصغیر - بهار الاول ۱۴۲۶ هـ ق

پرسش ۴۵: تهدید حمد آل ملحان

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِیْنَ وَالصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ عَلٰی خَاتَمِ النَّبِیِّیْنَ وَالسَّلَامُ عَلٰی سَائِرِ الْمُرْسَلِیْنَ مُحَمَّدٌ بَعَثَ اللّٰهُ عَلَیْهِمُ الْفَضْلَ وَالصَّلٰوةَ وَالْحَمْدَ لِلسَّلَامِ... (۱۰۰ بعد :

به کسی که ادعای رویت مهدی منتظر که علمش نزد خداوند سبحان و متعال است را دارد؛ در حالی که هیچ دلیل واضح و آشکاری وجود ندارد که ظهور او را اثبات نماید، به ویژه که ما اکنون در انقلاب عصر ارتباطات سیمی و بی‌سیم و تکنولوژی صوتی و تصویری مدرن زندگی می‌کنیم و این امکان برای کسی که ادعای ملاقات را می‌کند وجود دارد که به آسانی سخنان و یا تصویر ایشان را ضبط کند. از خداوندی که همه چیز را آفریده و هر مسأله‌ی دشواری را آسان نموده است می‌خواهم که تو را سر عقل بیاورد تا نفاق و گسترش فتنه و تفرقه بین مسلمانان و صدور فتواهای گمراه‌کننده‌ی انسان‌ها و جن‌ها را ترک‌گویی و ادعای اینکه شفیع آنها هنگام ظهور مهدی منتظر حقیقی خواهی بود را رها کنی.

این هشدار بود برای تو و آخرین هشدار است؛ که اگر از این ادعایت مبنی بر ظاهر ساختن ایمان و باطل نمودن کفر دست برداری، به خداوند یکتا سوگند که من خودم با شمشیرم تو را خواهم کشت. ای منافق شیرین‌زبان که از سحر و جادو برای گمراه کردن مردم استفاده می‌کنی!

بدان که مکان سکونت تو به کمک دستگاه‌های مخصوص من شناسایی شده است؛ هرچند سعی کرده باشی که آن را مخفی نمایی! و خداوند هدایت‌کننده به راه مستقیم است. عربستان سعودی

چنگ‌زننده به ریسمان الهی، حمد بن حسن بن زاید آل ملحان

۳۰ ربیع الثانی ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِیْنَ

ادعا می‌کنی به ریسمان الهی چنگ زده‌ای در حالی که ریسمان الهی قرآن است و در قرآن آیه‌ای وجود دارد که اگر آن را خوانده بودی بسیار به آن می‌اندیشی و تأمل می‌کردی. خداوند متعال می‌فرماید: « بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ »^۱ (بلکه چیزی را دروغ شمردند که به علم آن احاطه نیافته و

هنوز از تأویل آن بی خبر بودند. کسانی که پیش از آنان بودند نیز (پیامبران را) چنین به دروغ نسبت دادند. پس بنگر که عاقبت کار ستمکاران چگونه بوده است).

با کدام دلیل و با کدام برهان مرا متهم به دروغ و نفاق می‌کنی؟!!

در قرآن آیه‌ای هست که اگر آن را خوانده بودی اینچنین خشمگین نمی‌شدی و قسم نمی‌خوردی و تهدید نمی‌کردی. خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ * لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ * ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ^۱» (اگر پاره‌ای سخنان را به افترا بر ما ببندد * با قدرت او را فرومی‌گیریم * سپس شاه‌رگ قلبش را پاره می‌کنیم).

امام صادق (علیه السلام) فرموده است: «کسی جز صاحبش ادعای چنین امری را نمی‌کند مگر اینکه خداوند عمرش را کوتاه می‌کند»^۲.

و در قرآن آیه‌ای هست که اگر آن را خوانده بودی مرا به سحر و جادو متهم نمی‌کردی. خداوند متعال می‌فرماید: «كَذَلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ»^۳ (بدین سان بر آنهاهی که پیش از این بودند فرستاده‌ای مبعوث نشد مگر آنکه گفتند: جادوگری است، یا دیوانه‌ای است).

حال به تو می‌گویم: کسی چون من، جز از خدا از کسی نمی‌ترسد و به کسی جز از سوی خدا و جز به خداوند سبحان و متعال، امید ندارد. الگوی من، جدم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است، آن هنگام که کفار خواستند او را بکشند و الگوی من، جدم حسین (علیه السلام) است زمانی که گردن مبارک وی را بریدند. در انتها، در را به روی تو نمی‌بندم بلکه تو را دعوت می‌کنم به اینکه به درگاه خداوند گریه و زاری کنی و شناخت حقانیت مرا از او سبحان و متعال که عالم به اسرار و ناپیدا است، طلب کنی. این گونه دعا کن: (دعای مخصوص رویا در پاسخ سؤال ۱۴ آمده است).

اصح الصصح - ج۱ ص ۱۴۲۶ هـ - ق

پرسش ۴۶: اگر مرا شفا دهی، خدمت خواهم شد.

۱ - حاقه: ۴۴ تا ۴۶.

۲ - کافی: ج ۱ ص ۳۷۳ ؛ امامت و تبصره: ص ۱۳۶ ؛ ثواب الاعمال: ص ۲۱۴.

۳ - ذاریات: ۵۲.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سید احمد الصغیر... سلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ

سید گران‌قدم، نمی‌دانم چطور شروع کنم ولی عادت کرده‌ام با شما صریح صحبت کنم. داستان شما را برای یکی از دوستان عزیز و گرامی‌ام تعریف کردم و به وی گفتم معجزه‌هایی که پیامبران آورده‌اند، شما هم می‌توانی انجام دهی. دوست من سی سال سن دارد و از کودکی زمین‌گیر بوده است و از فلج اطفال رنج می‌برد. وی از فرهنگ و آگاهی دینی نسبتاً خوبی برخوردار است. او از وقتی که کودک شیر خواره بود، به دلیل تزریق اشتباه آمپول، فلج شد. مهم این است که وقتی ندای شما را شنید در وی نور امیدی از سوی خداوند متعال زنده شد و پدر و مادرش و بیشتر خانواده‌اش به وی گفتند اگر سید احمد الحسن بتواند تو را شفا دهد، خادم و مطیع وی خواهیم بود؛ زیرا در مورد وی کاری از دست پزشکان بر نمی‌آید و به وی گفتند که هیچ درمانی ندارد. طبیعتاً بر من نیز به عنوان یک فرد با سواد متوسط دینی وظیفه‌ای نهاده شده است و من علاقه‌مند به کثرت (و زیاد شدن مومنین) هستم بنابراین همگی ما به او گفتیم اگر سید احمد الحسن تو را شفا دهد ما نیز همراه تو به وی ایمان خواهیم آورد و از انصار انتخاب شده‌ی امام معصوم خواهیم شد. مولای من، جوابتان چیست؟ لطفاً ما را بهره‌مند گردانید.

خداوند به شما بهترین پاداش نیکوکاران را عطا فرماید!

ابو مریم - حیدر/ بصره - ۳۰ ربیع الثانی ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ

برادر ابو مریم، ایمان با جبر حاصل نمی‌شود؛ چرا که در این صورت علت آمدنمان به این عالم جسمانی که همان امتحان و آزمایش می‌باشد، منتفی می‌گردد. اگر همه‌ی پیامبران مریضان را شفا می‌دادند و مرده‌ها را زنده می‌کردند دیگر جایی برای شک و تردید باقی نمی‌ماند تا مردم به درستی‌شان ایمان بیاورند و در این صورت، تایید و تصدیق مردم از روی جبر و قهری می‌شد. عیسی علیه السلام برخی از کسانی که به وی ایمان آورده بودند را شفا داد و زنده کرد تا نشانه‌ای باشد و به یقین مؤمنان بیفزاید؛ ولی برای کافران جز به کفر و تکذیب و آزار و اذیت او و کسانی که آن نشانه‌ها برایشان حاصل شده بود، نیفزود. تو از خودت بپرس و

آن شخص (مريض) نیز از خودش بپرسد آیا می‌خواهد از حقیقت پیروی کند یا می‌خواهد شفا یابد؟! اگر می‌خواهد از حقیقت پیروی کند و آن طور که می‌گویی شخص مطلعی است، آخرین بیانیه‌ی صادر شده که بیانیه‌ی یمانی است، او را کفایت می‌کند.^۱ همچنین هزاران رؤیا که تعداد زیادی از مردم دیده‌اند برای وی کافی است، و نیز شفای مریضان انصار که یکی از آنها قبلاً به سرطان مبتلا شده بود و حال وی نیز از این بیمار ناامیدکننده‌تر بود؛ این شخص اکنون زنده است و پرونده‌های پزشکی وی نیز موجود می‌باشد و او در حضور خداوند گواهی می‌دهد که به سبب ایمان به این دعوت حق، شفا یافته است.^۲

یکی از انصار هست که به فلج اطفال دچار می‌باشد و او اکنون زمین‌گیر است ولی از زمان رژیم صدام به این دعوت ایمان آورده و در راه این دعوت با مال و بدن بیماراش با اخلاص، تلاش و کوشش می‌کند و همچنین با هر چیزی که بتواند به این دعوت کمکی برساند و یقین کامل دارد ولی حتی یک بار هم از او نشنیده‌ام که در عوض پیروی‌اش از دعوت، تقاضای شفا نماید؛ در حالی که شما در این دنیا، حتی قبل از اینکه عملی انجام دهید و ایمان بیاورید، تقاضای پاداش می‌کنید!

اصح الصبح

جماد الاول ۱۴۲۶ هـ - ق

پرسش ۴۷: بیست سؤال متنوع

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب سید اصح الصبح... سلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

از اینکه شخص جنابعالی به سؤالی که بیشتر فرستاده بودم جواب دادید، از شما تشکر می‌کنم و انشاء الله که به آن عمل خواهم نمود، اگر مانعی وجود نداشته باشد و باعث خستگی و ناراحتی شما نشود، مکاتبه با شما را ادامه خواهم داد. من از پیروان شما هستم.

۱ - بیانیه‌ی صادر شده در تاریخ ۲۱ ربیع الثانی ۱۳۲۶ هـ ق که عبارت است از سؤالی برای بیان حدود شخصیت یمانی علیه السلام و می‌توانید آن را در کتاب متشابهات جلد چهارم مطالعه نمایید.

۲ - به کتاب کرامات و غیبیات از انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام مراجعه نماید که در آن فیوضات کرامات بسیاری که خداوند به انصار امام احمد الحسن که جانم فدایش باد، منت نهاده است، به نگارش درآمده است.

سؤال‌هایی دارم که مایلیم از حضرت عالی بی‌رسم و امیدوارم لطف بفرمایید و شخصاً به آنها پاسخ دهید؛ اگرچه سؤال‌های بیهوده‌ای هستند ولی به جهت طلب حق و حقیقت پرسیده می‌شوند و می‌دانم که شما به هر سؤال‌ی از قرآن و تورات و انجیل، طبق اظهارت صریحی که از شما خوانده و شنیده‌ام، پاسخ می‌دهید.

سؤال ۱: آیا ممکن است جزئیات زندگیتان را قبل از اینکه به این مهم مکلف شوید، بیان فرمایید؟ اگر لطف بفرمایید و با تفضیل بیان نمایید، لطفاً لطفاً.

سؤال ۲: چه زمان دروس حوزه را ترک کردید؟ آیا شما در حال حاضر معمم هستید یا خیر؟

سؤال ۳: در کدام حوزه‌ی علمیه درس خوانده‌اید؟ و استادهای شما در آن زمان چه کسانی بودند؟

سؤال ۴: در حال حاضر چند سال دارید؟ (به میلادی)

سؤال ۵: این دعوت در زمان صدام طغیانگر چه وضعیتی داشت؟ و چرا الآن آن را آشکار کردید؟

سؤال ۶: آیا درست است که خداوند بعد از رحلت امام مهدی علیه السلام به شما عمر خواهد داد و بعد از وی، حکومت را به دست خواهید گرفت؟

سؤال ۷: نظرتان درباره‌ی دایرة المعارف مهدویت که سید محمد صادق صدر تألیف کرده‌اند، چیست؟

سؤال ۸: آیا اجدادی در زندگیتان از امام مهدی علیه السلام که از لحاظ سنی کوچک‌تر یا بزرگ‌تر از شما باشند، دارید؟

سؤال ۹: آیا آن گونه که انصار شما ادعا می‌کنند، امام مهدی علیه السلام جد پنجم شما است؟

سؤال ۱۰: آیا امام مهدی علیه السلام همچنان فرزندان‌ی به دنیا می‌آورند (مذکر یا مؤنث) و تعداد آنها چند تا است؟

سؤال ۱۱: به نظر شما و به دلیل نزدیکی شما به امام، تاریخ تقریبی ظهور حجّت علیه السلام چه وقت می‌باشد؟

سؤال ۱۲: آیا امام مهدی علیه السلام با بیش از یک زن ازدواج کرده یا فقط یک همسر داشته است؟ و اگر با بیش از یک زن ازدواج کرده آیا زنان وی می‌دانند که وی، امام است یا فکر

می‌کنند وی فردی عادی است؟

سؤال ۱۳: آیا به اروپا، آفریقا یا آمریکا برای بیان حقیقت دعوت خود یا مسأله‌ی مهدی منتظر علیه السلام مسافرتی داشته‌اید؟

سؤال ۱۴: آیا از نسل امام مهدی علیه السلام (که خداوند عمر همه‌شان را طولانی فرماید) کسی هست که فاسق یا خارج از شریعت باشد؟

سؤال ۱۵: آیا امام مهدی علیه السلام در طول غیبت کبری در یک مکان اقامت داشته‌اند یا در چند مکان؟

سؤال ۱۶: تکلیف امام مهدی علیه السلام در این زمان که قتل و خون‌ریزی می‌بیند، چیست؟

سؤال ۱۷: آیا درست است که شما غیب می‌دانید مانند این گفته‌ی شما به انصارتان که به زندان خواهید افتاد و موارد دیگر؟

سؤال ۱۸: آیا دیدار شما با امام معصوم با خواست وی قابل انجام است؟ یا هر وقت و هر لحظه که شما بخواهید می‌توانید او را ببینید؟ مگر شما فرزند وی نیستید؟!

سؤال ۱۹: نزدیک‌ترین راه رسیدن به خداوند متعال چیست؟

سؤال ۲۰: نصیحت شما برای من چیست؟ امیدوارم که در نصیحت بر من بخل نورزید! من و افرادی مانند من از کسانی هستیم که خداوند بر قلب‌شان حجاب افکنده است ولی رحمت خداوند متعال را خواستاریم.

سرور بزرگوار، هدف از طرح این سؤال‌ها آزمایش یا منکوب کردن شما نیست و خداوند بر آنچه می‌گویم گواه است؛ سؤال‌هایی است که هر بار که یاد شما و قضیه‌ی شما به میان می‌آید، بین ما جوان‌ها پرسیده می‌شود؛ فقط همین.

از شما برای سعه‌ی صدرتان و تحملتان در قبول کردن سؤال‌ها، سپاس‌گزارم. خداوند شما را با یاری‌اش، یاری فرماید که از راست‌گویان می‌باشی. والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته.

ابو مریم از بصره

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين
جواب سؤال ۱: در سایت موجود است.

جواب سؤال ۲ و ۳: من و پناه می‌برم به خدا از منیت، در ابتدای ورودم به حوزه با امام مهدی علیه السلام ملاقات کردم و شروع به علم‌آموزی از ایشان نمودم و به سفسطه‌گری‌های یونانی که در حوزه وجود دارد، توجهی نمی‌کردم.

جواب سؤال ۴: تقریباً ۳۵ سال.

جواب سؤال ۵: این دعوت در زمان رژیم صدام به صورت آشکار وجود داشت و از مردم بیعت خواستم و بسیاری از مردم در استان‌های مختلف مثل بغداد، نجف، کربلا، ناصریه، بصره، عماره و برخی شهرستان‌ها با من بیعت کردند. صدام طغیانگر در آن موقع اقدام به دستگیری من نمود که خداوند مرا نجات داد و این مورد در جای خودش، معجزه است، اگر که بیندیشید. بسیاری از کسانی که در زمان صدام با من بیعت کردند، اکنون وجود دارند و از انصار می‌باشند و شما می‌توانید از ایشان سؤال کنی و جزئیات را از آنها بشنوی.

جواب سؤال ۶: خداوند هر چه بخواهد انجام می‌دهد؛ ولی من شب و روز منتظر مرگ و ملاقات با پروردگارم هستم.

جواب سؤال ۷: زمینه‌سازی‌ای برای ظهور امام علیه السلام می‌باشد.

جواب سؤال ۸، ۹ و ۱۰: خیر.

جواب سؤال ۱۱: تعیین وقت نمی‌کنم.

جواب سؤال ۱۲: آیا از این سؤال خجالت نمی‌کشی؟! زندگی خصوصی معصوم علیه السلام به تو و

غیر تو چه ارتباطی دارد؟!

جواب سؤال ۱۳: خیر.

جواب سؤال ۱۴: آنها نیز مانند دیگران مکلف هستند و هیچ فرقی بین عرب و عجم و بین

سفید و سیاه نیست جز در تقوی.

جواب سؤال ۱۵: در چند مکان اقامت می‌کند.

جواب سؤال ۱۶: من چه کسی هستم که بخواهم از تکلیف خلیفه‌ی بزرگ خداوند صحبت

کنم!

جواب سؤال ۱۷: از چیزهایی به فضل و منت خداوند مطلع می‌شوم ولی برای اثبات این

دعوت از آنها حرفی نمی‌زنم.

جواب سؤال ۱۸: هر وقت او بخواهد: « قَالَ فَإِنْ اتَّبَعْتَنِي فَلَا تَسْأَلْنِي عَنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ أُحَدِّثَ لَكَ مِنْهُ

ذُكْرًا»^۱ (گفت: اگر از بی من می‌آیی، نباید که از من چیزی بپرسی تا من خود، تو را از آن آگاه کنم).

جواب سؤال ۱۹: در قرآن ذکر شده است: «قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا»^۲ (آیا

زمین خدا پهناور نبود که در آن مهاجرت کنید؟)، «وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مَرَاغِمًا كَثِيرًا وَسِعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»^۳ (آن کس که در راه خدا مهاجرت کند، روی زمین برخورداری‌های بسیار و گشایش‌ها خواهد یافت و هر کس که از خانه‌ی خویش بیرون آید تا به سوی خدا و رسولش مهاجرت کند و آنگاه مرگ او را دریابد، مزدش بر عهده‌ی خداوند است، و خداوند آمرزنده و مهربان است). زمین خدا و راه خدا همان حجت بر خلق می‌باشد؛ پس امام، راه هجرت به خداوند است، حتی نزدیک‌ترین راه رسیدن به خداوند می‌باشد.

جواب سؤال ۲۰: کتاب روشنگری‌هایی از دعوت‌های فرستادگان جلد دوم را با تأنی و دقت بخوان و تدبّر کن.

صدر الصغیر

بهار سال اول ۱۴۲۶ هـ ق

پرسش ۴۸: چگونگی مشاهده‌ی امام مهدی (علیه السلام) و دعوت به مناظره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

از حضرت‌تعالی تقاضا می‌کنم به دو سؤال زیر، پاسخ دهید؛ خداوند به شما پاداش نیکو عطا فرماید!

سؤال ۱: از معجزه‌های شما برای اثبات این که فرستاده از جانب امام مهدی (علیه السلام) می‌باشید این است که فرد، امام (علیه السلام) را در خوابش می‌بینند و آن حضرت او را به پیروی از شما فرمان می‌دهد. من تلاش کردم ولی تا حالا موفق نشده‌ام؛ خواهشمندم چگونگی این کار را برای من بفرمایید. خداوند به شما پاداش نیکو عطا فرماید!

سؤال ۲: کسانی ادعا می‌کنند که از همه عالم‌تر و از همه به خداوند نزدیک‌ترند؛ مانند

۱ - کشف: ۷۰.

۲ - نسا: ۹۷.

۳ - نسا: ۱۰۰.

جناب سید محمود حسنی که ادعا می‌کند ولیّ امر مسلمین و خواهان مناظره است. از آنجا که شما برای اثبات حجّت‌تان آمادگی خود برای مناظره را اعلام کرده‌اید، چرا با این شخص مناظره نمی‌کنید تا ادعای دروغ وی در اعلم بودن را فاش کنید؛ زیرا سید محمود حسنی ادعا کرده است یکی از دلایل اعلم بودن او این است که تا حالا کسی نتوانسته با او مناظره کند و او تا کنون در مناظره بی‌رقیب مانده است.

امیدوارم حضرت‌تعالی به این دو سؤال پاسخ دهید؛ چرا که من بیش از حد معمول تحت تأثیر شما قرار گرفته‌ام ولی تا کنون پاسخی برای این دو سؤال پیدا نکرده‌ام. خداوند در آنچه مورد رضایتش است شما را توفیق عطا فرماید!

مرتضی - ۵ جمادی الاولی ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ

دعا در سایت وجود دارد، آن را بخوان (این دعا در پاسخ سؤال ۱۴ موجود است). من و پناه می‌برم به خدا از منیت، همه را برای اثبات حق به مناظره به وسیله قرآن کریم دعوت کرده‌ام و از جمله‌ی آنها سید محمود حسنی که به وسیله‌ی علم اصول فقه به مناظره دعوت می‌کند می‌باشد. شیخ ناظم عقیلی که از انصار است در کتاب «الافحام» پاسخ وی را داده است؛ این کتاب چاپ شده است و سید محمود حسنی یا هر کس دیگری مانند او، پاسخی به آن نداده است.

کتاب «الافحام» در واقع مناظره‌ای فرضی بین سید محمود حسنی و انصار امام مهدی (علیه السلام) است؛ این کتاب را مطالعه کن و در آن بیندیش تا صاحب حق را بشناسی. از خداوند می‌خواهم که تو را به راه راست هدایت فرماید و حق را آن گونه که هست به تو نشان دهد و پیروی از آن را روزیت گرداند و باطل را آن گونه که هست به تو نشان دهد و دوری از آن را روزیت گرداند!

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ - ۵ جمادی الاولی ۱۴۲۶ هـ ق

پرسش ۴۹: چرا برای عامه‌ی مردم معجزه ظاهر نمی‌کنی؟

به طور مرتب برای علما دلیل و برهان می‌آوری و می‌گویی اگر علما باشند من معجزه نشان خواهم داد؟ برای چه این حجّت و برهان را برای عوام نمی‌آوری تا از تو پیروی کنند

همان گونه که پیامبر خدا انجام داد. اگر بگوییم موسی عليه السلام ابتدا برای فرعون دلیل و برهان آورد، پاسخ این خواهد بود که فرعون از قدرت نظامی برخوردار بود و قادر بود بنی اسرائیل را نابود کند، چرا که آنها تحت سیطره‌ی او بودند در حالی که در رابطه با علما، موضوع، بر عکس می‌باشد و چنین وضعیتی برای آنها وجود ندارد. در انتها تصویری از شما می‌خواهم تا شما را بشناسم. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

محمّد الهاللی - العراق - ۲۶ ساله - ۵ جمادی الاولی ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين

۱ - عوام مردم یا بنده‌اند و یا آزاد؟

اگر آزاد باشند که دلایل زیادی برای اثبات حقانیت این دعوت وجود دارد که هر طالب حقی را می‌تواند اقناع کند. این دلایل، همان دلایل حقانیت رسول خدا حضرت محمد صلى الله عليه وسلم می‌باشد؛ از آن جمله معجزه و اخبار غیبی زیادی که برای انصار حاصل شده است می‌باشد که بخش کوچکی از آنها چاپ و منتشر شده است.^۱

۲ - آیا همه‌ی مردم باید معجزه ببینند؟!

جز حذیفه کس دیگری تسبیح سنگریزه‌ها در دست حضرت محمد صلى الله عليه وسلم را ندید و کسی جز یک یهودی با گرگ صحبت نکرد و به جز اصحاب و انصارش، کس دیگری گریه‌ی ساقه‌ی درخت به خاطر رسول خدا را نشنید و راه رفتن درخت را جز اندکی از کافران قریش کس دیگری ندید و به همین صورت دوشیدن شیر گوسفند ام‌معبد و سایر معجزات ایشان صلى الله عليه وسلم را؛ و موارد شبیه اینها نیز در این دعوت، به وقوع پیوسته است.

از جمله معجزه‌های این بنده‌ی مسکین بی‌نوا در پیشگاه پروردگارش، این است که به چشمان بعضی از طلاب حوزه‌ی علمیه در نجف در آغاز دعوت در زمان صدام کافر (که لعنت خدا بر او باد) دست کشیدم و پرده از روی چشمانشان کنار رفت و آنان فرشتگان و ملکوت

۱ - اشاره می‌فرمایند به کتاب کرامات و غیبیات که از انتشارات انصار امام مهدی عليه السلام می‌باشد که در آن گوشه‌ای از عنایاتی که خداوند بر انصار امام احمد الحسن که جانم فدایش باد منت نهاده، نگاشته شده است.

۲ - به کتاب فتنه‌ی گوساله جلد اول مراجعه نمایید که در آن سید احمد الحسن عليه السلام برخی از معجزاتی که به دست رسول خدا صلى الله عليه وسلم انجام شده را بیان فرموده است.

آسمان‌ها را دیدند و برای برخی از آنها معجزات مادی نیز اتفاق افتاد ولی بعد از مدتی کافر شدند و گفتند ساحر و جادوگر است و جن احضار می‌کند و.... و.... گویی اصلاً این سخن خداوند متعال را نشنیده بودند که: «وَلَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَاباً مِّنَ السَّمَاءِ فَظَلُّوا فِيهِ يَعْرُجُونَ»^۱ (اگر برایشان از آسمان دری بگشاییم که از آن بالا روند).

حال بعضی از آنها آمدند و پس از اینکه در گذشته از دعوت مرتد شده بودند، دوباره بیعت کردند. پس ای برادر، شما دل مرا خون کردید همان طور که گذشتگان شما دل امیر المؤمنین (علیه السلام) را خون کردند.

اصح الصبح

صدار لاول ۱۴۲۶ هـ - ق

پرسش ۵۰: لطفاً تفصیل خمس و زکات را بفرمایید.

بسم اللّٰه صبح الرّحیم

من و پناه می‌برم به خدا از منیت، یکی از ایمان آورندگان که خداوند با این نعمت بر آنها منت نهاده است، می‌باشم. در رؤیا سید احمد الحسن را دیدم؛ گویا او از کسانی بود که امام زمان (علیه السلام) را همراهی می‌کرد و گویا من او را می‌شناختم که سید است؛ با توجه به اینکه من در گذشته از مقلدین سید علی موسوی یا همان فرقه‌ی شیخیه بودم. از شما تقاضا دارم که شرح تفصیلی خمس و زکات را عنایت فرمایید و نظر سید را در مورد حکم گوشت هندی که از کویت وارد می‌شود و به صورت گوشت گوساله‌ی چرخ نشده است، بفرمایید؛ آیا خوردنش حلال است یا حرام؟

خواهر رشا از بصره - ۸ جمادی الاول ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ:

بسم اللّٰه صبح الرّحیم، الصّبر لله ربّ العالمین

خواهر مومن، سلام علیکم ورحمه اللّٰه وبرکاته.

از خداوند مسألت می‌کنم که به همه‌ی مردان و زنان مؤمن خیر دنیا و آخرت را توفیق عطا فرماید. اما خمس و زکات، جزئیات بسیار زیادی دارند ولی به طور خلاصه چیزهایی را

بیان می‌کنم:

خمس مخصوص امام معصوم (علیه السلام) و حجّت بر مردم در هر زمان است؛ آنها اوصیای ایشان می‌باشند و به هر صورت که بخواهند می‌توانند آن را مصرف کنند.

خمس در مواردی واجب می‌باشد؛ از جمله اموال و دارایی‌های استفاده نشده (نو). به خانه‌ای که انسان در آن زندگی می‌کند و نیز اثاثیه‌هایی که استفاده می‌شوند و اتومبیلی که انسان جهت نقل و انتقال به آن نیازمند است و همچنین منبع درآمد روزی انسان، خمس تعلق نمی‌گیرد.

اگر انسان خانه‌ی دیگری یا ماشین دیگری یا منبع درآمد دیگری داشته باشد، خمس بر آنها واجب می‌شود.

اما گوشت هندی وارداتی و سایر موارد، خوردنش حرام است مگر اینکه ثابت شود به دست مسلمان و به صورت درست و شرعی ذبح شده باشد.

اصغر الصبح

جماد الاول ۱۴۲۶ هـ - ق

پرسش ۵۱: چه چیزی شما را از سایر مدعیان متمایز می‌سازد؟!

وقتی انسان ادعاهای شما را می‌خواند، خنده‌اش می‌گیرد؛ چرا که دلیل و برهان و حجّت کافی برای این دعوت وجود ندارد. این ادعاهای شما انسان را به یاد افراد باطل و مغرض و گمراه و گمراه‌کننده‌ای می‌اندازد که قبل از ظهور امام مهدی (علیه السلام) ظاهر می‌شوند (مانند مدعیان حسنی، یمانی و یا کسی که ادعا می‌کند مهدی (علیه السلام) است). چه چیزی شما را از این افراد متمایز می‌سازد؟ حتی اگر مورد کوچکی باشد، بگوئید!

حسین العوادی - عراق - ۱۱ جمادی الاول ۱۴۲۶

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، اصغر الصبح

این دعوت با دلایل بسیاری تایید شده است و من و پناه می‌برم به خدا از منیت، به کسی نمی‌گویم که کورکورانه از من پیروی کند بلکه می‌گویم، چشمانت را باز کن و دلایل را درست تشخیص بده و صاحب حق را بشناس تا خود را از آتش برهانی. در کنار دعوت حق

همواره ادعاهای باطلی نیز وجود داشته است؛ مانند وضعیت زمان رسول خدا ﷺ که هم‌زمان با وی، مُسَیَلَمَهی کَذَّاب (لغت خدا بر او باد) و نظایرش نیز بودند.

مفضل بن عمر می‌گوید: شنیدم ابا عبد الله ﷺ می‌فرمود: «بپرهیزید از شهرت دادن و فاش کردن! به خدا سوگند که امام شما سال‌های سال از روزگار شما غایب شود و هر آینه شما در فشار آزمایش قرار گیرید تا آنجا که بگویند: امام مُرد، کشته شد و به کدام دره افتاد و دیده‌ی اهل ایمان بر او اشک بارد، و شما مانند کشتی‌های گرفتار امواج دریا متزلزل و سرنگون شوید، و نجات و خلاصی نیست، جز برای کسی که خدا از او عهد و پیمان گرفته و ایمان را در دلش ثبت کرده و به وسیله‌ی روحی از جانب خود تقویتش نموده باشد. دوازده پرچم مشتبه برافراشته گردد که هیچ یک از دیگری تشخیص داده نشود». مفضل گوید: من گریستم و عرض کردم: پس ما چه کنیم؟ حضرت ﷺ به شعاعی از خورشید که در ایوان تائیده بود اشاره کرد و فرمود: «ای ابا عبد الله، این آفتاب را می‌بینی؟» عرض کردم: آری. فرمود: «به خدا سوگند، امر ما از این آفتاب روشن‌تر است!». بنابراین امام ﷺ روشن کردن دعوت حق از خورشید هم روشن‌تر است. این دعوت نیز از خورشید روشن‌تر است؛ چرا که دلایل آن، همان دلایل انبیا و فرستادگان و حضرت محمد ﷺ و ائمه ﷺ می‌باشد. پس به دلایل این دعوت توجه کن و با دلایل رسول خدا حضرت محمد ﷺ مقایسه کن. برخی از این دلایل را می‌توانی در کتاب «نورالمبین» نوشته‌ی استاد «ضیاء زیدی» و «البلاغ المبین» نوشته‌ی «شیخ ناظم عقیلی» مطالعه کنی. در این صورت خواهی دید که دلایل بسیاری زیادی وجود دارد از جمله وصیت رسول اکرم ﷺ و روایات اهل بیت ﷺ، علم، حق و هدایت، مباحله، قسم برائت، مکاشفه و رؤیای رسول اکرم ﷺ و ائمه ﷺ که بسیاری از مؤمنان دیده‌اند و معجزات و غیبیات.

و اگر همه‌ی این دلایل سودی به تو نرساند: «فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ * يَغْشَى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ»^۱ (چشم انتظار روزی باش که آسمان دودی آشکارا بیاورد * و آن دود مردم را در خود فرو پوشد و این عذابی است دردآور) و در آن هنگام به همراه دیگران بگو: «رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ»^۲ (ای پروردگار ما، این عذاب را از ما دور گردان که ما ایمان آورده‌ایم) و پاسخ‌تان این گونه خواهد بود: «أَلَيْ لِهُمُ الذُّكْرَى وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِينٌ * ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ

۱ - کافی: ج ۱ ص ۳۳۶.

۲ - دخان: ۱۰ و ۱۱.

۳ - دخان: ۱۲.

مَجْنُونٌ»^۱ (کجا پند می‌پذیرند؟ حال آنکه چون فرستاده‌ای روشنگر بر آنها مبعوث شد * سپس از او روی گردان شدند و گفتند: دیوانه‌ای است تعلیم یافته).

سبحان الله! آیا از حال امت‌های پیشین عبرت نمی‌گیرید؟ وضعیت امروز شما مانند وضعیت یهود با پیامبرانشان است. آیا از کلام خداوند و داستان‌هایی که در قرآن هست، پند و عبرت نمی‌گیرید؟ به وضیت خودتان بنگرید؛ آیا همان وضعیت علمای یهود و مقلدانشان نیست آن هنگام که زکریا علیه السلام و یحیی علیه السلام و عیسی علیه السلام را به ریشخند می‌گرفتند؟ شما را به خدا سوگند، فرق شما با آنها چیست؟

اگر از کسانی باشی که به سخن حق گوش فرا می‌دهند در حالی که او شاهد است، حتماً با حالت گریان خواهی گفت: به خدا سوگند که ما از یهود و از علمای یهود هم بدتر هستیم؛ کسانی که به دنیا چسبیدند و با انبیا و انصارشان به نبرد پرداختند؛ همان انصاری که به سوی آخرت شتافتند و به آن و به ملکوت آسمان‌ها و غیب ایمان داشتند.

چه چیزی باعث می‌شود که من و مؤمنان به این دعوت را به باد مسخره بگیریم؟ از خودت سؤال کن و به پروردگارت رجوع نما و «اَفَرَأَى كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا»^۲ (بخوان نامه‌ات را که امروز تو خود برای حساب کشیدن از خود، بسنده‌ای).

در طول قرن‌ها مسخره‌کننده‌ها چه کسانی بودند؟ آیا شنیده یا خوانده‌اید که انبیا، فرستادگان و مؤمنین کسی را مسخره کرده باشند؟ ولی همواره ملاحظه می‌کنید که استهزا و مسخره کردن، روش و شیوه‌ی تکذیب‌کننده‌ها و کافران به دعوت‌های انبیا و فرستادگان، بوده است.

چه بد قومی هستید شما ای اهل عراق! از بزرگان‌تان که از آمریکا پیروی می‌کنند تبعیت می‌کنید، با آمریکا سازش و دموکراسی‌اش را تایید می‌کنید و در نهایت به سقیفه‌ی ظالمان راضی شدید و عذر کسانی که امیر المؤمنین علیه السلام را از مقامش کنار زدند موجه دانستید و به آیین پیشینیان‌تان که کافر به تنصیب از سوی خداوند و حاکمیت او سبحان و متعال بودند، بازگشتید و به طلب این دنیای کثیف و متعفن، با این دعوت حق به مبارزه برخاستید. از کسی پیروی کردید که مال و دنیایش چیزی جز ضرر نداشت؛ همان طور که اهل مکه

۱ - دخان: ۱۳ و ۱۴.

۲ - اسراء: ۱۴

از ابوسفیان پیروی کردند و با جدم رسول خدا ﷺ به مبارزه برخاستند. چرا با من دشمنی می‌کنید در حالی که من شما را به کتاب خدا و ولی بزرگوار خداوند حضرت مهدی علیه السلام و کنار گذاشتن باطل و اهلش دعوت می‌کنم؟! من جز برای اصلاح امت جدم رسول خدا ﷺ و به فرمان پدرم امام مهدی علیه السلام برخاستم؛ همان طور که جدم امام حسین علیه السلام قیام کرد. اگر از رهبران گمراهی پیروی کنید که در گذشته نیز پدرانتان چنین کردند و فقهای گمراهی مانند شبت بن ربیع، شمر بن ذی الجوشن و شریح قاضی را پیروی نمودن و ابن زیاد و یزید (که لعنت خداوند بر آنان باد) را برای کشتن امام حسین علیه السلام یاری دادند، در حالی که خار در چشم و استخوان در گلو دارم و همه از خداییم و به سوی او بازمی‌گردیم، در این صورت «وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ» (به زودی کسانی که ظلم کردند خواهند فهمید به کدامین بازگشت‌گاه باز خواهند گشت) و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظيم.

در این سخن خداوند متعال به نیکی تدبّر کنید: «إِنَّهٗ كَانَ قَرِیْقٍ مِّنْ عِبَادِی یَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَیْرُ الرَّاحِمِیْنَ * فَاتَّخَذْتَهُمْ سَخِرِیًّا حَتَّىٰ أَنْسَوْنَكَ ذِکْرِی وَكُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضَحِكُونَ * إِنِّي جَزَيْتَهُمُ الْیَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَآئِزُونَ»^۱ (آری، گروهی از بندگان من می‌گفتند: ای پروردگار ما، ایمان آوردیم، ما را بیامرز، و بر ما رحمت آور که تو بهترین رحمت آورندگانی * و شما ریشخندشان می‌کردید تا یاد مرا از خاطرتان بزودند و شما همچنان به آنها می‌خندیدید * امروز آنها را به پاداش صبری که می‌کردند پاداش می‌دهم که آنها سعادتمند هستند). پس شما مسخره کنید و بسیار بخندید و سنت گذشتگان خود را زیر پا نگذارید که به زودی ثمره‌ی آن را خون‌های ریخته‌شده برداشت خواهید کرد و آیندگان شما را لعنت خواهند نمود همان طور که امروز کسانی که با حضرت محمد ﷺ جنگیدند و او را مسخره کردند، لعن می‌شوند و فردا خواهید فهمید که چه کسی سود برده است؛ زمانی که دیگر علمتان سودی برای شما نخواهد داشت! من و پناه می‌برم به خدا از منیت، رؤیایی را برای شما و دیگران تعریف می‌کنم، شاید که پند و عبرت بگیرید: «در خواب دیدم یکی از شیخ‌های حوزه‌ی علمیه‌ی نجف که من او را می‌شناسم کنار من ایستاده بود و در نزدیکی ما گروهی از فرشتگان در هیأت انسان، ایستاده بودند. آنها از آن شیخ درباره‌ی من سؤال پرسیدند و دلایل این دعوت را به وی عرضه نمودند و شیخ این دعوت را تکذیب کرد. شخص با ابهت و والامقامی که گویا بر این

فرشتگان و بر همه‌ی عالم رؤیا سیطره داشت، آمد. فرشتگان به شیخ مذکور گفتند: این شخص نیز دعوتی دارد و اینها دلایلش هستند؛ و ملائکه به شیخ دلایل دعوت آن شخص والامقام را عرضه داستند. شیخ گفت: دعوت این شخص مانند دلایل دعوت احمد الحسن است. ملائکه به آن شیخ گفتند: آیا می‌دانی این مرد کیست؟! این شخص محمد بن عبد الله صاحب شمشیر بُرنده و تیرِ تیز است! شیخ یاد شده گفت: من نه به محمد و نه به احمد ایمان ندارم. سپس رویش را برگرداند». به خداوند بلند مرتبه‌ی بزرگوار قسم می‌خورم که من این رؤیا را دیدم و در این رؤیا رسول خدا حضرت محمد ﷺ حاضر بود. من این رؤیا را به عنوان دلیلی بر حقانیت این دعوت برایت تعریف نکردم - اگرچه رؤیا خود دلیل است - این رؤیا را برایت گفتم چون آن را نامه‌ای از جانب خداوند می‌دانم شاید خداوند توسط این رؤیا و مفاهیمی که در آن وجود دارد، به تو و دیگران سود برساند و پند بگیری؛ و خداوند توفیق‌رسان است.

سپاس خداوندی را که ما را مؤمن به ملکوت آسمان‌ها و غیب و آخرت که از غیب است، قرار داد. حمد و ستایش مخصوص خداوند یگانه است و لعنت خداوند بر هر کافری که به ملکوت آسمان‌ها و غیب ایمان ندارد.

صدر الصخ - ج۱ در الاول ۱۴۲۶ هـ - ق

* * *

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على سيدنا محمد و آله و سلم تسليما